نزقی	ع	ص	ر	ت	خ	ض	غ	
ترفع	ب	د	و	ح	ی	ل	ن	
تنزل	س	ف	ق	ش	ث	ذ	ظ	
مساوات	ا	ج	ه	ز	ط	ک	م	

نزقی	غ	ض	خ	ث	ر	ص	ع	
ترفع	ب	د	و	ج	ی	ل	ن	
تنزل	ظ	ذ	ث	ش	ق	ف	س	
مساوات	ا	ه	ج	ط	ز	ک	م	

فائده بدانکه بیخ آیه است که در اول هر آیه حروف
اول از کهیعص بر می آید و در اخر آیه حمعسق پس
می آید که در وقت کفتن ان مثلا کهیعص بهر حرفی انکشتی
از دست راست عقد کند و چون به حمعسق برسد هم
چنین انکشت دست چپ عقد کند و چون به کاترلناه
برسد که اول حرف کهیعص انکه دست راست بکشاید
هم چنین حمعسق دست چپ بکشاید و چون بشاهت
الوجوه پشت دست را بزمین زند و چنان بصور کند که
روی دشمن سیاه شده و بلفظ عمیت الابصار که رسد

خیال کند که چشمهایش کور شده و دو کلمت الالسن خیال کند که زبانش بریده شده است چون بلفظ کهیعص رسد انگشتان هر دو دست را عقد به حمعسق که رسد هر دو را بگشاید

دعای احتجاب

دَعای اَحتجاب مِنْ کَلامِ امیرِالمؤمنینَ عَلیهِ السَّلامُ بدانکه این را دعای سیفی صغیر نامیدانند از برای دفع دشمن قوی در یکمجلس دویست و پنجاه بار بخواند که عدد کبیر اوست و عدد بسیط او صد و چهار و ده مرتبه بعدد سورهای کلام الله پس هرگاه شخصی را دشمنی قوی بهم رسد که هیچ گونه دست از عداوت برندارد باید او را خبر سازی و بگوئی من عداوتی بتو ندارم تو دست از عداوت بردار که باهم دوست باشیم فقط برادر باشیم تا سه مرتبه بگوید اگر قبول نکرد بگوید من دعای بد در حق تو میکنم اگر متنبه شد نیکوست والا امر حق کرد تو را که هر کاری خواهی بکن انوقت در عرض شش یوم که عدد صغیر حروف احتجاب است با نوزده عدد که زبانه جهنم است و عدد بسم الله است شش را در نوزده ضرب کنی صد و پنجاه میشود تا شش روز هر روز نوزده مرتبه بخواند با اعتصام و اختتام و اشاره او بخواند که بعد از شش روز

بخواند

بخوانی خود میرسد وعدد صغیرش پنج مرتبه بجهة دفع
اعدا هر روز بخواند واز حضرت امیرالمؤمنین ع روایت
است که هرکه هر روز یکبار بخواند بعد من الکرسی با او
دشمن باشد پرده حجابی در نظر او پیدا شود که او را
نبیند واگر خوفی از ملوک داشته باشد باندک خاکی
بخواند وخاکرا بدست گرفته بدر سرای ان ملوک بپاشد
که قهرش مبدل گردد واگر جماعتی با او دشمن باشد
پیاله اب کرده ودعارا بخواند واب رسیده بدر خانه
ودهکذا راو بپاشد که من بعد با او دشمنی نتواند کرد
واز مجربات است واعتصام اینست

بسم الله الرحمن الرحیم بخفی لطف الله بلطیف صنع الله
بجمیع ستر الله بعظیم ذکر الله بقوت سلطان دخلت
فی کنف الله وصلی الله علی محمد رسول الله بسم الله
الرحمن الرحیم احتجبت بنور وجه الله القدیم الکامل
وتحصنت بحصن الله القوی الفاعل ورمیت من
بغی علی بسهم الله وسیف القاتل چون باغظ
قاتل رسد دست خود را مثل تیغ خیال کند بجانب دشمن
حواله نماید بگوید اللهم یا غالبا علی امره یا قائما

فَوقَ خَلقِهِ وَیا حائِلاً بَینَ المَرءِ وَقَلبِهِ وچون بلفظ حُل
رسد آغاز بکند به دفع خصم وخیال کردن اورا بگوید
حُل بَینی وَبَینَ الشَّیطانِ وَنَزغِهِ وَبَینَ ما لا طاقَةَ لی
بِهِ مِن أَحَدٍ مِن عِبادِکَ کُفَّ چون اینجا رسد دشمن
را زبان ودست وپا بریده تصور کند کُفَّ أَلسِنَتَهُم وَأَغلِل
أَیدِیَهُم وَأَرجُلَهُم وَاجعَل بَینی وَبَینَهُم سَدّاً چون اینجا رسد
خود را در حصار آهن تصور کند که مطلقا دشمن را بادو دستی
نباشد بگوید مِن نُورِ عَظَمَتِکَ وَحِجاباً مِن قُوَّتِکَ وَجُنداً
مِن سُلطانِکَ فَإِنَّکَ حَیٌّ قادِرٌ اَللّهُمَّ اغشِ عَلی أَبصارِ
النّاظِرِینَ حَتّی اوردُ المَوارِدَ کُلَّها وَاغشِ عَلی أَبصارِ النُّورِ
وَأَبصارِ الظُّلمَةِ المُؤیِّدِینَ فِی السُّوءِ حَتّی لا أُبالی عَن أَبصارِهِم
یَکادُ سَنا بَرقِهِ یَذهَبُ بِالأَبصارِ یُقَلِّبُ اللّهُ اللَّیلَ وَ
النَّهارَ إِنَّ فی ذلِکَ لَعِبرَةً لِأُولِی الأَبصارِ بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ
الرَّحِیمِ وَهُوَ حَسبی کهیعص بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحِیمِ حمعسق
کَماءٍ أَنزَلناهُ مِنَ السَّماءِ فَاختَلَطَ بِهِ الأَرضُ فَأَصبَحَ هَشِیماً
تَذرُوهُ الرِّیاحُ هُوَ اللّهُ الَّذی لا إِلهَ إِلّا هُوَ عالِمُ الغَیبِ
وَالشَّهادَةِ هُوَ الرَّحمنُ الرَّحِیمُ یَومَ الآزِفَةِ إِذِ القُلُوبُ لَدَی
الحَناجِرِ کاظِمِینَ ما لِلظّالِمِینَ مِن حَمِیمٍ وَلا شَفِیعٍ یُطاعُ

دعای احتجاب دعای سیفی

علمت نفس ما احضرت فلا اقسم بالخنس الجوار
الکنس واللیل اذا عسعس والصبح اذا تنفس ص
والقرآن ذی الذکر بل الذین کفروا فی عزة وشقاق
شاهت الوجوه سه مرتبه بگوید وعمیت الابصار
سه مرتبه بگوید وکلت الالسن سه مرتبه بگوید
اللهم اجعل خیرهم بین اعینهم وشرهم تحت قدمهم
وخاتم سلیمان بین اکتافهم سبحان الله القادر القاهر
الکافی الحی القیوم الجبار القوی بلا معین فسیکفیکهم
الله وهو السمیع العلیم صبغة الله ومن احسن من
الله صبغة کهیعص الفنا حمعسق احمنا وارحمنا
هو الله القادر القاهر الکافی وجعلنا من بین ایدیهم
سدا ومن خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون
اولئک الذین طبع الله علی قلوبهم وسمعهم و
ابصارهم واولئک هم الغافلون صم بکم فهم لا
یبصرون صم بکم عمی فهم لا یتکلمون انه من
سلیمان وانه بسم الله الرحمن الرحیم الا تعلوا علی و
اتونی مسلمین ولا حول ولا قوة الا بالله العلی
العظیم وصلی الله علی محمد وآله الطیبین والحمد

لله ربّ العالمین وسلّم تسلیماً کثیراً اختتام استجاب است که بعد از قراءت باید خواند اللّهمّ یا عالم السّرّ والنجوی ویا کاشف الضرّ والبلوی اجعل لی امری فرجاً ومخرجاً ایّاک نعبد وایّاک نستعین اللّهمّ لک الحمد والیک المشتکی وانت المستعان فسیکفیکهم الله وهو السّمیع العلیم ولا حول ولا قوّة الّا بالله العلیّ العظیم اللّهمّ انصر من نصر الدّین واخذل من خذل الدّین واشغل الظالمین بالظالمین واخرجنا من بینهم سالمین وادخلنا الجنّة برحمتک یا ارحم الراحمین

عقد اللسان

عقد اللسان

اگر خواهی زبان کسی را ببندی که ایمن باشی وقتیکی ماه تنزل باشد یا قرد عقرب یا تحت الشّعاع بنویسد در حین نوشتن اندک موم در دهن گذارد وباکسی سخن نگوید بگیرد حرف صوامت را با اسم الشخص تکسیر باید چون تمام دهد همه حروف صوامت را مرکب سازد ومعرب نماید در لوح سرب نقش کند و در خانه تاریک در زیر سنگ گران نهد زبانش بسته گردد که مطلقاً حرف نتواند زد در حاشیه لوح سرب بنویسد بستم عقل وهوش ونطق وحواس واحساس ظاهری وباطنی ۲۲ ۲ در حق ۲۲ ۲ بیا و مجرب است

هر کا.

هرگاه حروف صوامت با اسم شخص و مادرش گرفته واین
عدد دررا ۲۶۲۴ بر کاغذ کبود مثلثی کشیده
بنویسد در خانه تاریک در زیر سنگی گران بگذارد
بطریق حیوانات زبانش بسته گردد واگر کسی را بخواند
که شیفته خود گرداند عاشق سازد یا اینکه زبان
بند کند باید صورتی از موم بسازد بصورت مطلوب
مشابهت داشته باشد لوح را مربع نموده در دهن
صورت گذارد و صورت را در خانه تاریک یا در سررا
به که میت باشد در کله ادمی در درون بینی گذارد آنکس
زبان مراد گردد آنچه بگوید بعمل آورد واگر دختری خواسته
و ندهند بهمین قسم صورتی درست کرده عمل نماید
که بزودی راضی شوند واگر کسی را بخواهند بقتل
رسانند این عمل بماند که پادشاه از قتل او درگذرد
خیلی تجربه شده مجرب است ایضاً در طریق تحت
الشعاع با قمر در عقرب بنویسد در دهن صورت
گذارد ویا در دهن نقل که بسیار مجرب است دهان
مجرب است که هرگاه دختر را چنان بسته باشد یا دونکیه
در خانه شوهرش بر تنیند بخواهد این عمل کند دختر را

از خانه شوهر بر نمیگردد باید که اناث ولاگور جماعت عروس بایشان پرسند باحروف مماثت تکسیر نمایند دو سه مثلث پرکرده با عدد مذکور ۲۶۲۴ بکشند مثلث را ریزه کرده با خاک مرده در میان جماعت عروس بپاشند ویکی در دهن مرده گذاشته یا موش کور یا گربه یا سگ یا هر حیوانی که مرده اگر ادمی باشد بهتر است در خانه عروس ان باید و مثلث سیم در میان سرکه حل باید در بوی خوش مثل گلاب وعرق بنادر وغیره کرده بر داماد وعروس واهل ان باشند که معالمه عروس بهم میخورد وقتی عروسی را می شخصی این عمل کرد چندان عروس بکلام مرده پرسند انچنان جنگ درگرفت که یک نفر از طرف عروس کشته شد وسه وچهار نفر زخمی شدند مرد دخترهان شب بخانه مردش بر گشت وعاقبت همان که خواستگار شود دارین عمل کرده شود ایضا بنویسد در ارد جو نهاده گمارند واگر نراست نیروشند یا مستطیع مطیع النور شمعلوبی یا ر یا مبا سید اه یا مولا اصبات راهیا شرا هیا هو الحی القیوم یا باقی العظمة لله السلطان لله

یا

این عمل در محبت بکار برد

یا اله الالهة الرفیع جلاله این عمل در محبت هم بکار
می آید ذکرم باید کرد چنان بلیات ولی ارام نابشد
که بگفتگو درست نیاید

ایضاً لوحی از مس ساخته و بخور سوزد و بر حاشیه
ان لوح آیه لقد جائکم رسول من انفسکم عزیز علیه
ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤف رحیم
بعد اسم طالب و مطلوب را بطریق جفر خابیه نوشت
تکسیر نماید و برهان لوح مسی چراغ باید از درخت
اگر مطلوب زن باشد سه لوح نوشته و در ارد در بحر کنار باده
دهد و فتیله در سهد و عنش نامی تونیت اله به چندان روشن
نشده بود که صدا ورد و بند که میان ایشان صلح شد

فائده عمل زهره در شرف زهره لوحی از مس بسازد
و این عدد را بطریق مخفی در ان لوح درج نماید جمله ۱۸۴۲
و با خود دارد تا عجایب ببیند چون کسی خواهد زنی را در عشق
و محبت خود دیوانه سازد که یکساعت بی او ارام نگیرد باید
در شرف افتاب لوحی بسازد از مس و این عدد را ۵ دره
بنگارد و در لوح نقش کند و با خود دارد چون مطلوب اند کی
سر از طاعت بجد لوح مذکور را باتش بگذارد و هنوز حرارت اتش

عمل زهره

دران نوسیده که بیقرار گردد واین لوح از جهت احضار مجربست
که اسم مطلوب رادران بکنند یقینا باید نماید

ایضاً عمل زهره اسم طالب ومطلوب واسم زهره واسم
مادران درحروف مقطعه بنویسد وحروف زهره وحروف
مشتری امتزاج دهد پس حروف برج مشتری وحروف
برج زهره وحروف طالع وحروف مرتب طالع هم امتزاج
داده تکسیر باید تا تمام براید انگاه حروف زهره وحروف
مشتری لذا بکار دارد وجدا نویسد وحروف نورانی نیز بنویسد
وحروف صامت وکلمات را بجای خود بگذارد واین حروف را
تکسیر نماید بعد مرکب سازد ومعرب نماید بعد از ان عدد
تکسیر اول را دعدد تکسیر سیم درلوح مس ۵ در ۵ نگاشته
درآتش نگهدارد مطلوب مسخر گردد واین افسون را در
وقتی که درآتش دفن کنند و بخوانند

عَزَمْتُ وَاَقْسَمْتُ عَلَیْکُمْ اَیَّتُهَا الْاَرْوَاحِ الْمَلاَئِکَةُ هٰذِهِ
الْحُرُوفُ الْمُرَکَّبُ الْمُعَظَّمِ اَجِیبُونِی وَاَطِیعُونِی بِاِحْضَارِ
فن ۲۲۲ بمحبة ومودت وَالْعِشْقِ ۲۲۲ اَلسَّاعَةُ اَلسَّاعَةُ
اَلسَّاعَةُ اَلْعَجَلِ اَلْعَجَلِ اَلْعَجَلِ لاَ نَوْمَ وَلاَ قَرَارَ حَتّی یَأْتِی اِلَی
عِنْدِ ۲۲۲ بِالُوحَائِیلَ یَا مُحَسَّائِیلَ یَا کَنْعَائِیلَ اَجِیبُونِی

واطیعونی

عمل عطارد

واطیعونی وهردو نکیررا در نظر گذاشته واسماء الله
واسماء ملائکه اعوان را دردره دداخل عزیمت نموده
قسم داده بخواند وقسم بدهد که اتعقدون ۲۲ اجیبونی
واطیعونی بمحبة ومودة والفت ۲۱۲ بحق کهیعص
وحمعسق نون والقلم وما یسطرون وبحق طه ویس
اجیبونی واطیعونی احضرونی الساعة ۳ العجل ۳
هرقوا قلبها وجسدها وجمیع جوارح بدنها حتی فؤادها
بحق هذه الاسماء یا ناهید یا ملائکة السماء اجیبونی
واطیعونی بحق سمحائیل وبحق دارائیل وبحق مهطائیل
الساعة ۳ احضرونی واطیعونی بحق هذه الاسماء
العظام یا مالک یوم الدین ایاک نعبد وایاک
نستعین واگر خواهد که یکی از خوتین معظمه مسخر
خود نماید باید که در شرف آفتاب لوحی بسازد
از طلا ودر آن لوح این عدد را بطریق مربع نقش کند
۱۰۹۹ در آتش نهد بعد با خود دارد آن چنان سر
وپای برهنه برخواسته بنشیند نوکر اما بیم دیوانگی دارد
زنهار زنهار بجا نکند تمت

عمل عطارد چون حساب
گیرا بخواهد بکند نام مستوفی ونام صاحب

حساب تکسیر کند و عدد تمام او را گرفته حروف صامت را باسم مستوفی تکسیر نموده بدو لوح بنویسید وان شش اسماء که از لوح عطارد است ودو رلوح رقم کند در بازو راست بندد وقدرت قادر متعال را مشاهده نماید با عدد سوره والعصر بگیرد با عدد ان ششم اسم درلوح مسدس بنگارد که از اعمال غریبه است اگر مظلومی بدست ظالمی گرفتار بشد خود را درین باب معاف ندارند که باعث نجات در این است اگر خواهند نامه بارسولی بجائی بفرستند ان نامه را نمره نموده بر سر نامه بقلم سریانی بنویسید بهر مدعا که بفرستد حسب المدعا ساخته شود اگر خواسته باشند که یکی از اهل قلم را مسخر خود سازد در ساعت شرف عطارد این مسدس را در لوح نقره بکند واسم انشخص را باسم خود تکسیر نماید وعدد آیه کریمه قَ وَالْقُرْآنِ الْمَجِيدِ بَلْ عَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ فَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ بان تکسیر عدد گرفته وان مسدس درج نماید ودر بازوی راست بندد انکس چنان مسخر او ومطیع ومنقاد او بشرح درست نماید واگر دقت رقم کردن انلوح ذره ای درد نمی گیرد بهتر است خصوصاً زردی که سوراخ داشته باشد

در بیان اعمال میطظرون

خاتمه در بیان قواعد کلیه علی سبیل الاجمال اولا نیت کند بنوعی که ذکر شد و در همان لحظه طالع وقت بطرفی که نموده شده ملاحظه کند و در دایره مقاصد خود را بهر زبان که اراده جواب دارد بی زیاده و نقصان حروفش را مقطع برجائی نویسد و اسم طالب نال داخل نمایند و حروف مکرر طرح کنند بعد ازان حروف برج و صاحب طالع با حرف اسمی که برج تعلق بان اسم دارد از دایره میطظرون در پهلوی حروف حاصله نویسد و شماره کند که مجموع چند حرف است بعد دان حرف بنوعی که در قاعده دوم ذکر شده از دایره میطظرون شمرده جواب حاصل کند یکمثال ه مثل تا استخراجش بر جمیع طالبان اسان شود انشاء الله مثال چون میان دو لشکر منازعه بود و صفها در برابر یکدیگر ارسته و مستعد جنگ شده بودند عزیزی خواست که بداند که ظفر از کیست وکیل شد از یکطرف و نظر کرد در دایره مقاصد و چون اراده جواب بزبان فارسی داشت مقصد خود را بی زیاده و نقصان مقطع بیرون نوشت باین طریق ا ی ن ش خ ص ن م ظ ف د م ی ش و د ب

د ع ذ و ح د د ی ا ن گ و چون خداوند طرف مقصود
اسم او نقش ا ب د ا ه ی م بود حرف سؤال مع حروف
اسمش بطرح مکرر تخریب نمود این حروف ترتیب یافت

ای ن ش خ ص م ظ ف ر و د ب ع ه طالع وقت
اسد بود از دایره میططرون بطریق مذکور دس هم
برداشته و داخل حروف حاصله نمود مجموع نوزده حرف
گشت و چون سایل ارادهٔ جواب بزبان فارسی داشت
از الف الله که در تحت دایره سوم نوشته شده بود
ابتدا شماره کرد بحرف نون رسید ترقع بترتیب ابجدی
کرد میم ظهور یافت بعد از طرح ۹۹ چهار ماند در صفحه
ظفر و هزیمت نظر کرده شد در دایره وسط در خانهٔ اول
یب بسرخی نوشته دید دانست که دوازده دوازده
بطریق دور که ذکر کرده شده شماره باید کرد چون
در آن خانه حرف اول الف بود اولا الف را مرقوم
ساخت و از حرف دوم که الف ثانیست ابتدا شماره
کرد حرف ۱۲ د بود رقم نمود باز چون شماره کرد حرف
۱۲ ی بود رقم نمود باز چون شماره کرد حرف ۱۲ س

در بیان اعمال میططرون

س بود نوشت بار چون شماره کرد حرف ۱۲ ز بود
مرقوم گشت بار چون شماره کرد حرف ۱۲ شماره کرد
حرف ا بود ثبت نمود دوم ب که علامت ۷ خانه
اول بود تمام گشت و ۷ حرف خارج ا اول که ثبت شده
بود حاصل شد ۶ حرف از این هفت خانه و یکحرف از اول
بود ان ۷ خانه دیگر که ط و برخی دران خانه مرقوم
است که مجموع هشت حرف باشد و ان حروف محصله است
ا د ی س ا ر م را بعد ازان از دوم خانه هشتم که علامت
و برخی داشت ابتدا و بشماره طریق معهود کرده
۶ ۶ شماره نمود ۷ حرف دیگر صورت تحریر یافت که
مجموع ۱۰ حرف باشد ۱۴ حرف از این ۱۴ خانه حاصل
شد و یکحرف اخیر از خانه پانزدهم که بعلامت ط
مزین است و ان حروف ان است ا د ی س د م را
بدون ا د ی د بار از حرف دوم خانه ۱۵ که
علامت ط مزین است شماره بحساب ۹۹ نمود و هفت
حرف دیگر ترقیم نمود که مجموع ۲۲ چهره گشود و بیست و
یکحرف ۲۱ ازان خانه مذکور و یکحرف از خانه بیست

ددوم که صاحب علامت د ثانیست وان حروف این است
ا ای س د م ر ا ب د ل ا ز ی ر ن ه ن ی ا ب ل ر چون
در خانه ۲۲ نیز علامت و بسرخی بود از حروف دوم
همان خانه ابتداء شماره بطریق دور ۶۰ عـ نمود بشد
وهفت حرف دیگر حاصل کرد که مجموع ۲۹ حرف باشد
۲۸ حرف ازین ۲۸ خانه ویکحرف از خانه ۲۹ که
علامت یب مزبن است ومجموع حروف اینست
ا د ی س د م ر ا ب ر ن ا ز ی ا د ن ث ن ی ب ل را
شروح م ل ا ت باو از حروف دوم خانه بیست وهم
که مسکن است ۱۲۱۲ بطریق دور شمرده شد و
۷ حرف دکر جلوه داد که با او حروف محصوله ۲۰۶
حرف گردید ۲۰۵ حرف از خانهای مذکوره و
یکحرف از خانه ۲۰۶ که منزل به است پس ظاهر است
که ازین خانه ۱۵ شمرده بنابران از حروف دوم این خانه
بطریق دوره ۱۵۱۵ شمرده هفت حرف بدین اوود چنانچه
ان مجموع این خانها ۴۳ حرف بهم رسد ۴۲ حرف بنوعی
که ذکر آن شد حصول یافت دیکحرف از خانه ۳۰۶ که
بعلامت یج مزبن است ومجموع حروف حاصله اینست

ا د ی

ادی س ں رم راب ون اذی دن ث ن ی ب ل
راش ج م ل ات ام ازدی ه رل ك ع اس ظ ر
وچون درخانه ۴۳ یع غریب یافته بود ضرورت از حرف
دوم همان خانه ۱۸ بطریق ددرشمرده شش حرف
تحصیل نموده ومجموع این حروف محصله ۴۹ حرف
است که از ۴۹ خانه صورت انتظام یافته وان
حروف اینست ادی س رم راب وه اذی دن
ث ن ی ل راش ج ه ل ات ام ازری م رل ك
ع اس ظ م اروع وف اع ن دی دس ادم م ظ ر
س اا ب ع رك ن ك اردم ی ی درن زت اف م
ی اب ت ل رل ام ش ج ج رش اه ع اول دری اد
ل اس ت اب راج ی ام م ظ ف رف اس ت ازان
ب رع دوی ل ی ن ه ل زار چون حروف حاصله از
ان تکسیر وصد ر مؤخر کرده شد وسطر ثالث ترکیب
یافته این بیت حاصل گشت چون شاه عادل دریا دل
امت ابراهیم مظفر است ازان برعدوی کینه گذار
یارب این نسخه را گرامی دار نزد شاه زمان نامی دار

نسخه ناقص مرا کامل ساز از فیض خسرو عادل
شاه منصور خسرو جمگاه نسخه کمترین این درگاه
یارب این فال نامه مسرور ساز منظور خسرو دستور
خسرو ملک هند عادل شاه بانه کرده کار لطف اله
بادشاه تمام ملک دکن سرفراز جهان بوجه حسن
شاه خاقان سپاه دارفر بحر جود و سخا و فتح و ظفر
اسمان سخا کرده وقار افتاب سپهر مهر نثار
ایت رحمتی زوبت جلیل فیض بخش جهان سمی خلیل
معدن علم و منبع احسان شاه دریا دل سکندر شان
افتاب سپهر عالمیاب ذره دور گشته را دریاب
سرفرازم نماند بکه خوش ناوک غم برابرم از دل ریش
دور از زمال استانه شاه دل سرگشته من است تباه
تا چه امانده ام زدور که شاه همه غم ناله است و محرم اه
قفس سینه ام شده افکار دل درد مسطبد لبو نروار
قطره خون دل بصد پاره دارم از جور چرخ خونخواره
چهره زرد و دیده پر خون سینه ریش و خاطر محزون
که راز ان افتاب نام پذیره سینه اتشکده دل است سینه
وقت ان شد که منعم سازی دهیم کشوری سرافرازی بیش از نیم بود دل بیمدار
دست گیرم زحال غم بردار سگ خود خوان و سرفرازم کن

تمم

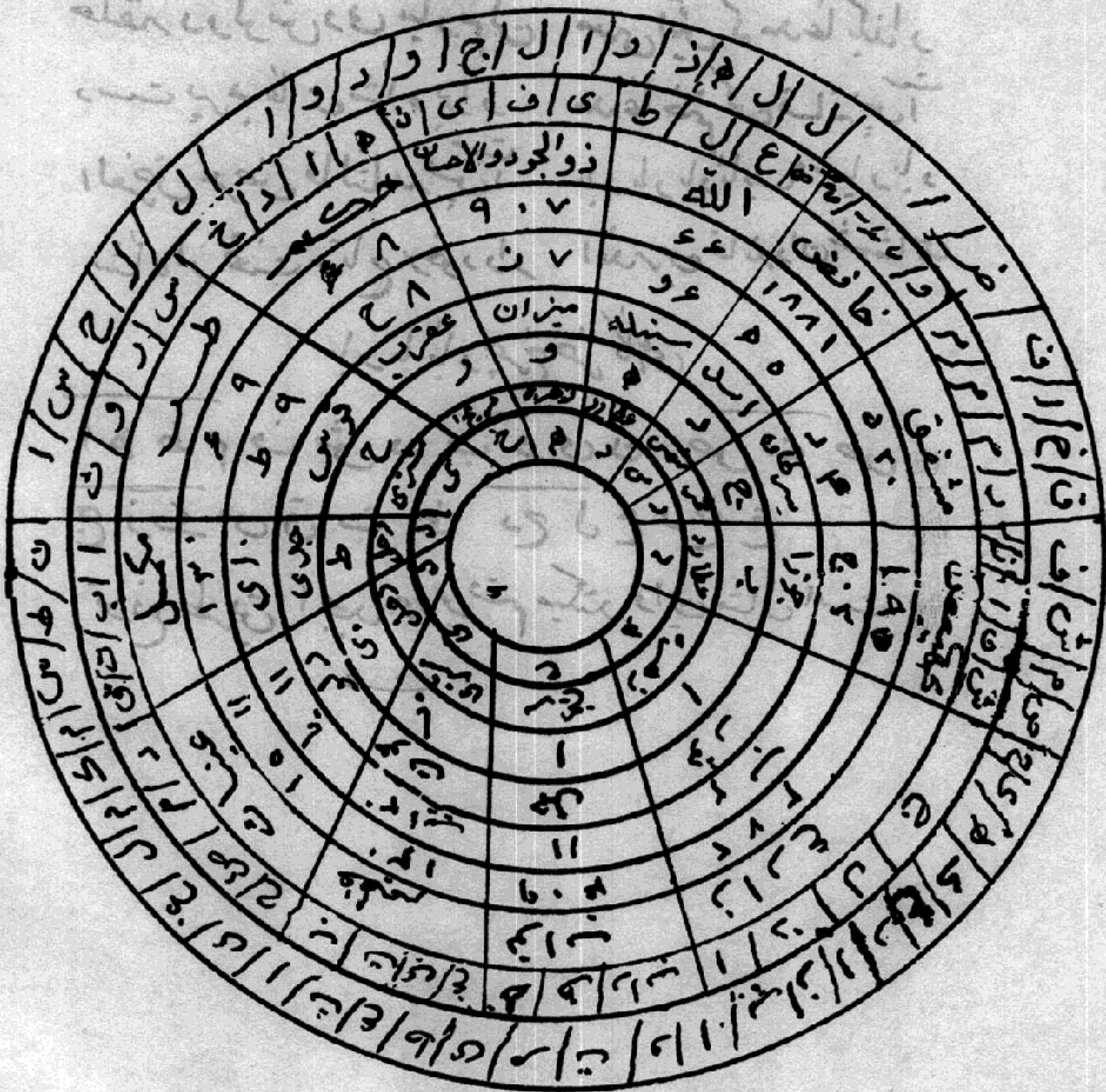
در ابیات

حلقه در گوش دبی نیاز م کن منتهی آئین که مدعا بگذار
دست بر هم قای شاه بر ار مدعا ختم کن فسانه پس است
العرض عرض فالنا مد پس است باد بار باد ثابت و سیار باد
شاه از تخت و تاج بر خود دار اندرین خانه دان شهنشاهی
باد تا باد چرخ خرگاهی

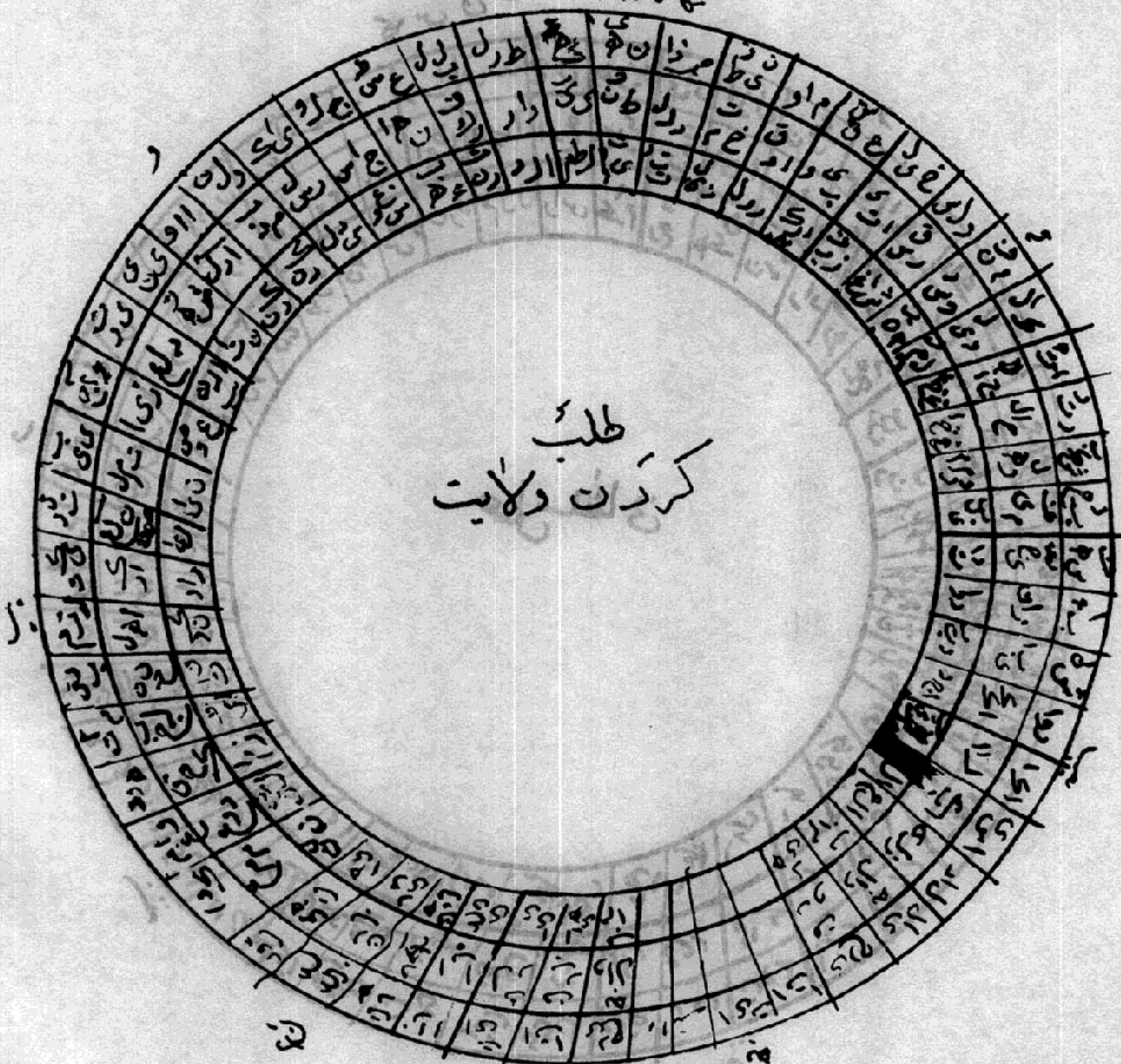
ا م ط م ف ش د ب و ی ن ص ت ض
ج ز ک س ق ث ظ دح ل ع رخ غ

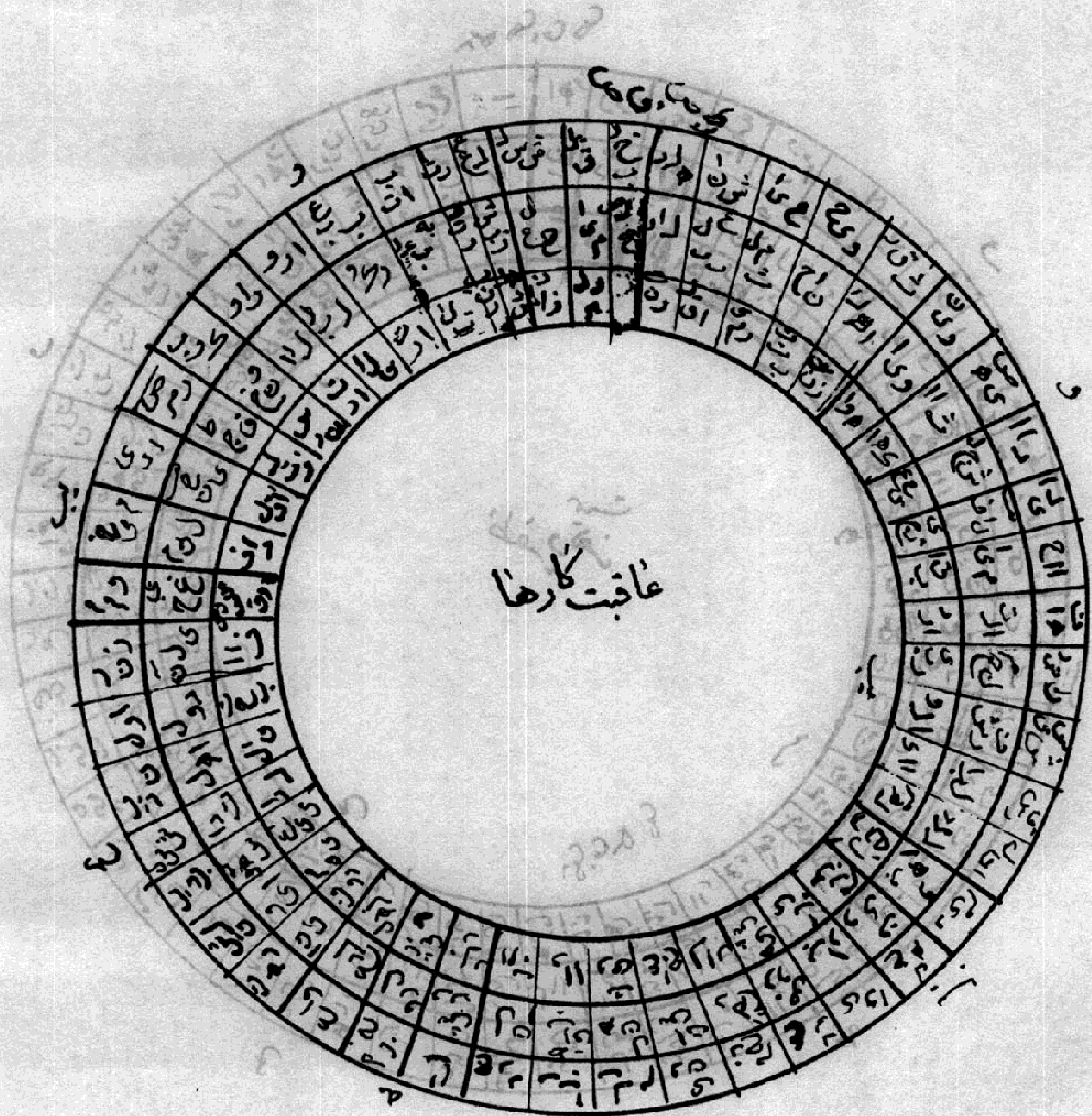
ترفع طریق ابجدی بر قسم میکنند و این مثال است

عش

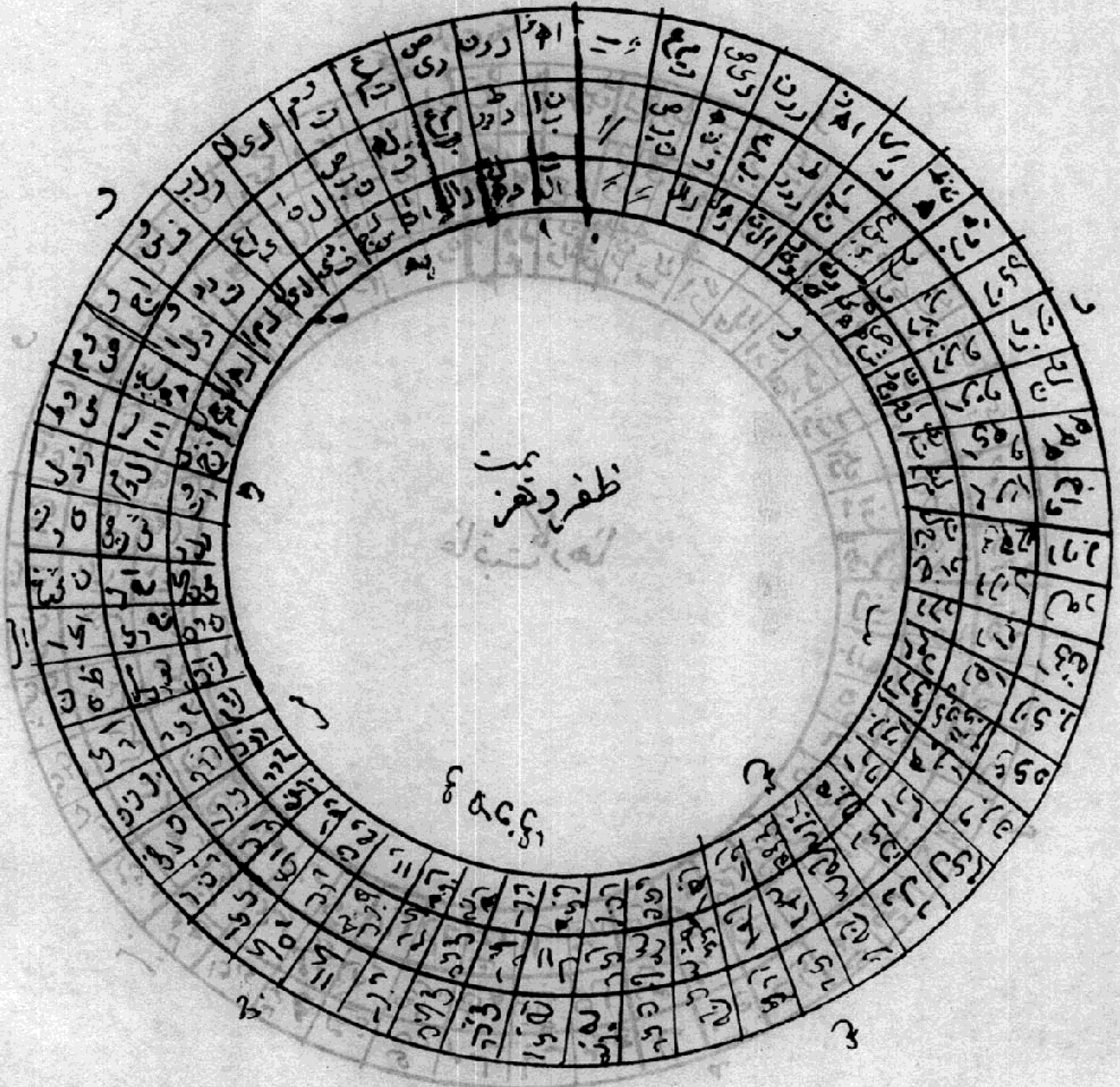

ذو الجود والاحسان
الله
ميزان
سنبله
عقرب

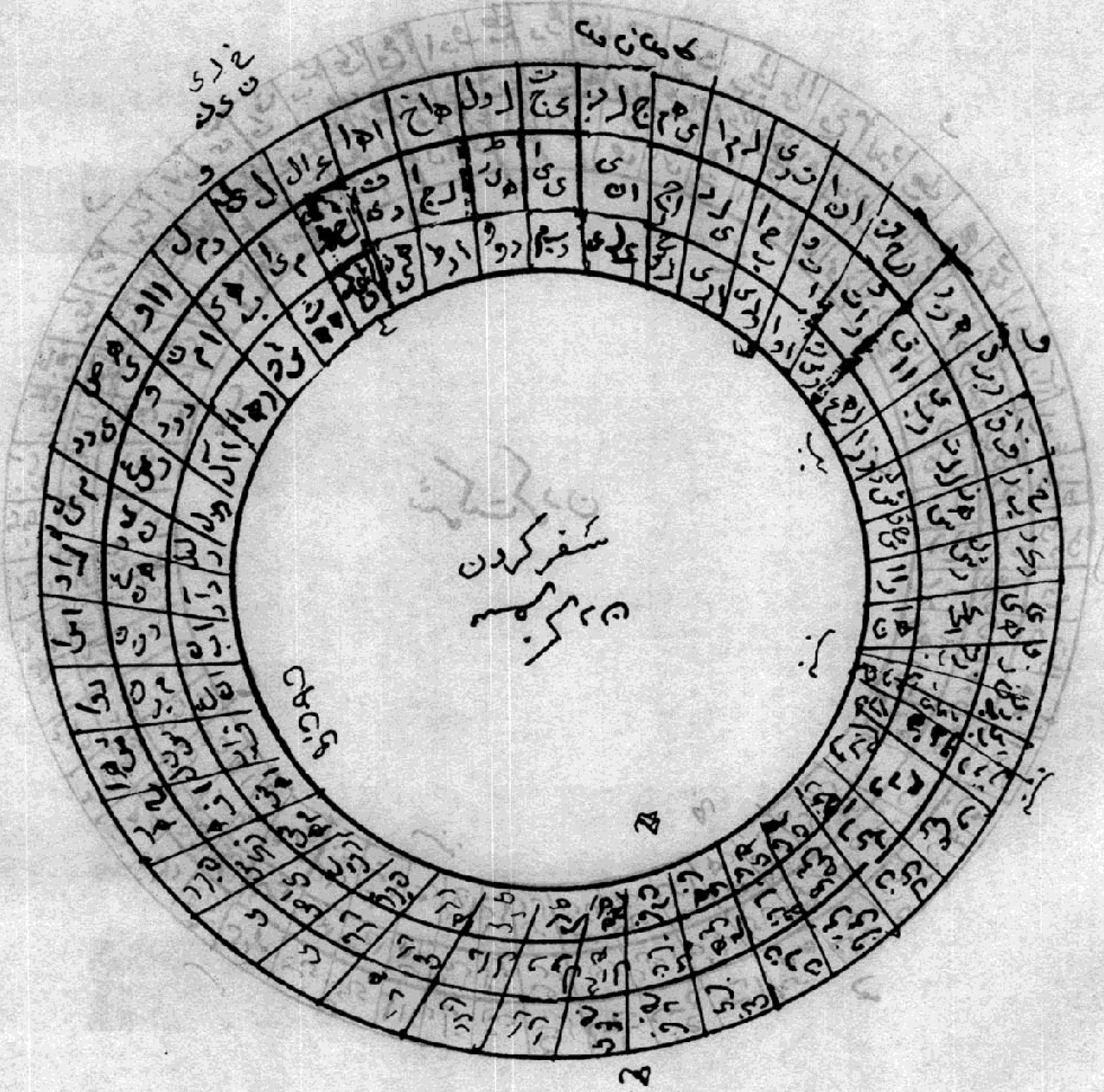
عمل سلطانی


طلب
کردن ولایت

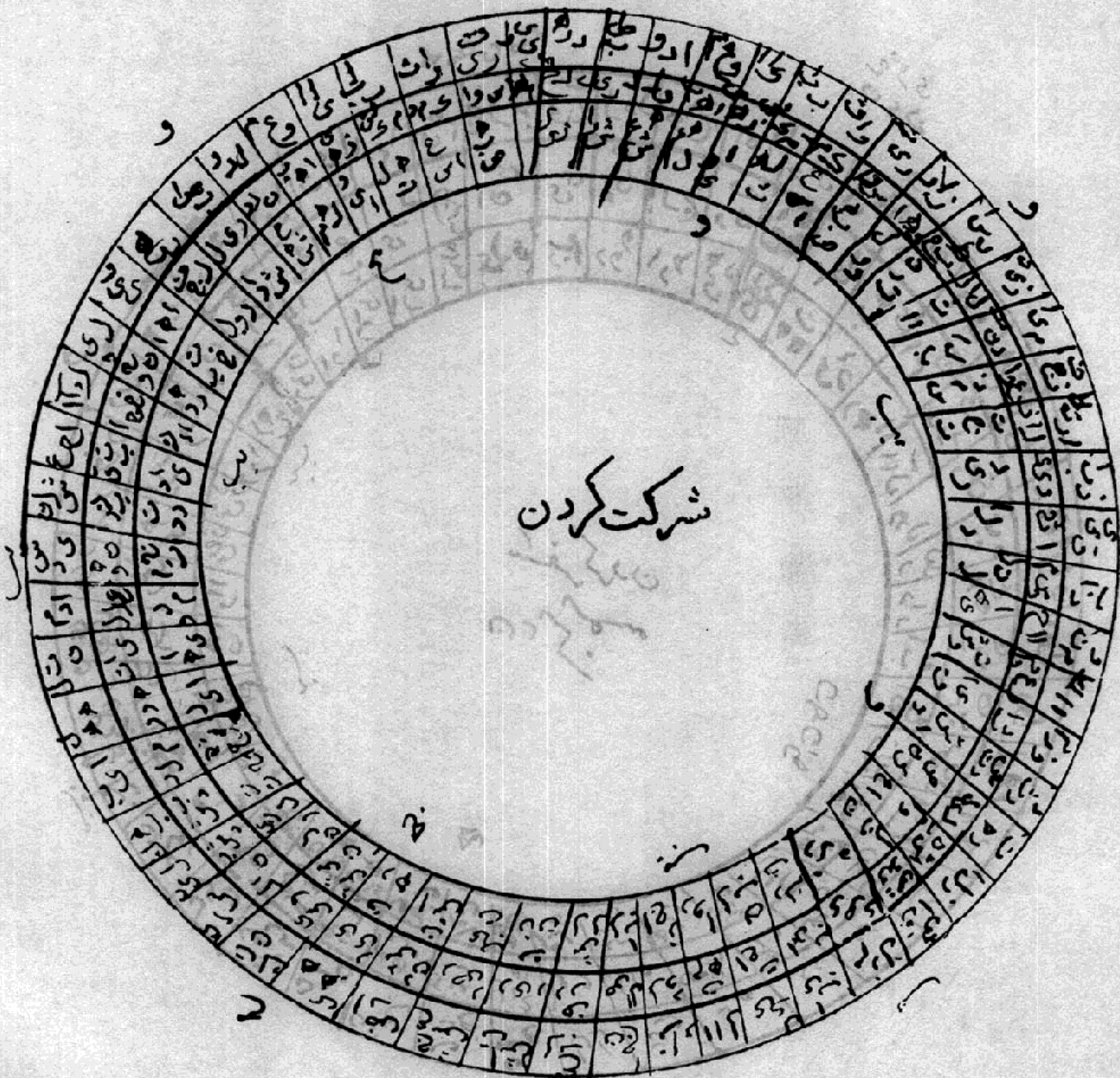


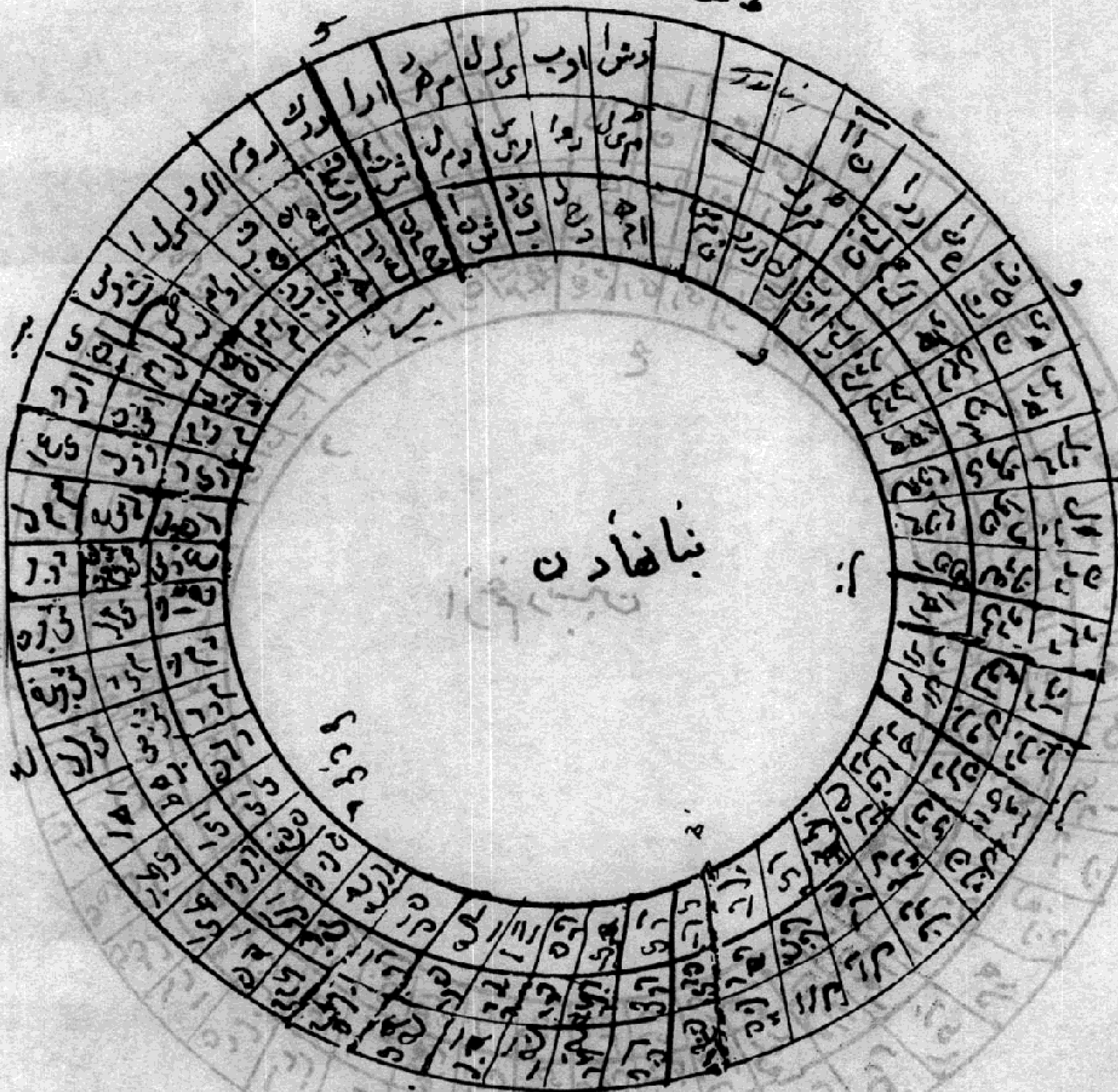
www.telasm.com

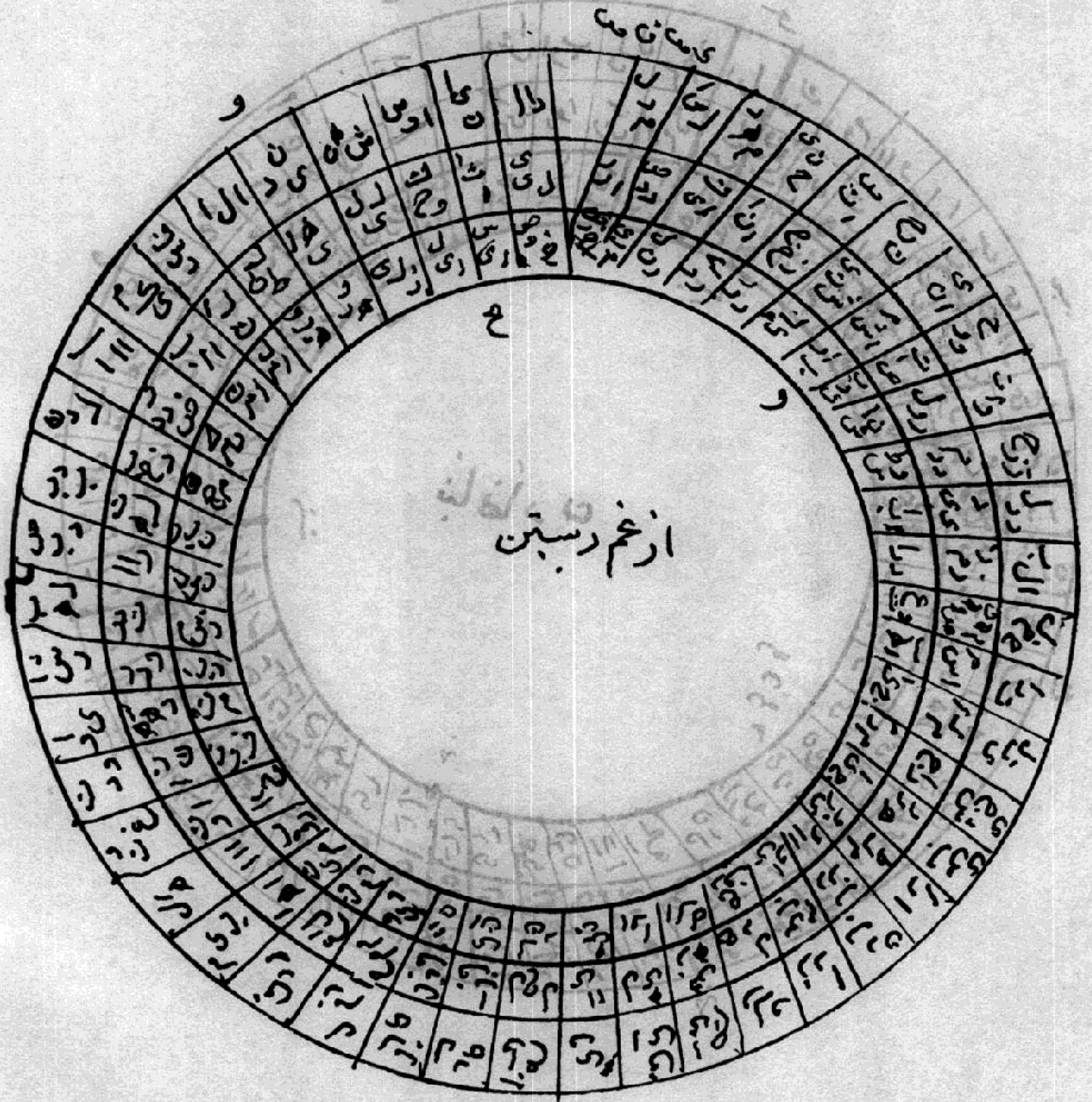




www.telasm.com


شرکت کردن

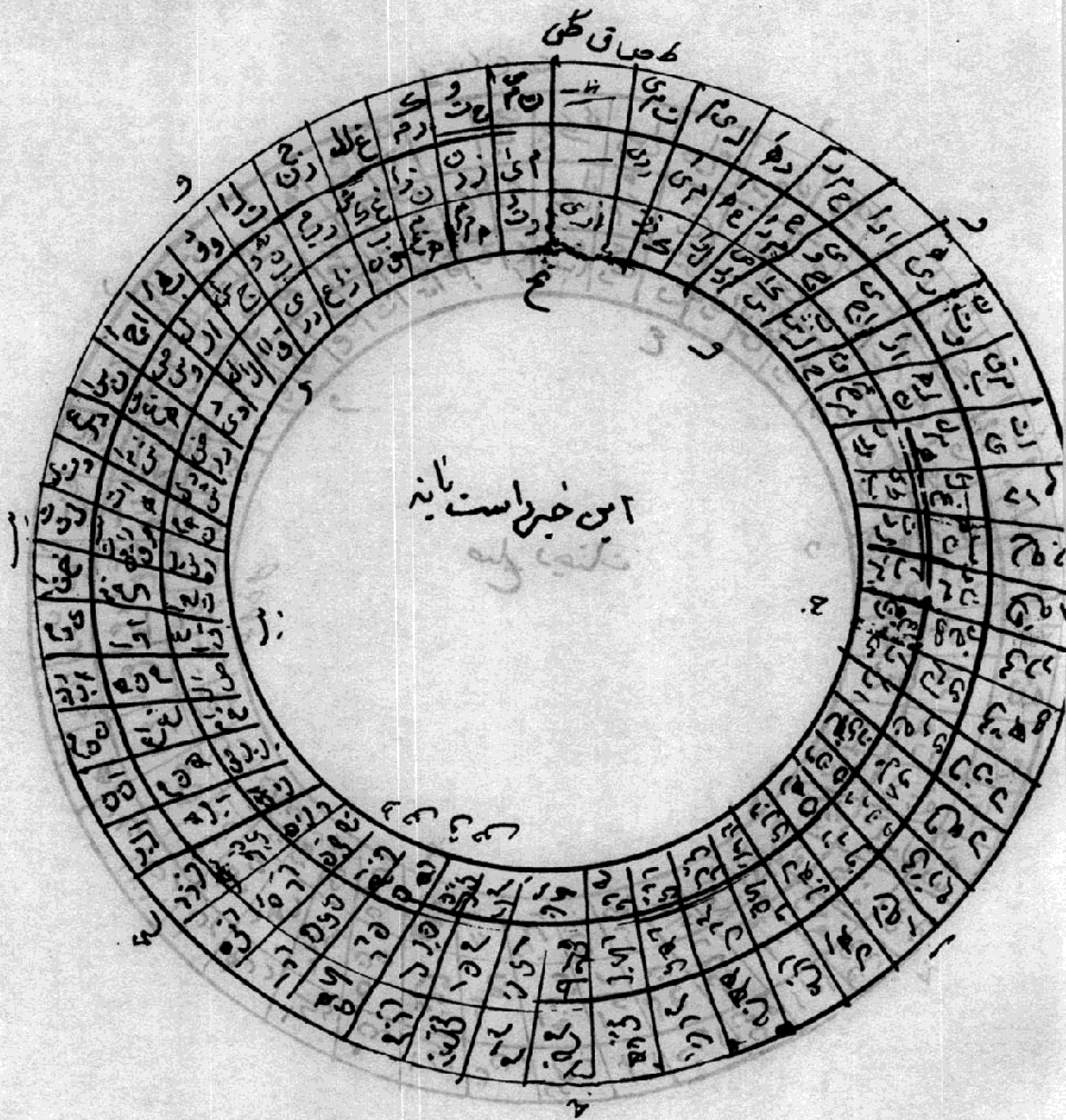



از غم رستن

لسان ب

كتابته كارها

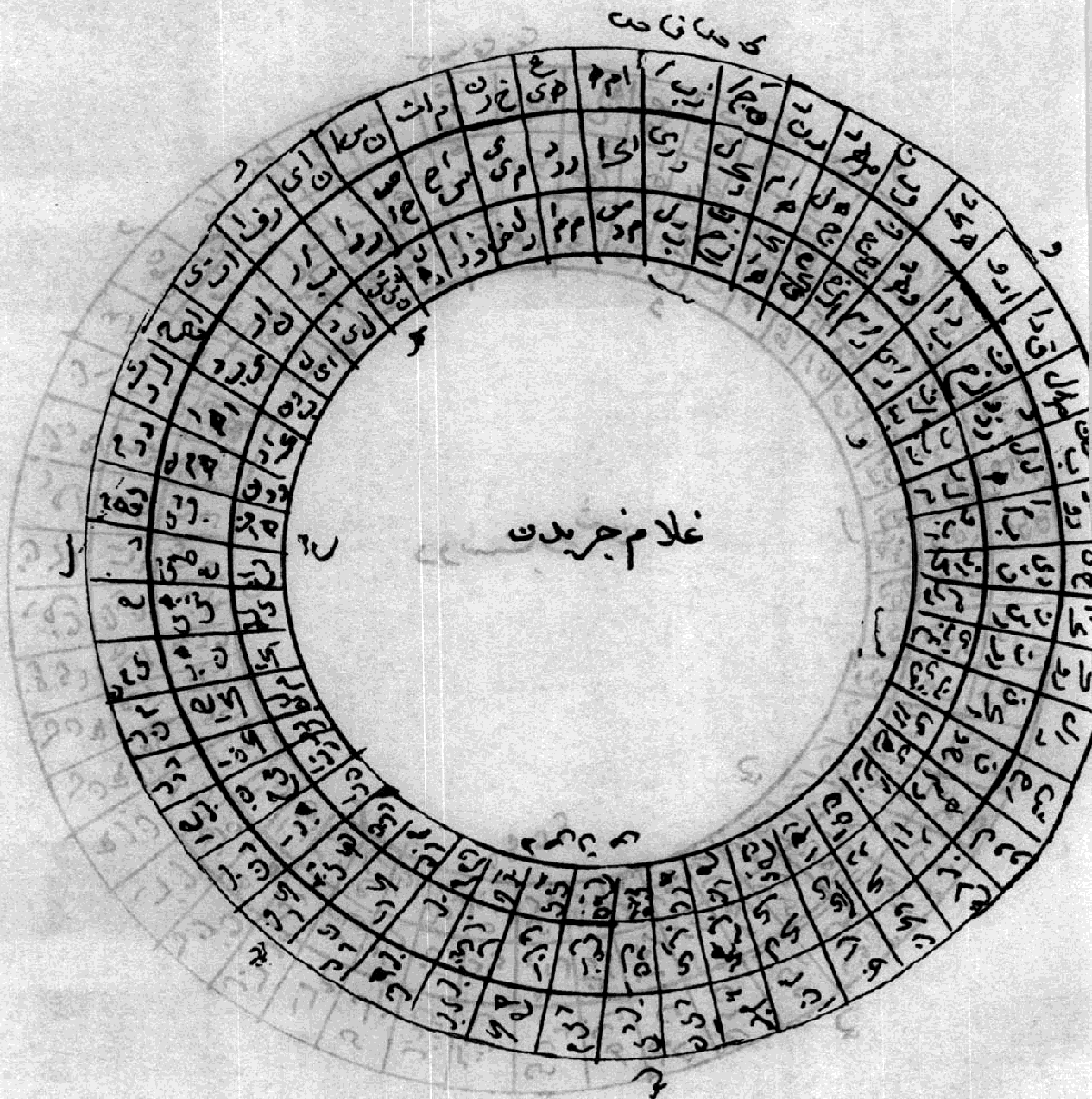
نجات کردن



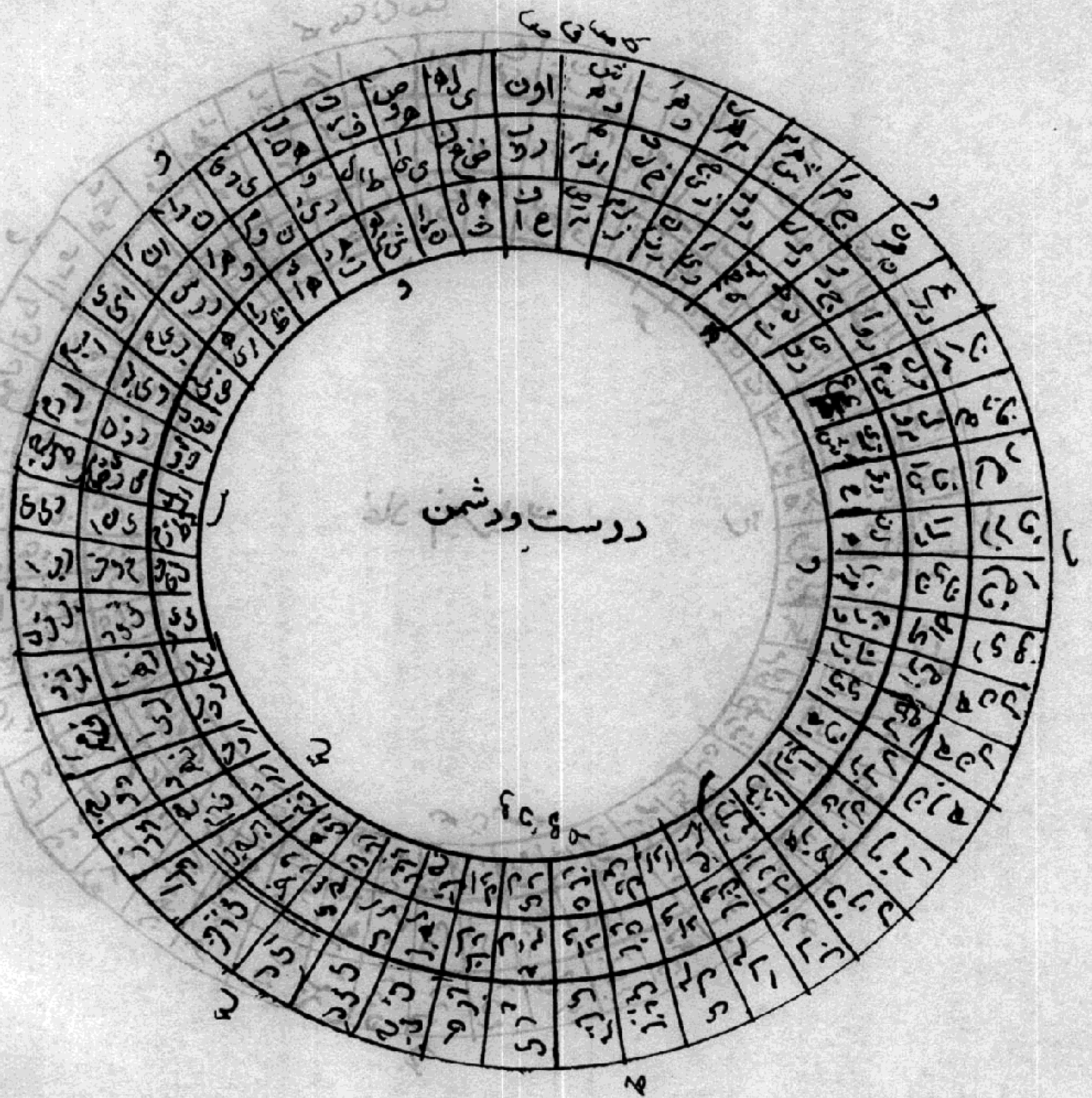
www.telasm.com

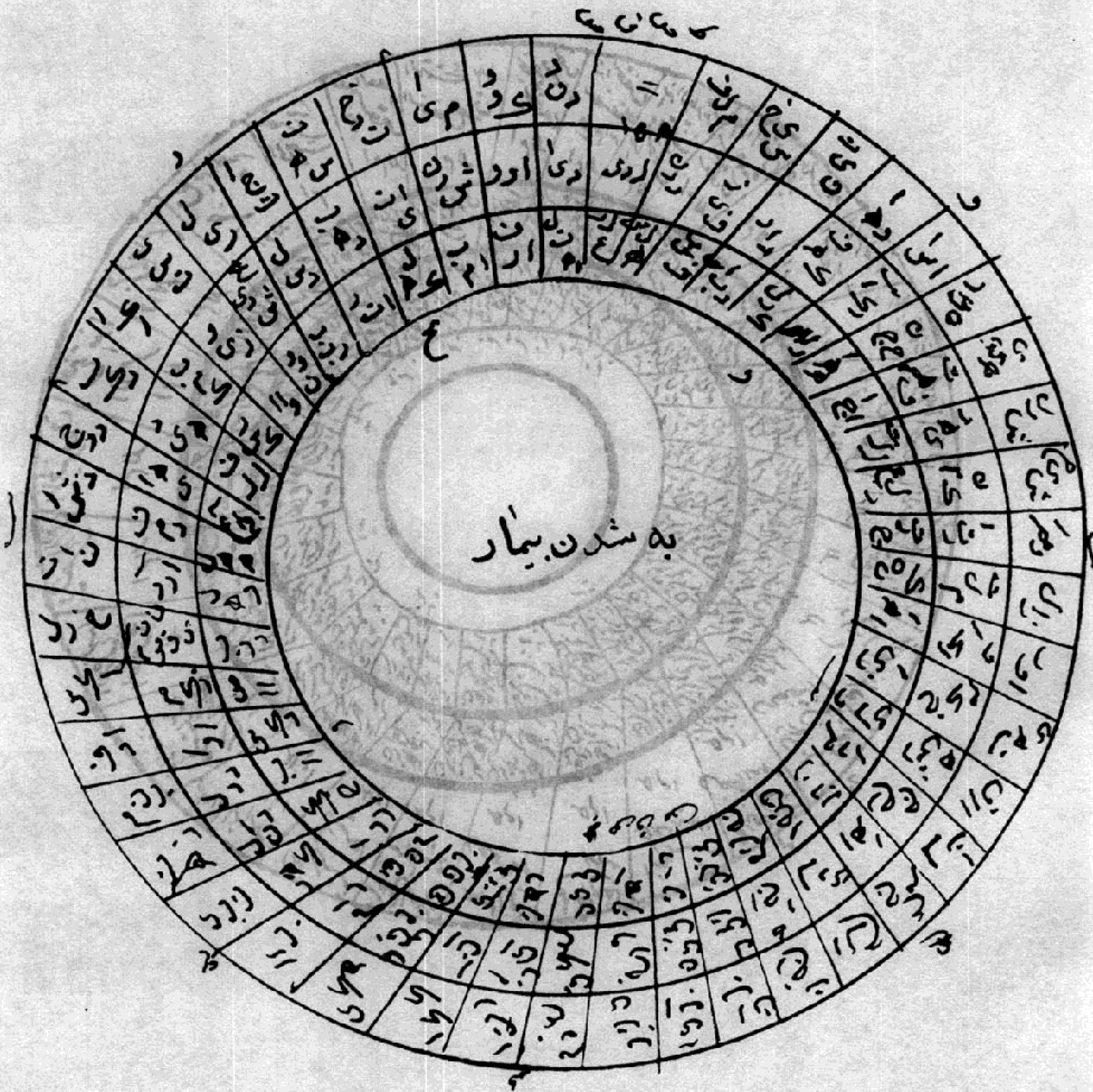


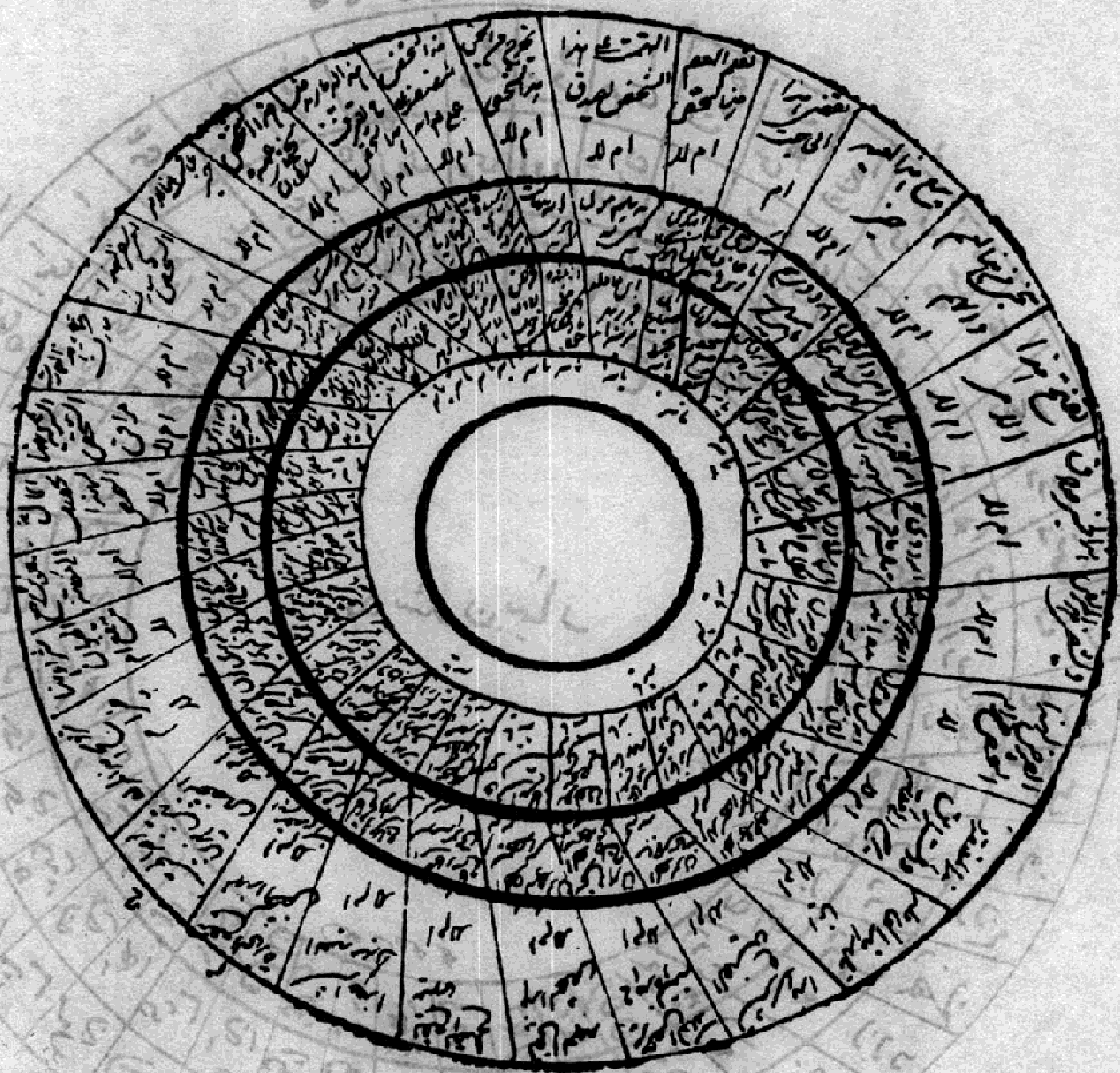
صلح دیحنات



www.telasm.com


دوست و دشمن


به شدن بیمار



در بیان فوائد متفرقه از گنجینه اسرار است واین از مواد مجربه است اگر کسی حاجتی داشته باشد در پیش بزرگی داشته باشد اینحروف را بر کف دست خود بنویسد و ببرد ان بزرگ رود که مهمش ساخته شود این است

ه هد لا لا ه لا ل

حاجتی داشته باشد

فایده دزد برده زبان بند که حضرت باری تعالی بموسی فرستاد که هرگاه با فرعون سخن کفتی فرعون کنک شدی بزبان خدای تعالی بنویسد بر بازی راست بندد

دزد برده

١ ٦ ٧ ٧ مح ٨ ١١٩١١١ع ١١١ م م ٩ ٢ ٧ ٦ ٢ ٤ ١١ ٤١١١ م

١١ ط ١١ ٦ ٥ ٥ ٢ ١١١١١١ ٩ ١ ٩ ٤ ٧

ه ط ع ر ع ١ و ه ح سه ٥٥ ١١١١ ع

علی صلی الله علیه واله علی خیر خلقه محمد واله اجمعین

عمل طم طم هندو

ملو فایده عمل حکیم طم طم هندی بجهت تسلط بر جمیع خلایق در ساعت سعد اگر در شرف زحل عمل کند بسیار موثر افتد لوحی مدور بسازد به پرگار درست نماید

در بیان اعمال متفرقه

چون بخواهد معمل عمل شود بصحرا دور بریلندی یا کنار آب روان مندلی بکشد و در آن بنشیند بشرط آنکه غسل کرده باشد و جامه پاک پوشیده باشد و چیزی از پارچه سیاه بر سر ببندد و بخور بسوزاند و آکرسی بخواند و بخور دمد مدچون بمندل نشست قلم دو سر بتراشد در محلی که این عدد را در لوح درج کند یکخانه از این سر قلم پر کند و یک خانه از آن سر قلم پر کند علی هذا القیاس و هر خانه که پر کند بگوید یا طیهیال و مقصود خود را در دل بگذراند چون تمام شود در پارچه سیاه بپیچد در بازوی راست بندد اما بجهت زنان در بازوی چپ بندد و برای مردان بر بازوی راست زنهار که از نا اهلان وجهال مخفی دارند در مثال این است که نموده میشود در چهار دور مربع آیه مبارکه قل اللهم مالک الملک الی بغیر حساب با همین آیه مبارکه بنویسد و بجهت سرداری و بزرگی کردن در میان قوم این

۱۲۱۶ ۱۹۳۸ ۶۹۲ ۱۷۹۷

ان الذین یبایعونک انما یبایعون الله	ید الله فوق ایدیهم فمن نکث فانما ینکث علی نفسه	ومن اوفی بما عاهد علیه	فسیؤتیه اجرا عظیما	عدد آیه مبارکه ۵۷۴۵
خضغ ۶۳	وصذغ ۱۷۹۶	طشغ ۱۳۱۹	زلظغ ۱۹۳۷	
هصذغ ۱۷۹۵	صح ۶۹۰	مضغ ۱۹۴۰	کشغ ۱۳۲۰	
طاظغ ۱۹۳۹	کاشغ ۱۳۲۱	دصذغ ۱۷۶۴	اصح ۶۹۱	

این مربع بطریق ذوالکتابة بنویسد و آنمهرا در موم کافوری زند چنانکه نقش بگیرد و برای هرکسی که خواهد مسلط سازد آن موم را در پارچه پاك بپیچد و در بغل گذاشته رو بروی آن شخص برود بایستد و با او حرف زند در هر وجهی که باشد براو مسلط گردد و اگر با کسی دعوی یا مرافعه داشته باشد چون آن موم در بغل گیرد اگر معامله خون باشد که بر مدعی مسلط گردد و اگر دشمن داشته باشد و خواهد که براو غالب گردد باید که این کرا این مهر بموم زند یا نقش بگیرد بعد از آن آنمهر را بهم بمالد و صورتی بسازد شبیه به دشمن و آنچه در آنمهر نوشته بر داشته آنمهر بنویسد معکوس و بهر طریقیکه دشمن را خواهد مبتلا سازد و بهمان طریق صورت را معذب سازد که از مجربات است چون این مهر را ساخته بر موم نقش کرده صورت سازد از آنموم پس بر بر همانرا این مثلث نوشته در شکم صورت بعد مهر غرای که خواهد معذب سازد وعدد مثلث و این عمل برای خراب

بر نواب اشرف علی خان گردند قلعه شاه بر هفت روزه
مسخر ساخت مثلث در حاشیه است باید معکوس نوشت
وعدد مثلث ۲۸۸۳ عک

۹۶۸	۹۵۷	۹۶۴
۹۶۸	۹۶۱	۹۵۹
۹۵۲	۹۶۵	۹۶۰

فائده. مجربه تسخیر قلوب خوانین
عدد آیه لَقَدْ جَاءَکُمْ رَسُولٌ
مِنْ اَنْفُسِکُمْ الی رَؤُفٌ رَحِیمٌ
۲۹۷۹
اضافه عدد باید کرد غسل کرده جامه سفید باید پوشد
در وقت عمل باید نبات در دهن گرفت تا فراغ از عمل
وعامل باید باوضو باشد وبخور عود وعنبر و بوی خوش
دور کند ایضاً در تسخیر قلوب سلاطین وغیره این حروف را
اح د ر س ص ع ک ل م و ه لا در پوست آهو نویسد
ودر زیر نگین انگشتر نهد در ساعت سعد یا در شرف
آفتاب اگر بر پوست شیر نویسد بهتر است ایضاً در تسلط
وبزرگی بر خلایق باید که در ساعت سعد لوح بسازد واز
مس در شرف زهره ۵ در ۵ در آن لوح بکشد پس آیه
کریمه وَیَفْعَلُ اللّهُ مَا یَشَاءُ وَیَحْکُمُ مَا یُرِیدُ در لوح ۵ در ۵
۲۰۶ ۲۰۲ ۲۲۹
بنگارد ودر پشت لوح این اسماء بکند یا حفظیائیل
یا

تسخیر خوانین ع

یا خنطیائیل یا مرکیائیل و بخور زهره بکنند واگر در
شرف زهره بکنند اثر تمام خواهد بود ایضًا بجهت مسلط
شدن بر خلایق و امثال خود لوحی بسازد از طلا در روز
یکشنبه و مربعی بکشد و این عدد را ۹۵۸ در آن لوح نگارد

۹۵۸

۲۴۰	۲۳۷	۲۳۴	۲۴۷
۲۳۵	۲۴۶	۲۴۱	۲۳۶
۲۴۵	۲۳۲	۲۳۹	۲۴۲
۲۳۸	۲۴۳	۲۴۴	۲۳۳

و ابتدا از خانه عرا کنند که
بسیار مجرب است و در حال
شروع در مدعا وضو بسازد
و از اقسام جواهر اگر یاقوت
باشد بهتر است که در دهن
گیرد و اگر یاقوت سوراخ داشته باشد بهتر است و یکی
حرف نزند و آیه کریمه وَکَفَی بِاللهِ شَهِیدًا مُحَمَّدٌ رَسُولُ
الله در حاشیه لوح بکنند البته بر جمیع خلایق مسلط گردد
و بعد از فراغ از عمل بقدر مقدور چیزی تصدق کند

احضار

احضار فواید طفل ده ساله ناخن شست چپ
او را سیاه کنند از مرکب و کاسه را پر آب کنند و از
پیش روی او بگذارند و دیوانه را در پهلوی طفل در
سر طاس بنشانند و این عزیمت را بخوانند و آن

وان طفل در ناخن خود نظر نماید و انچه در ناخن دیده
بگوید و عزایم را بخواند و بنماید یا هفت تن حاضر شوند
دران وقت خوانندن بان طفل بگویید تا خود بگویید بروید
در طاس دقتی که در روی ناخن هستند مثل خشلناش نظر
می ایند اما در طاس که میروند بزرگ مینمایند و در طاس که
رفتند تختی حاضر سازند و پادشاه جن را در تخت بنشیند
و بگویید که گوسفندی حاضر نمایند و امر نمایند تا بکشند در
انوقت بگویید که برخیزند در برابر طفل گفتگو نمایند وانچه
خواهند تنزل نمایند و بگوید که دیوانه را ازار نکشند واگر
خواهد که جن را بگیرد قدری از روی طاس بردارد و در
شیشه کند و بگوید که جن بروند در توی شیشه واگر کسی را
خبری در دیده باشند جن را بسیار بخواحضار نمایند و بگوید
تا در دراشان بکهند بسم الله الرحمن الرحيم يا احسن
المجوسي والمجوسية والنصراني والنصرانية في قلوب بني
ادم وبنات حوا عزمت عليكم بالتورية موسى وانجيل
عيسى وزبور داود وفرقان محمد ان تجيبوني الى مجلسي
هذا الحق انكوش وتنكوش دعوتوش وخوشوش

احضار

انه لقسم لو تعلمون عظیم اهن هن فاجرا یا یگا هلیکا ملیکا نقی تا نارش نور نش الستوایا رحمن یا رحیم ولا
سلط الله علیکم شواظ من نار و نحاس فلا تنتصران
واکر جن حاضر نشوند ایه ومن یتق الله یجعل له مخرجا
ویرزقه من حیث لا یحتسب ومن یتوکل علی الله فهو حسبه
ان الله بالغ امره قد جعل الله لکل شئ قدرا بخواند
واین طلسم را بر طاس نوشته در میان نماز شام وخفتن
برابش نهد بنام هر کس که خواهد حاضر شود

۱ا ع ۱۱۱ ۹۹۹ ط ۱ ۹ ۲ ع ۱

ایضا نایر

چهل روز ریاضت کشیده درین ایام از محرمات پرهیز
کند وبعد بیاورد طفل نابالغ وناخن اورا سیاه کند
وروغن کنجد یا بادام کند دینا بخواند ادعیه کند زمام
اعانت کند را هرگاه بخواهد دروزی ببیند اکنند اما مردی
از امور مخفیه اقدام نماید حمله شرایط معنوی دارد
وان این است اهیا شراهیا شای شای حوش احوش
ممونش اهو طهوا ترشوم طرشوم تهلطیف سلطیف
بهالش عزمت علیکم یا معشر الجن ان کنتم دادیا

داوده زبورًا ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
این دعای از مبارای پیغمبر علیه السلام است و بسیار تجربه شده
است تمت

فائده نوع دیگر از امور ذات محققه یا از اخلاقات عقلیه
بخواهد عمل نماید طفل نابالغ اعم از انیکه دختر یا پسر باشد
ناخن او را برگ سیاه کند خوب که از ناخن اثری ظاهر
نباشد بگذار خشک شود قدری روغن کنجد یا بادام بر
روی آن بکشد و تلاوت کند این اسماء مبارکه را و آیه
کریمه را هموار بخواند تا سه مرتبه یا هفت مرتبه و به طلبید و
بگوید بدمان طفل که فلان میفرماید که از شما چند نفر حاضر
شوید اول بگوید سه نفر از شما اینجا حاضر شوید باز سه
نفر دیگر بخواند بعد از انیکه حاضر شدند بفرمایید با کرسی
برای پادشاه حاضر کنند پادشاه را بخواند که بر تخت بنشیند
و وزیران در پای تخت بنشینند انوقت بگوید که هر چه جمعیت دارند
حاضر شدند از هر صنف بعد از ان که حاضر شدند اذن
بدهید که از مال بخیل هر چه میل دارید بیاورید و بخورند
انوقت هر چه خواهد برسد این است عزیمه

تمت

عزمت علیکم یا شمخائیل بحرمة ططشائیل عزمت
علیکم یا معشر الجن والانس ان استطعتم ان تنفذوا
من اقطار السموات والارض یا معشر الروحانیین
عزمت علیکم بالذی لا اله الا هو الرحمن الرحیم
الا ما حضرتم واطعتم وان لم تفعلوا فسلط الله
علیکم شواظ من النار ونحاس فلا تنتصران
تمت
مکان ومجلس را مراعات کند
نایژه دیگر بیاورد دختر نابالغ یا پسر نابالغ وناخن
انها را سیاه کند وبخواند این دعا را که حاضر شوند هفت
نفر وهر چه خواهد سؤال کند قل اوحی الی انه استمع
نفر من الجن فقالوا انا سمعنا قرآنا عجبا ان فی ذلک
شئا رائعا علیقا ملیقا طلیقا عند الله فی قلوبهم
مسروق اجب یا احمر اجب یا ابیض اجب یا ابا ولی
کلا کلا بحق میمون ابن المیمون احضروا احضروا
الساعة الساعة الساعة بحق خاتم سلیمان بن داود
وبحق محمد آصف بن برخیا وبحق توریة موسی
وانجیل عیسی وزبور داود وفرقان محمد مصطفی صلی

صلّی الله علیه وآله وسلّم به جزیه بخوانند و در مکان
خلوت باشد وزن حایض در انجا نباشد تمت

نوع دیگر اگر کسی چیزی گم کرده یا اینکه دزد برده باشد
بیاورد طاس برنجی و اندکی عود و مشی زرت و برنج در میان
ان کرده شب تا صبح بگذارد وصبح ان عود را بسوزاند و ان
برنج و زرت که در میان طاس بوده بردارد در مشت
خود نگهدارد و این دعا را بخواند و اندک اندک ان برنج
بان طاس بزند بحکم الهی هرجا که ان دزد رفته طاس برود
در سر وصورت ان دزد بالا برود

مُبیَن وَجلَه مَا نَا رَحِل خَال کَرَدَج کَرَدج أَتَن جَل تمت

احضار فائده خواستم احضار کنم دو دو زر زهره ساعت زهره
و ی ن ر حروفات بادی این اسم غالب است
ی ن ب یکحرف ابی دارد کر ز ش و حروفات بادی
هفت ب و ی ص ت ض و حروف ابی هفت ج ز
ک س ق ث د و هفت حروف خاکی د ح ل ع ر خ ع ر
هفت حرف اتشی ا ه دل مرف ش ذ چون اسم
زینب حروف بادی غالب بود بادی را کنا قسم برد ور

اول

اول مسبع و عدد طالب و مطلوب گرفتیم با این مناسب

ممزوج کردیم این مثل ۵۷۹۸ وازاین عدد ۱۱ عدد

گذاشتیم در خانه اول از دور دویم مسبع و نظرش بر سطیق

رفتیم تا خانه اخر این دور دویم و باز ده عدد بر عدد

اول افزودیم مثل ۱۰۱۰ گذاشتیم در خانه اول از

دور سیم باز بطریق مذکور رفتیم این دور سیم را مملو

کردیم بهمچنین اول هر دوری ده عدد باید بیفزاید

و بقاعده مذکور بر دو تا دور اخر که بود را مملو کند و این

مناسب را ممزوج بعدد اسما می است بحوالی لوح

باید نوشت و بجز مناسب باید موجب و اثر را بعدد

اسم مطلوب باید خواند و بر بعضی خود باید رسانید

و باید دانست که بجهت نمودار که بر هر کس اسان بشود

حقیر بقاعده امتزاج را ثبت کردیم اگر خواسته

باشند که اخر بقاعده طرح قسمت پر کند بدانکه طرح

لوح اهطمشد ۱۱۳۵ که باید از عدد جمعا

طرح کند باقی ۱۱ دو قسمت کند و یک قسمت را

درز برده

بگذارد در خانه اول بطریق مذکور برود تا در تمام شود و بازده عدد بیفزاید بر همان یک قسمت باز برود تا آخر بقیاس که مذکور شد اما طرح بو بنضض ۱۳۵۸ وطرح لوح هرکس قشط ۱۵۹۰ وطرح لوح وطغ رحع ۱۹۱۳۰ در بسته باشد اگر عمل احضار یا عمل ضر است باید در ظرف معمول این لوح بدوح را نویسد واگر اعمال بطریق شر است باید لوح اجهزط را نویسد ولوحین انست که ذکر میشود لوح احضار

		اجهزط ۱۱۱		

۲۳	۱۵	۷	۳۱	۳۴
۱۳	۲۱	۱۴	۱۲	۳۰
۲۹	۳۲	[illegible]	۱۳	۱۱
۱۰	۲۱	۲۴	۱۶	۱۷
۱۴	۹	۳۲	۲۵	۱۸

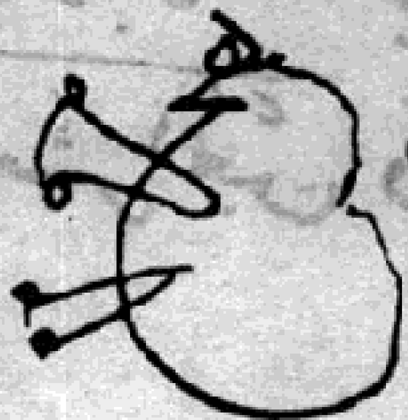
جمع

ق

جمع ق و

١٤١ ٨	١١١ ٨	١٣١ ٨	٢١٢ ٨	٥٣ ٨	٣٤٥	ب
٢٠١ ٨	٥٢٥ ٨	٩٣ ٨	٣ ٨٠	و	١٠١ ٨	١٥١ ١
١ ٤٠	٢٣ ٥٩	ى	١٣١ ٨	١٩ ٨	٥١٦ ٨	٩٢١ ٨
ن	١٣١ ٨	٥٠ ٨	٩ ١٨	١٣ ٢	١٢ ٤	٣ ٥٩
٩٠ ٨	١ ٢٠	١٣ ٤	١٣ ٦	٣ ٩	ص	٣٩ ٨
١٤ ٨	١ ٨ ٨	٣ ٩٤	ت	٦٩ ٨	١ ١٠	١٢ ٨
٤ ٨٥٠	ض	١٠٠	١ ١٤	١٢ ٨	١٢ ٣	٢٢ ٨

فائده. بجهت پیدا شدن مال دزد برده فی عقد
بول السارق وانتفاخ بطنه من الریح تکتب وتدفن
فی الموضع الذی سرق منه المال دعا. اینست کرر تکرارا
من جناتٍ وعیونٍ وزروعٍ ومقامٍ کریمٍ ونعمةٍ کانوا
فیها فاکهین والسماء بنیناها بایدٍ وانا لموسعون
کشله و ٩ طنة ممم ه وما حعصا
هه سلطها سلطها ع ع ٢ ل ٤ع



اگر کسی خواهد جن را جمع کند

فائده اگر کسی خواهد جن را جمع کند و عزائم بخواند باید
که وضو بسازد و اگر غسل واجب باشد غسل و رخت
پاکیزه بپوشد و کسیرا که غسل از اعمال واجبی باشد نزدیک
خود بگذارد و بعد از آن طاس پر آب کند و سه هزار
در میان آب گذارد و یک پسر نابالغ در پیش طاس نشاند
و اگر خود از جن نظر داشته باشد کافی است و بفرماید که
یک چادر شب سفید بیاورد و بر سر خود و بر سر آن صاحب
آزار بپوشاند و بفرماید تا هفت لون نقل بیاورند
و هفت عدد شمع کوچک و طبق ارد و نمک و مرغ یک رنگ
و یک شیشه کوچک در دو ناک که از صاحب واقعه بوده باشد
و هفت رنگ ابریشم بگردن شیشه ببندد و این آیه را بر چوب
انار بنویسد الا تعلوا علی وأتونی مسلمین در سر طرف
چوب بنویسد یرسل علیکما شواظ من نار و نحاس
فلا تنتصران و بدور گرد آن کس بکارد و دسته سیاه
دایره کشد و سوره اذا زلزلت بخواند و بعد از آن
چوب را بدست گیرد و یکبار بر کنار طاس بزند و بگوید
یا معشر الجن والانس ان استطعتم ان تنفذوا

مر

من اقطار السموات والارض فانفذوا لا تنفذون الا بسلطان
وبعد ازان این عزیمت بخواند هفت نوبت واگر در حفظ
نباورد حافظ همراه خود ببرد قل اوحی الی انه استمع
نفر من الجن فقالوا انا سمعنا قرانا عجبا یهدی الی الرشد
فامنا به ولن نشرك بربنا احدا وانه تعالی جد ربنا
ما اتخذ صاحبة ولا ولدا وانه كان یقول سفیهنا
علی الله شططا وچهار قل بخواند تا جن وپری در
طاس حاضر شوند وهر معالجه که پرسند جواب گویند
وعلاج نمایند والرکودك که گفتم برسیده باشد وعقلش
قصور نماید ابه الا تعلوا الی مسلمین نویسد وباب شوید
وبروی افشانند تا عقلش بحال خود آید آزموده مجرب است
عزیمت این است بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله اهیا
اهیا اهیا شراهیا شراهیا شراهیا ششلی ششلی حوش
حوش حوش احوش احوش احوش اهوا اهوا
اهوا طهوا طهوا طهوا ابرسیوم ابرسیوم ابر
سیوم طبرسیوم طبرسیوم طبرسیوم بهلطف
بهلطف بهلطف سالطف سالطف سالطف

آطوف اطوف اطوف لهکش بهکش بهکش عزمت عزمت عزمت علیکم یا معشر الجن والانس ان استطعتم ان تنفذوا من اقطار السموات والارض فانفذوا لا تنفذون الا بسلطان ان کنتم داود یا داود یا داود بحق داود وداود زبورا زبورا زبورا رایته رایته رایته بحق محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم شراشادی بجادا والهما کشا ووهبنا له اسحق وکلا فضلنا علی العالمین

بعد از این عزیمت بنشیند برکنار طاس نفخ و بگوید بسم الله اخرج اخرج یا ملعون اخرج اخرج یا ملعون علی ما دسکیت ودخل علی حوت والفاروق یا اهیا یا اهیا یا اهیا باذن الله تعالی بحق سلیمان بن داود وبحق اصف بن برخیا وبحق توریة موسی وانجیل عیسی وزبور داود علی نبینا وبحق فرقان محمد المصطفی صلعم وبحق علی المرتضی ع ادخلوا بحق النار والنور انه من سلیمان وانه بسم الله الرحمن الرحیم وچون در شیشه رود موم در سر شیشه نهد و بگوید فسیکفیکهم الله بحق جبرائیل ومیکائیل واسرافیل وعزرائیل

بحق

بحق سلیمان بن داود چون در شیشه رفته باشند این طلسم را باخون مرغ یک رنگ که گفته شد بنویسند تا صاحب مرغ باخود دارد که بسیار مجرب است اینست

[illegible]

سوره حمد و معوذتین و اعوذ بکلمات الله التامات کلها من شر الجن والانس والاتیه والقوا الله والمسلم و والمسلمه و عن تیسر التامة والهامة والعامة ومن شرها سدا ازا حسد له الملك وله الحمد رشدد تا ملکه وآتیناه الحکمة و فصل الخطاب لا یعلم لکم الارض والسماء سهل ولا میل ولا برده ولا شمس ولا قمر ولا الظل ولا الحرور ولا البحر ولا البر ابنا تکونوا بابکم الله حتی یاتی ساعة ولا استعتوا علی ما استعان بکم وانکم عزمت بیمهل العظمة الذی لا اله الا هو علیه توکلت والیه انیب برحمتك یا ارحم الراحمین منظر سوزن بسم الله الرحمن الرحیم

در بیان پیدا کردن دزد

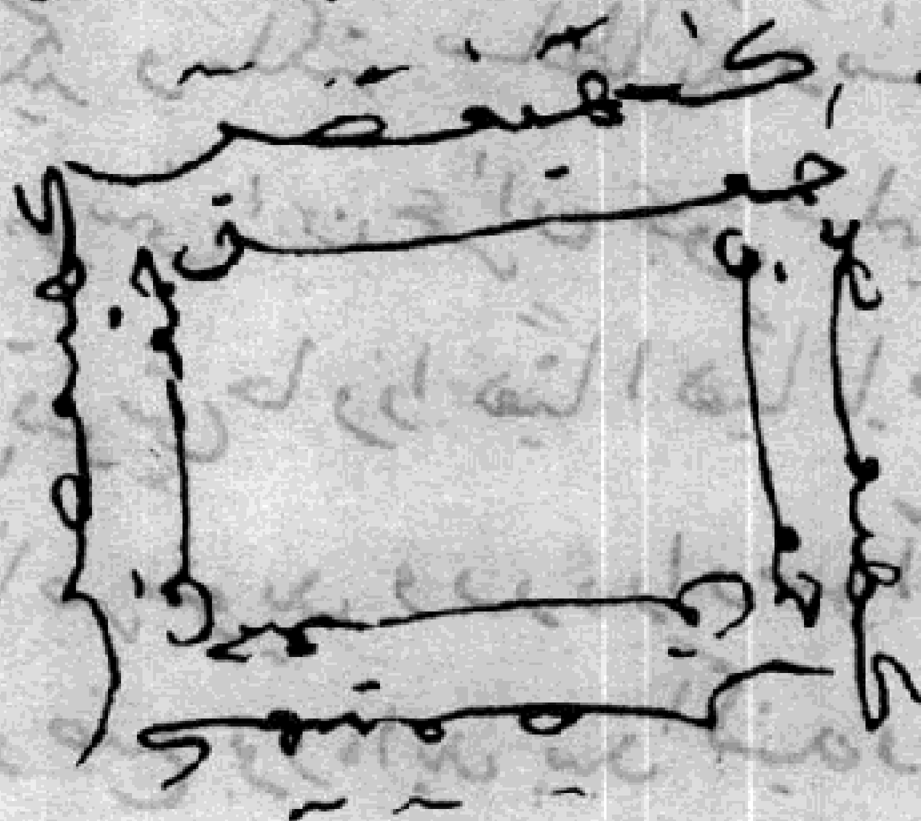
کَلّا بِجاکِر را حربقا بنکم مروا را سر وا ر کلا بلوی
کنت سکن بسم الله سه دفعه بخواند و فوت کند بسوزن
و آب هم بسوزن بزند و بعد ۴ مرتبه الحمد فرو کند که
خون نیاید در سنگ کند سوزن زدن یکی قعر
و بخواند و عدد برروی ران خود با سوزن بکوبد
که دزد بدرد اگر سه دفعه بخواند بهتر است و وقت که میکوبند
و الحمد بخواند اسکنتنا ارمیارا منهم نزبلادسرورا
وموسی وعیسی فالله خیر حافظا وهو ارحم الراحمین
ایضا این منتر بسوزن بخواند اصبحت بنور وجه الله
القدیم الکامل وتحصنت بحصن الله القوی الشامل
دما رمیت اذ رمیت من بغی علی بسم الله او سیف
القائل یا الله یا محمد یا علی کم دفعه بخواند و سوزن قرار
کند این منتر را که برسد کلا بجاکر را حربقا نبکم مرداررا
سرروا مرداکلا بلای سکن بسم الله و بخواند بسوزن دزد
کند دسه سوزن و بشوید و فرو کند

در بیان پیدا کردن مال دزد برده طریق آن این است
که بیاورد طاس بی نواش و میان طاس سوره اذا زلزله را
بنویس

بنویس بدور طاس ودرمیان آن بنویس یا معشر المسلمین
بحرمت هیج کهیج مستوح قدوس بحق نقش خاتم سلیمان
بن داود جرة الطاس علی الطریق السارق حاضر شوید
ودزد دزد را رسوا کنید وچوب کل یا انار چهار طرف سر
چوب را تراشیده وسر چوب را اجیبوا داعی الله درمیان
طاس انداز وکف دست ادم میزان طالع که با وضو
باشد اجیبوا داعی الله بنویس وان ادم دست بگیرد
لب طاس ولب طاس اجیبوا داعی الله بنویس واین
دعا را بخواند یا هیج یا کهیج طرقنوش فرقنوش جاوز
اهیا اهیا شر اهیا اجیبوا داعی الله هو الله الذی لا
اله الا هو عالم الغیب والشهادة هو الرحمن در
ملکه وملکه سلطانه وسلطانه غالب الرحمن
یا موسی ابن عمران بحق سلیمان بن داود طرقنوش
فرقنوش جاوزا هیا اهیا یا معشر الجن المسلمین
حاضر شوید ودزد را رسوا کنید واین مال که ازاین
موضع برده اید پیدا کنید وپوشیده نداریدچراکه
شما جماعت باکلائید وخوانید وایمان بمحمد وعلی

آوردید بحرمت نقش خاتم سلیمان ابن داود سبوح قدوس
رب الملائکة والروح وبحق کهیعص یا جبرائیل یا میکائیل
یا اسرافیل یا عزائیل بعون الله تعالی

نوع دیگر اگر کسی مالش برده باشد این طلسم را
در وقت ظهر بر جامی نویسد ونام دزدها که منظور است
در طاس بنویسد و بگوید که مال فلان ابن فلان هرجا که
هست باید بیدا کنی و شروع بخواند این عزیمة کند:
بسم الله الرحمن الرحیم ختم الله علی قلوبهم وعلی سمعهم
وعلی ابصارهم غشاوة ولهم عذاب عظیم مکرر بر
طاس بخواند وبدمد واین طلسم را درمیان طاس نویسد
اگر ده نفر طاس را بگیرند ومانع شوند نتوانند طاس
را نگاه دارند وبرود در آنجاکه مال را برده اند این
جمله مجربات است طلسم اینست از یک تا ده
دزد هرچه هست
نام آنها را بنویسد



تمام شد والله اعلم

مال
...
برد

دزد ربایه نیز وارد

در بیان مال دزد برده بیاورد طاس بی‌کعب وبی تراش وهفت دایره در میان بیش ودر میان دایره اول آیة الکرسی وبعد انا انزلنا هرگاه که تمام شود بعد ازان اذا زلزله بنویسد که در دایر ششم تمام شود در دایره آخر طاس نام مال وصاحب مال بنویسد ولب طاس هرسه طرف آن بنویس اجیبوا داعی الله وکف دست آرم میزان طالع بنویس اجیبوا داعی الله در دست بگیرد بر لب طاس وشروع کن این عزایم که طاس روان شود درحالی که مال باشد عزیمه اینست

عَزَمْتُ عَلَیْکُمْ یَاشاه بکنا نوش وصاحب الاَرْوَاح وَمَالِكَ العَرَبِ وَالعَجَمِ بحق ابرجمهوریش ویا صاحب الصَّیْدِ وَالاَعْوَان اَخُوكَ اَخُوكَ اَتَاجُ المَلَكِ اَتَاجِ المَلَكَ تَجِیْءُ تَجِیْءُ تَجِیْءُ سَاعَةً سَاعَةً لَحَوْلاً لَحَوْلاً حَتماً حَتماً مَشیً مَشیً بِحَقِّ مَیْمُوْنُ زَنکی بن میمون حبشی تعال تعال یاشا بکنا نوش اخوانی اخوانی ارمونی ارمونی بحق قل اوحی الی انه استمع نفر من الجن بحق سا ما

سَمُومًا هُمْ یَحْضُرُونَ یا اَصحابَ الجِنّ الْعَجَل العَجَل
العَجَل السّاعَة السّاعَة السّاعَة واذ صَرَفنا الیکَ نفرَ
من الجِنّ یَستَمعُونَ القرآن فلمّا حَضَرُوه قالُوا انصَتُوا
فلَمّا قضیَ وَلوا الیٰ قَومِهِم مُنذِرین قالُوا یا قَومَنا
اجیبُوا داعیَ الله وَ امنوا به یَغفر لکُم مِن ذنوبکم
وَیجرکُم مِن عذابَ الیم وَمَن لایُجیبُ داعیَ الله
فلیسَ بمُعجزٍ فی الارضِ وَلیسَ لهُ مِن دُونِه اولیاءِ
اُولئکَ فی ضلالٍ مبینَ اجیبُوا داعیَ الله تجری
تجری بامرالله طرفَ بامرالله طرفَ حنوشا
لوحنوشا قنطشا قنطشا تنوشا تنوشا یا شاهیثا
یا شاهیثا شراهیثا شراهیثا مشطویلا مشطویلا
جرُوجرُ علی الطریقِ السّارقِ السّارقِ هُوَ الله الّذی
لا اِلهَ اِلاّ هُوَ یا غایبِ راست یا واجب راست
یا فرد یا صمد یا احد برو بر و بفرمان خدای عزّ
وجلّ و بفرمان سلیمان پیغمبر راست برو و دروغ
مرو بحق محمد رسول الله و بحق علی ولی الله که زرست
برو و دروغ مرو بس کسیکه لب طاس گرفته باشد

حاکن

احضار دزد برده

دهد که میرود تا جائی که مال باشد تمت

نوع دیگر دزدزده

فائدة ایضاً بستان طاس زرد روینهٔ در چهار
جانب او اسامی ملکان مقرب بنویس و در برون
طاس بنویسد اجر هو علی الطریق السارق و در
یکجانب از بیش اسم مال و صاحب مال و در زیر اسم
سه بار اجیبوا ادعی الله و چند ان عزیمت بخواند
که طاس بلرزد را ین و بعد از ان سوره اذا زلزلت
بخواند و عزیمت را بنا کنند بخواند ن کریا بزیا حرما
سلطانا و هیبتا و قوتا و قدرتا و عظمتا و جلالا
و جمالا و کمالا و تقریرا و تبدیلا بحق سلیمان بن
داود ع طرفة جبوش خیفة برانوش کرا ها
ادجادها راهیا براهیا سراهیا هو هیا هوه
میها هل مدهیا هو الله الذی لا اله الا هو عالم
الغیب و الشهادة هو الرحمن الرحیم ملیکه و ملکته
سبحانه یا غالب الرحمن یا موسی بن عمران جر
هو علی الطریق السارق فانفلق البحر فکان
کل فرق کالطود العظیم و سه بار بخواند اجیبوا

نادعلی الله در عمل کردن چنان است که طاس را پایه در محل دزد برده گذاشت و موذن چوب انار با گل سرخ بدست گرفته و اسماء را بهیبت بخواند و چوب به پیش طاس زند و میزان طاس دست بر طاس نهد که بمحل دزد برده برود تمت

فایده ایضاً نوع دیگر جهت سارق بگیر میخ چهار گوشه دریکطرف بنویس یس والقرآن دریکطرف ص والقرآن دریکطرف ق والقرآن و طرف دیگر کهیعص و بعد سوره تبارک الذی بیده الملک بخواند سه مرتبه و بنجواهد در موضع دزد برده فرو کوبد که دزد را بیاورند تمت

نوع دیگر جهت دزد برده این ایه را بنویسد در میان قرآن اول سوره توبه گذارد که مال البته پیدا گردد تمت

بسم الله الرحمن الرحیم اللهم خبر سارق مال ۲۲ نم تحت لا یشرق و لا الغرب و لا الجنوب و لا الشمال حتی یرد مطاع الی مکانه من بلد الامین برحمتك یا ارحم الراحمین تمت

نوع دیگر

نوع دیگر سارق

نوع دیگر بنویسد در میان سوره‌ها یس گذارد که مال
پیدا می شود أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرٍ لُجِّيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِنْ
فَوْقِهِ مَوْجٌ سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا
أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكَدْ يَرَاهَا وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ
نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ اللهم خیر مال فم ۲ ۲ یحدث لا
یشرق ولا یغرب ولا جنوبا ولا شمالا حتی یرد
المتاع ۲ الی مکانه من بلد الاعین تمت

در دزد بردن مال

نوع دیگر چون مال کسی برند صاحب کوزه
آب ندیده بیاورد سوره عیسی را بنویسد در
میان کوزه نفس و هرکه مظنه دارد بنویسد و سر
کوزه را محکم ببندد در آفتاب گذارد و از آن مکان
برندارد تا مالش پیدا شود بردارد و کوزه را خالی
کند والله عالم تمت

دزد برده

در بیان بعضی از مضرات

در بیان بعضی از مضرات با انسان میرسد و دفع
آن هرکه این آیه را در دیگ مثلث کند و نام آنکس را
درج کند بران دیگ بر آتش گذارد و قدری آب هم
آن کند محض گرم شدن آب آن شخص را تب گیرد

و در یوم سه شنبه اخر ماه باین نوشت اگر قمر در عقرب
باشد بهتر است این تجربه مکرات حاصل شده و اگر
بر سفال بر هفت بنه نویسد و یکی از انها بگذارد در خانه
مدعی و باقی را نرم بکوبد و خاک اورا در خانه مدعی بریزد
و یا خانه خراب خواهد یا انکه مدعی بنوعی قرار کند که
دشمنی نباشد و یا انکه چنان بخود گرفتار گردد که هیچ مهر
ترا در خاطر نیاورد بارها تجربه شده این است
فَلَمَّا جَاءَ اَمْرُنَا جَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا الی بِبَعِيدٍ
نوع دیگر برای مضرت و خرابی اعدا هرکه این آیه را
بر کفن میت بنویسد و نام انکس نیز بنویسد و اندک
خاک از قبرستان در ان بسته اندازد و ان پارچه را
در زیر سنگ گران با تیک اهنگران یا زیر سر چوب
بزرگی دفن کند سر انکس بدرد آید بی شبهه شاید
گرگر شود که سر بر داشتن نتواند پس از خدا ترس
و این کار مکن مگر برای ظلمی که اتهم در حق تو خیلی
ظلم کند که فتوه اندی این آیه این است

برای مضرت اعداء

اَوْ کَصَیِّبٍ مِنَ السَّمَاءِ اِلی کل شئٍ قَدِیر از سوره بقره است
نوع دیگر بیاورد قدری خاک وقف در روز چهار شنبه صورت
فیلی بسازد و فیل را تمام سیاه کند یا مرکب وسر چه
سرکین گاو و در پیشانی فیل اسم خود را بنویسد و
بیاورد آرد گندم و یک صورت آدم بسازد و اسم
او را در سینه اش بنویسد و دندانهای فیل را در
شکم صورت بزند و خرطوم فیل را در گردن
صورت صورت اندازد و دویست و چهل و نه مرتبه
این اسم را بخواند و دندان های فیل را بر شکم
او زده در میان دیک سیاه بگذارد چنان کند که از هم
سوا نشوند تا چهارشنبه دیگر بهمان وقت و همان
ساعت روزی دویست و چهل و نه مرتبه اسم را بخواند
و دیک را در جای خلوت بگذارد و پانزده روز بیش
از این عمل خود را برو جائی نمود یک نموده یعنی از جمالی
و جلالی ترک کند اسم این است
بسم الله الرحمن الرحیم الم تر کیف یا جبرائیل فعل
ربک یا شمائیل باصحاب الفیل یا کلکائیل

برای هلاک دشمن

۳۳۶

الم یجعل کیدهم یالوماتیل فی تضلیل یامیکائیل
وارسل علیهم یااسرافیل طیراً ابابیل ترمیهم یاعزرائیل
بحجارة یابدوح من سجیل یاکشمائیل فجعلهم یاعزمائیل
کعصف ماکول یاشمخائیل دیگر بگوید بستم خواب
دو چشم ۲۲ نرسا بگذارید ش بحق مرکاتش به نمکس
تمت

بجهت هلاک دشمن

ایضاً نوع دیگر برای هلاک دشمن اول و اخر صد
مرتبه و بسوی شمال کند وقت خواندن مریج در دهن
کند و یک مندل از سیاهی بکشد و در وقت کشیدن
مندل و نشستن هفت مرتبه ایة الکرسی وسی و سه
مرتبه چهار قل بخواند و بنشیند شروع بختم نماید برفت
خواند با کسی سخن نگوید و اگر ضرور باشد مریج بخواند
و بسوزاند و بگوید که ۲۲ نرا اثر شود

بسم الله الرحمن الرحیم یاعزرائیل بحق تبت یدا اسرافیل
بحق ابی لهب یارنتائیل و بحق وتب ما اغنی یالومائیل
بحق عنه ماله یارنمائیل بحق وماکسب یاهمتائیل
بحق سیصلی ناراً یاهوائیل بحق ذات لهب یا

ماحرائیل

احضار

۲۲۷

یا جبرائیل بحق دامرانه یا تنکفیل بحق حمالة الحطب

یا سرهائیل بحق فی جیدها یا روبائیل بحق حبل من

مسد مقاله

احضار ودر بعضی احضار میکند ودر بعضی طالع طالب احضار

بحسب شدید میکنند باید اسم طالب ورمطلوب را

عدد بگیرد با امهات واین عدد را براو اضافه کنند

۲۶۹۸۳۹ در چهار رفتار بنویسد یکی بر رفتار

نظم طبیعی ویکی ازخانه پنجم شروع کند ویکی ازخانه

نهم ویکی ازخانه هفتم شروع کند در عزیمه ا ذا زلزلة

دردو راو بنویسد ودر میان بن فارسی بگذارد واو را

بگل سرخ بگیرد ودر پهلوی آتش دفن کند که حرارت

آتش باو برسد ودر پهلوی آتش دفن کند که

حرارت آتش باو برسد ومتوجه شود که مورد

دقدری بخور در آتش کند مثل صندروس وکندر

ومصطکی وحس لبان وصندل سفید ودر وقت

عزیمه برهمین بخور در آتش بریزد وهمین عزیمه که در

محبت

در دو مربع نوشته هفت بار بخوانند رفتار مربع مذکور این است

۸	۱۱	۱۴	۱
۱۳	۲	۷	۱۲
۳	۱۶	۹	۶
۱۰	۵	۴	۱۵

۴	۱۵	۱۰	۵
۹	۶	۳	۱۶
۷	۱۲	۱۳	۲
۱۴	۱	۸	۱۱

۱۶	۹	۶	۳
۲	۷	۱۲	۱۳
۱۱	۱۴	۱	۸
۵	۴	۱۵	۱۰

۶	۳	۱۶	۹
۱۲	۱۳	۲	۷
۱	۸	۱۱	۱۴
۱۵	۱۰	۵	۴

حط حط حیا صا لاه فهطو حیف بجق اهیا
شراهیا اصباوث ال شدای بحق اذا زلزلت الا
رض زلزالها و زلزلوا زلزالا شدیدا احرق
و احضر فلان علی محبت و عشق و هوس فلان
و قال الانسان مالها و زلزلوا زلزالا شدیدا
حرک احضر قلب ۲ ۲ ۲ علی محبت و عشق ۲ ۲ ۲ ۲
یومئذ تحدث اخبارها و زلزلوا زلزالا شدیدا

یمن

در بیان محبت

۲۲۹

لَیتَ دَاحضَروا قلبَ فن ۲۲ فن علی محبّت وعَشق فن بانَ رَبکَ
اَوحیٰ لَهَا وَزلزلوا زلزالا شدیداً احرق وَحرک وَلیتَ
وسخر قلب فن علی محبت عشق وهوش ووسوسه
فن یومئذ یصدر النَّاس اَشتَاتاً لیرَوا اعمالهم فمَن
یعمل مثقال ذرة خیراً یره وزلزلوا زلزالاً شدیداً
احضر قلب وشهوة فن علی محبت وعشق فن ومَن
یعمل مثقال ذرة شراً یره وزلزلوا زلزالاً شدیداً
احضروفن علی محبت محبت وعشق وهوس ووسوسه
۲۴ ۲ زار فن بالف الف لاحول ولا قوة الا بالله
العلی العظیم یا بحیثا یا شمخیثا ویا موشطیثا ویا
کهیج ویا کهاکهیج حاضر سازید فن را در اینجا بمحبت
وعشق ووسوسه وبی ارامی بحق دیو وپری
وشیاطین دکلوا علی فن بکل ساعة واوان و
کل مکان وعلی کل شعرة نفر من العفاریت
العظام موکلا لفم را وفن الی عشق وهوش فن العجل
السَّاعة الوحا الحریق لا یاکل الطعام ولا یشرب
الشراب ولا قرار ولا صبر ولا راحه ولا سکون
ولا نوم له ولا بمحبت وهوس فن اجیبوا یا

عزیمة احضار

یا صرفنائیل بحضور شمهورش ویا عینائیل بحضور
ذو بعتز وابیض ویا روقیائیل بحضور عبد الله المذهب
ویا جبرائیل بحضور ابیض ویا سمسمائیل بحضور برقان
ویا میکائیل بحضور احمر العجل العجل العجل الساعة
الساعة الساعة

ایضاً تجربه شده است در سفال نونین در روز یکشنبه
وجرب وشرین کند در آتش اندازد

ط٥٥١١ط ١١٤٧٨ ٨ ٧ ٤١١ ٢ ٨ ١١١

٥ ١٥٥١١١ ٧ ١١ ١١٩ط١١ط١١٤ ٥ ٥

در روز کار با این نسخه بدل

١٥٥ط١١ ٦ ٧ ٨ ١١٤١١١ ٨ ١١١

٥١٥ ٦١١١ ٧ ١١٠ ١١٩ط١١٤ ٥ ٧

٩ ١١ ٤ ٢٢ ٧

باب الخاء الخالق خا در مبداء اسم خبیر و خالق ظهور
کرده بو کزا و مثل مرکز حرف بابست اما میزان خا ۶۰۱
بعد طرح باقی ماند ۱۳ رسید بحرف میم بعد طرح
باقی ماند ۴ از اول ابجد شمردیم رسید بحرف واو طرح
از وی حاجت نیست رسید بحرف میم از میزان دو میم
پدید آید یکی میم محب دوم میم محبوب وسط هر دو میم
واو مودت معلوم شد که از حرف خا
که مبداء اسم خبیر است و خالقیت
است میمین محب و محبوب واو ود متولد یافته استخراج
اسم ملک اسیم واو میم جمع بعد از طرح باقی ۲۵ رسید
۹۰ ۱۳ ۹۰ ۱۴۳
بحرف ذا الملک الموکل بها ذائیل و بعضی گفته اند میکائیل
بیست و چهارم با بیست و هفتم مرکب بفتح بیست و دوم
با اول مرکب بفتح با کلمه ائیل است تکسیر خا مدخل
۶۰۱
حاصل بعد اسقاط مکرر خ ا م و خواص از منازل
سعود قسمت اوست چنان خبیر بیست و پنج بار بنویسند
و برابر دل خود بپا و بزند بر اکثر امور جلیلی واقف گردند
و از مکر و غدر و کید دشمن واقف شوند و هیچ اندا

در بیان مشکلی داشته باشد

از ایشان بیابند وچون اسم خالق بر کاغذ تکیه کنند
ودر طرف دیگر از آن عددی وفق بنهند گاهی که
قمر زاید النور باشد در منزل مذکور واز نحوس پاک
باشد ملک واسباب واولاد او بسیار شوند شکل اینست

خ	ا	ل	ق	۱۷۵	۱۸۹	۱۸۵	۱۸۲
ل	ق	خ	ا	۱۸۶	۱۸۱	۱۷۶	۱۸۸
ق	ل	ا	خ	۱۸۰	۱۸۳	۱۹۱	۱۷۷
ا	خ	ق	ل	۱۹۰	۱۷۸	۱۷۹	۱۸۴

واگر کسی را فرزند نباشد در وقت مذکور صورت
طفلی نقش کنند بر لوحی از نقره وبعدد نافع که ۲۰۱
است خالق میان آن صورت وپیرامون آن نقش کنند
وآیه رفیع الدرجات با دعائی که مذکور خواهد شد
پیرامون شکل نویسند وهر روز قبل از دو پاس
نظر بآن صورت کنند واسم خالق بعدد مذکور
خواند حق تعالی اورا فرزند سعادتمند دهد واگر
زن ومرد هر دو این عمل کنند بسرعت مقصود بیابند
شکل صورت مذکور اینست

در بیان کسی مشکلی داشته باشد



مشکلی داشته باشد

فایده • هر کسی را مشکلی یا واقعه پیش آید
این کلمات را بنویسد در دست چپ خود بندد و دست
راست در زیر سر گذارد و با طهارت و با وضو بخوابد
دو مردی بیاید مشکل او را حل کند هرچه باشد
با تمام با و بگوید چنانچه مراد برسد این است
ماروس جاروس ماماس سرباز ساماثا •

وربّه الی تعظیم سعلططه سرس مانابه الی سعلططه
۱۲ و سلم

فائده اسم مادر موسی علی نبینا یوحبذ از جهت
وضع حمل و باز کردن ۴۱۳۳۱۶۲۴۸ بخواند مجرب است
واز منازل قمر قلم قسمت اوست و عدد طافعاء است
موافق با شانزده خانه مربع ۴ در ۴ چون قمر زاید النور باشد
که سعدی بنظر مودت بسوی ناظر باشد شانزده طه
بر لوح نقره نقش کند که شانزده محل طه یکی جاء فقد
و آیه نور در دور او بنویسد برای حفظ ازدیاد دولت
اطلاع بر اسرار و امور و کشف کرامت و قدرت بر اعدا
و قطع و قمع دشمنان بغایت مجرب مجرب است مختصر قلمی ما
چون مشتری در زاوج بود یا در خانه خود یا سعد و نظر رات
ناظر باشد یا انکه شرف آفتاب باشد و نظر سعدین خوش
حال باشد از حریر سفید و زرد بر ین طرف علم بنویسد
یکصد ی دهزار قاف و ده هزار الف در نسخه دیگر
صد هزار است و این علم کاویانی است مشهور است

اسم مادر موسی

وپنج آیه که در هر آیه ۱۵ قاف است نقش کند اول از
سوره بقره الم تر الی الملاء من بنی اسرائیل ۲۴۶ آیه دوم
از آل عمران لقد سمع الله الی آیه سیم سوره النساء
الم تر الی الذین آیه چهارم سوره مائده واتل علیهم
نبأ ابنی آدم الخ آیه پنجم سوره رعد قل من رب السموات
الخ. و در روی دیگر آن علم این ده اسم نقش ده در ده
قایم و قیوم قوی قادر قدیر قدوس قدیم قاهر و قریب.
و قهار و در هر جنگ که او علم پیش کشند لشکر دشمن
منهزم شود صورت علم مزبور این است که در ذیل
قلمی شده است

لقد سمع الله

ق ق ق ق

در ده هزار الف
در اینجا بنویسد

در بیان اسماء

قایم	قیوم	قوی	قادر	قدوس	قدیم	قریب	قاهر	قهار	قدیر
قهار	قدیر	قایم	قیوم	قوی	قادر	قدوس	قدیم	قریب	قاهر
قریب	قاهر	قهار	قدیر	قایم	قیوم	قوی	قادر	قدوس	قدیم
قدوس	قدیم	قریب	قاهر	قهار	قدیر	قایم	قیوم	قوی	قادر
قوی	قادر	قدوس	قدیم	قریب	قاهر	قهار	قدیر	قایم	قیوم
قایم	قیوم	قوی	قادر	قدوس	قدیم	قریب	قاهر	قهار	قدیر
قهار	قدیر	قایم	قیوم	قوی	قادر	قدوس	قدیم	قریب	قاهر
قریب	قاهر	قهار	قدیر	قایم	قیوم	قوی	قادر	قدوس	قدیم
قدوس	قیوم	قریب	قاهر	قهار	قدیر	قایم	قیوم	قوی	قادر
قوی	قادر	قدوس	قدیم	قریب	قاهر	قهار	قدیر	قایم	قیوم



چون اقامه دولت وثبات ملک خواهند چون شمس وقمر هر
دو خوشحال باشند خالی از نحوست وسعدین متصل حرف
اول از اسم شخصی که ثبات ملک خواهند نگاه کنند
که در ابجد کدام است در چه جا افتاده وچه محل واقع
شده است از انحروف ده حرف بشمارد و حرف دهم
را در محلی ثبت نماید باز از حرف دویم اسم مطلوب
دیگر بگیرد تا همان عمل کند باز حرف سیم بر همین نهج تا تمام
حروف اسم مطلوب را بعمل بپیوسته ان حروف از شمار
ابجد حاصل شده را بر لوحی از زر خالص یا مس یا
انچه ممکن باشد مرکب تمامی مفرد در وسط او لوح
بنویسد بعدد قیوم بعد از طریق دایره که معلوم
است بنویسد وبداند جهت ازدیاد عمر وثابت ملک
اثر عظیم دارد مثال اسم مطلوب مثلاً زید از ابجد
از حرف ز شمردیم رسید بحرف عین باز از حرف
دویم شمردیم رسید بحرف ق باز از حرف سیم
شمردیم رسید بحرف م را بنطریق که ظاهر است

طبایع بسیط

۲۴۸

دایره اینست قبلاً گذشت

در بیان طبایع فصل در بیان طبایع بسیط حروف پوشید نباشد که میان علمای مشارقه همین ابجد و ابتث و مشهور است و مغاربه در طبایع بسیط حروف اختلاف است و در نزد علمای مشارقه همین ابجد و ابتث مشهور است و قسمت حروف تهجی و جمل بر طبایع اربعه که حرارت و برودت و یبوست و رطوبت است براین وجه است که گویند حرف اول خواه از جمل و خواه از تهجی حار است و حرف دوم بارد و حرف سیم یابس و حرف چهارم رطب باز حرف پنجم حار است و هم چنین تا آخر در این دو جدولی که مرقوم است تا عامل حروف مزاج و طبیعت هر حرفی را بهر طریق بداند

نمره ۱۱ فصل در خواص مربع حرف دال صاحب شمس المعارف آورده که عدد مجمل وی چهار است و عدد مفصل او که دال و الف و لام است بر دو پنج است پس هر که حرف دال را سی و پنج بار در دو مربع ۴ در ۴

جزئیه

در بیان طبایع

بنویسد

حروف جمل بقول مشارقه

حاره ناری	بارده ترابی	یابسه بادی	رطوبه آبی
ا	ب	ج	د
ه	و	ز	ح
ط	ی	ک	ل
م	ن	س	ع
ف	ص	ق	ر
ش	ت	ث	خ
ذ	ض	ظ	غ

حروف تهجی بقول مشارقه

حاره ناری	بارده خاکی	یابسه بادی	رطبه آبی
ا	ب	ت	ث
ج	ح	خ	د
ذ	ر	ز	س
ش	ص	ض	ط
ظ	ع	غ	ف
ق	ک	ل	م
ن	و	ه	ی

حروف جمل بقول علمای مغاربه

ا	ب	ج	د
ه	و	ز	ح
ط	ی	ک	ل
م	ن	س	ع
ف	ص	ق	ر
ش	ت	ث	خ
د	ص	ظ	ع
حاره ناری	بارده ترابی	یابسه بادی	رطوبه آبی

حروف تهجی بقول علمای مغاربه

ا	ب	ت	ث
ج	ح	خ	د
ذ	ر	ز	س
ش	ص	ض	ط
ظ	ع	غ	ف
ق	ک	ل	م
ن	و	ه	ی
حاره نار	بارده خاکی	باره بادی	آبی

بنویسد وان مربع را بر قطعه از مهر سفید پاك بنویسد
وقتی که قمر در سرطان باشد متصل بمشتری واو را در زیر
نگین انگشتر وضع کنند حق سبحانه وتعالی نعمتی که بوی
داده از زوال او باقی دارد واگر روزی براو کم می باشد
گشاده روزی که او واگر مربع در روز دوشنبه که قمر در
شرف بود ودر درجه ثور وساقط از نحوس ومتصل بر سعود
در ساعت قمر بر ورق آهو بر ورنسد وارقام را بعد از
ان بخد که دو رکعت نماز کند در رکعت بعد از فاتحه
یکبار ایة الکرسی وصد بار قل هو الله احد بخواند پس
او نوشته را با خود نگاه بدارد حق سبحانه وتعالی بر
حفظ وفهم وحکمت ودانش وی بیفزاید وقدر وی
در عالم علوی وسفلی بزرگ گردد واگر محبوس با خود
دارد خلاص یابد واگر ان مربع بر علم بنشد در هر
لشکر وان علم باشد فتح وظفر شود ودشمن الحال
بشکند واگر کسی علم دارد در ساحته ومناظره فائق
گردد ودر وقت معارضه با دشمن وهنگام محاربه فائق
وغالب اید ودر این على رعایت حال مشتری

بعد صبره

بغایت مهم است و هرکه مربع حرفی را بر ظرف پاک

ا	یه	ید	د
یب	و	ز	ط
ح	ی	یا	ه
یج	ج	ب	یو

۱	۱۵	۱۴	۴
۱۲	۶	۷	۹
۸	۱۰	۱۱	۵
۱۳	۳	۲	۱۶

بنویسد و باب باران محی نمود با عسل مصفی بیاشامد
مرض نسیان از او زایل گردد و فهم و عقل و حافظه
او زیاد گردد و اگر در پیش سینه خود بیاویزد از ذات
الصدر و ذات الجنب و ذات الریه و سایر امراض که
در سینه عارض میشود ایمن گردد و اگر در وقتی که قمر
در عقرب باشد و ناظر مریخ باشد بر لوح نحاس نقش
کند و یک لحظه در میان آب گذارد گزدم گزیده
از آن آب فی الحال درد از او ساکن شود و اگر در
روز پنجشنبه وقت طلوع بر ورق آهو نویسند و در
خرقه پاک دوخته با خود دارد از شر اعدا ایمن گردد

فصل در خواص ذال بعضی از این طایفه گفته اند که حرف ذال در عمل از برای بغض و مفارقت مدست و در تفریق ظلمه و فساق تاثیر وی عظیم است پس چون اینحروف را مقصد بار مقرون باسم المذل در ساعت نحوسه کتابت کند انگاه مکتوب را در منزل ظالم که از فسق و ظلم ذی خلایق در محنت باشند دفن کنند بزودی آنمنزل ویران شود وان ظالم سرگردان شود و اگر اینحروف را باسم بزرگوار المذل بر ظرف زجاج بهمان عدد نویسد و از مرد معطل که مالک وی معلوم نباشد آب برد اند و بان آب نوشته را محو سازند وان اب را بر در دیوار منزل فاسق ظالم در مینهاکه باور اه سواه رش کنند و هر جا بر جا بباشد همین خاصیت دهد و اگر هر عمل کنند نتیجه قوی دهد و بزودی صاحب منزل را آوره بیچاره گردد

فصل در صفات و خواص سین س یکی از حروف ظاهر اسم اعظم است حرف سین در اول سموات و در ثالث کرسی واقع شده و هنگام که حق تعالی

المذول

اینحروف را آفرید باوی هفصد هزار و سیصد و هشتاد
فرشته از ملائکه مقربین از برای تعظیم و توقیر وی فرد
فرستاده اینحروف در میان حروف ممتاز است که
از بر و بین او مساوی است چه سین که از قبیل مثنیات
است بعدد کشف است ی و ن که از بر او ست هم
شصت است و این از نوادر و غرایب است ولهذا اسم
شریف حضرت رسالت بقول بعضی از علما که در
تفسیر یس فرموده که یا حرف است و سین مخاطب
جهت دفع مرض و رفع قساوت قلب در محبت بر جام
زجاج یا چینی نویسد بمشک و گلاب و زعفران در
ساعت سعد بعدد مجمل او که شصت است یا بعدد
مفصل او که صد و بیست است مع حرفی یا اسم السلام
بهمان عدد و مقرون باید سلام قولا من رب رحیم بهمان عدد
پس باب زمزم یا اب باران و اگر میسر شود باب عذب
صاف که از نهر روان بزرگ جاری گرفته نوشته را
محو نماید و بخورد معمول و به جهت اجابت دعوات و
حصول مرادات و خیرات و نفاذ قول و قبول قلب

وعزة آن حروف مابین آیه مبارکه هر صباح میان فرض و
سنت باید او یکصد و بیست بار بخواند ذاکر بعنان عدد
بمشك و زعفران بنویسد در ساعت لائقه بر کاغذ پاك
بشرایط کتابی و با وجود قرائت هر روزه با خود نگاه دارد
در حصول مقاصد و مطالب اثر واکمل خواهد بود و باید
که مبین را بباء خطاب بخواند و سکاکی گوید که اگر شصت
بار بنویسد و بر طفلی بندد زود بسخن در آید و لکنت
از زبان او برخیزد

فصل در خواص را اگر در روز چهارشنبه آخر ماه
پنج بار بر پیشانی نویسد درد شقیقه و سر رفع شود و
سکاکی آورده که اگر هفتصد بار بگوش خروس سفید
بخواند وی را سر دهد برود تا سر دفینه و منقار و چنگال
بر زمین زند

فصل در خواص شین صاحب دره النظیم آورده
که روز دوشنبه از ایام هفته تعلق بوی دارد و اگر نام
کسی بر چهل بارها کاغذ نویسد و چهل نه نان بر کاغذی
را در میان یك نان بزند و هر نانی را بسکی دهند

تا بازد

تا بخود زنان مطیع بسته گردد

فصل در خواص ضاد على ابجدوف در قمریت بغایت قوی است خصوصاً وقتی که او را نام دشمن هفصد بار بخواند مقرون باسم الضار یا بنام وی بنویسد و در منزل او دفن کند یا بنویسد و محو کرده در منزل وی و جدار دزد پارش کند و اگر در حق دشمن مجموع این اعمال کلامی و کتابی واقع شود اثر عظیم کند و آن دشمن بر زدی تبت و نابود گردد

فصل در خواص عین سکاکی در کتاب خود آورده که اگر کسی را محبوب سرکش بوده باشد که سر بوی فرود نیاورد و دایم بروی جفا کند این حروف را هفصد بار بمشک و زعفران کتابت کند و با خود نگاه بدارد مطلوب مطیع و فرمان بردار وی شود و اگر بر حلوا خواند بهمین عدد بخورد مطلوب دهد بغایت دوست گردد و در مقام اطاعت باشد که هرگز مخالفت نکند

فصل در خواص غین برای احداث فتنه و فساد

است اگر هر روز هزار بار بگوید و بجانب دشمن فوت کند
نیست و نابودی گردد و اگر بر برگ حنظل بهمین عدد نویسد
و در خانه دشمن اندازد آواره شود

فصل در خواص فاء روز شنبه تعلق باین حروف
دارد و این حرف از برای فاری و مذلت اعدا مقرر است
که هر که این حرف را بعدد مفصلش باسما و بنحوی که قبل از
این اسرار نافته بخواند و مقصودی فایز گردد حصول
اسم شریف الفتاح واولی آنست که در اعمال کلوی
بنا خطاب گوید و در اعمال کتابی اسماء الهی را
با الف لام نویسد و سکاکی آورده که هر که بنام غایب
که احضار شود هزار بار بر قطعه کرباس نو پاک
نویسد و در آتش اندازد اگر مطلوب در مغرب باشد
و عامل در مشرق که بزودی خود را بعامل رساند

فصل در خواص قاف هر که صد بار بر برگ خود
نویسد و در منزل ظالم ویا فاسق پنهان کند کارها و
فرو بسته و سلسله امرا منتظم و درهم شکسته شود
الهاکی

وسکاکی کفته اکر دویست بار بر کاغذ نویسد و در زیر
سنک کران نهد بنام هرکه خواهد عمل کند خواب او بسته
شود وتا کاغذ بیرون نیاورد و این نوشته را محو نسازد
انکس را خواب نیاید و آرام نکیرد

فصل درخواص کاف سکاکی آورده که اکر دویست
بارکه حاصل ضرب اوست یعنی بیست در بیست بنویسد
باخود دارد در چشم خلایق عزیز و مکرم کردد و هرکه
بیست بار این حروف را بدین صورت بنویسد در
وقتی که قمر زاید النور باشد و نوشته را بر کردن خروس
افرق ببندد و در مکانی که کمان دفینه داشته باشد
سر آید خروس بمنقار و چنکال موضع دفینه را بشکافد

فصل درخواص لام اکر کسی هفتاد و یکبار بعدد
و مفصلش بر سفرجل خواند و بهمین عدد مبارک
قسم فواکه و نو بر پوست او نقش کند و بخورد زن
و شوهر دهد چنان بیکدیکر مستانس باشد که اصلاً
و قطعاً ام هم الفت نزار چنین نتواند بود

فصل درخواص میم درکتب خواص مذکور است

که اگر کسی بنام محبوب یکصد و پنجاه یک م بر سیب
سرخ یا آبی نقش کند بشرط آنکه چشم میم مفتوح باشد
نه مطموس و اورا بخورد مطم دهد اگر میسر نشود سعی
کند که استشمام نماید از محبت عظیم و مودت بران
بر هیت شود و هر که هشتاد بار حرف میم را با الا اله الا
الله لغایت کند و آن را بر بازوی راست بندد و یا در طاقیه
یا در جامه دوخته بنوید حق تعالی مهابت و محبت اورا
در دلها افکند

فصل در خواص نون آورده اند که هر که بیست و یکبار
بر نعل نراسب نویسد بنام مطم و در دلش گذارد آنکس
برای عامل بیطاقت شود و بی آرام گردد و اگر صد و شش
بار حرف نون بر اینصورت ن بر تیغ کارد فولاد
نویسد بنام کسی باید نشستن و بر دیوار دو بقبله باشد
فرو برد مادام که کارد را در دیوار باشد خواب آنکس بسته
شود سکاکی آورده که هر که پنجاه بار بنویسد با خود دارد
هر جانوری که بگزد اورا درد نکند

فصل در خواص واو هر که بنام کسی دویست بار
بر کاغذ بنویسد و از باد رو بقبله اویزد آن دشمن

۱۰

پریشان و سرگردان گردد و هیچ جا قرار و آرام نگردد
واو را لوحی است شش در شش خاصه در صورت لوح
این است هر طالب
صادق که روز دوشنبه
نزدیک طلوع آفتاب
این شکل را بر خاتم نقش
کند حامل او از همه
آفات و بلیات محفوظ
ماند

ح	ا	و	ح	ه	د
ه	ح	ح	ز	و	ا
ن	ف	ا	ه	ح	ح
ز	ه	ح	و	ا	ح
ح	ه	ح	ا	ز	د
ا	و	د	ح	ح	ه

فصل در خواص ها عمل این حروف در جلب منفعت
است نوشته اند که هر که از زیر ناودان چهل توانگر
چهل سنگ ریزه برچیند در وقتی قمر زاید النور
باشد و مسعود باشد چهل حرف ها بران چهل سنگ
ریزه نویسد و در آنجا که مقام خوابگاه اوست دفن
کند بشرط آنکه دران منزل امر نامشروع از آن
صادر نشود حق سبحانه و تعالی نعمت بسیار و منفعت
بیشمار کرامت فرماید و پوشیده نماند که این حروف

از جمله حروف نورانی است که دو جا در اوایل سورها
قرانی واقع شده اول کهیعص دوم در طه وگویند
بحقیقت اسم اعظم ازاین حروف است والف ولام
تعریف است کما قال الله تعالی هو الله الذی لا اله
الا الله هو و در بعضی از رسایل مذکور است از برای
قهر اعدا و زجر ظلمه اثر عظیم در وجه این حروف که عدد
چهل و پنج است تعلق بمریخ دارد و کسی که یکصد
وهفده بار که عدد مبسوط اوست یعنی ه ا ل و
بر صفحه سرب بمداد بار نکاه ر نقش کند وقتی که قمر
منحوس بود اگر ان در ساعت نظرات نحس واقع شود
بهتر است واگر ان رقم در ساعت مریخ یا زحل اتفاق
افتد با وجود خسوف تاثیر وی بغایت قوی بود و بعد از
اتمام این عمل او صفحه را در سرای ظالم که خلق خدای
در فسق و ظلم وی بجای باشند بفکنند ان ظالم و فاسق
از ان دیار آواره شود و منزل وی خراب شود و اگر
به نیت فلان دشمن هفتاد بار بر خاک قبرستان قدیم

بانک

در خواص یاء

برخاک وقف بخواند و در خانه دشمن ریزد هلاک و و
یران گردد

فصل در خواص ی اگر کسی ده بار بعدد مجمل ی
بر کاغذی قوله بنام شخص و او را در زیر خاک دفن
کند جواب آنکس بسته گردد خواص الم از فاتحه البقره الی
هم المفلحون و الم الله لا اله الا هو الحی القیوم و المص
کهیعص طه و طسم و طس یس ص حم عسق
حم تنزیل الکتاب من الله العزیز العلیم ق ن این مجموعه
را سوره فاتحه بر ورق آهو بره محبت مشک و زعفران
و گلاب در شب جمعه که چهاردهم یا پانزدهم از هر ماه که
باشد بعد از نماز خفتن بنویسد و این نوشته را در غلاف
نقره از قصب فارسی که یک طرف او بند داشته باشد
و سر دیگر را بموم کافوری بند هر که این نی را بر بازوی
راست بندد و با طهارت کامل و لباس لطیف عزت
و حمایت که قبول ذی در دلها و نظرها بسیار شود
و باطن ذی قوت گیرد و هیبت عظیم از وی در دلها سرایت

کند و اگر فقیر بود غنی گردد و طفلی که بترسد یا بسیار میگرید
اگر آن نی را بران نهد بترس او وگریه او زایل شود و حکیم
حاصل این وحشیه در کتاب هیاکل و شمایل آورده که هر که
حروف المص را وضع کند بقلم طبیعی و قلم عربی در
مربع ۴ در ۴ بر صحیفه دست که بوزن ۴ مثقال
باشد بنظر تسدیس یا تثلیث و سالم از نحوس و باید
که در وقت عمل بزعفران و سندروس و مقل ازرق
بخور کند این لوح معمول را در بسته پاک بپیچد که از حریر
زرد باشد و با خود نگاه دارد عزت و شرف و جاه
یابد نزد او از آنچه توقع دارد و از باقی اشراف و
اعیان و سلاطین مسخر وی شود و هر که او را ببیند
مهمان بتر او و در آن اثر کند و صورت لوح طبیعی و عربی
اینست

ص	م	ل	ا
ثه	صو	بیم	٤له
ود	الح	صع	یبم
لم	کت	لو	کص

ص	م	ل	ا
ل	ا	ص	ا
ا	ل	م	ص
م	ص	ا	ل

در بیان انّ الذین یتلون

انّ الّذین یتلون کتاب الله الی غفور شکور از
سوره فاطر بجهة برکت عمر و ازدیاد دین و فایده در اینهم
واقعست و این آیات تجار الافکار آید در جمیع قطعه
نتوند که از چندین در میان امتعه واقعست نقد حاصل
کرده این طلسم تسع اندر تسع از نه دوره هر دور عدد
بکیرد الشمس است که بحساب شمار دو یک عدد الشمس
میباشد از برای رفعت و جاه و جلال و ازدیاد مرتبه و دوام
دولت و عزت بنویسد بر طلا در نور خود و از دو لحظه در شرف شمس
باید نوشت

۲۰۳۷۰	۲۰۳۵۱	۲۰۳۳۲	۲۰۳۱۳	۲۰۲۹۴	۲۰۳۶۵	۲۰۳۴۶	۲۰۳۲۴	۲۰۳۰۹
۲۰۲۹۹	۲۰۳۶۱	۲۰۳۴۲	۲۰۳۲۳	۲۰۳۰۴	۲۰۲۶۲	۲۰۳۵۲	۲۰۳۳۷	۲۰۳۱۸
۲۰۳۰۹	۲۰۳۷۱	۲۰۳۵۲	۲۰۳۴۳	۲۰۳۱۴	۲۰۲۹۵	۲۰۲۵۷	۲۰۳۴۷	۲۰۳۲۸
۲۰۳۱۹	۲۰۳۰۰	۲۰۳۶۲	۲۰۳۴۳	۲۰۳۲۴	۲۰۳۰۵	۲۰۲۶۷	۲۰۳۴۸	۲۰۳۳۸
۲۰۳۲۹	۲۰۲۱۰	۲۰۳۷۲	۲۰۳۵۳	۲۰۳۳۴	۲۰۳۱۵	۲۰۲۹۶	۲۰۳۵۸	۲۰۳۳۹
۲۰۲۳۰	۲۰۲۲۰	۲۰۳۱	۲۰۲۶۳	۲۰۳۴۴	۲۰۲۲۵	۲۰۳۰۶	۲۰۲۶۸	۲۰۳۴۹
۲۰۲۴۰	۲۰۲۲۱	۲۰۳۱۱	۲۰۲۷۳	۲۰۳۵۴	۲۰۲۳۵	۲۰۳۱۶	۲۰۲۹۷	۲۰۳۵۹
۲۰۲۵۰	۲۰۲۳۱	۲۰۳۱۲	۲۰۳۰۲	۲۰۲۶۴	۲۰۲۴۵	۲۰۳۲۶	۲۰۲۰۷	۲۰۳۶۹
۲۰۲۶۰	۲۰۲۴۱	۲۰۲۲۲	۲۰۳۰۳	۲۰۳۷۴	۲۰۲۵۵	۲۰۲۳۶	۲۰۲۱۷	۲۰۲۹۸

۲٦٤ اگر خواهی کسی را از شهری یا از خانه

فائده اگر خواهی کسی را از شهری یا از خانه خود اواره کنی باید که این حروف را بنویسد بر کاغذ وآن کاغذ را بمقراض ریزه ریزه کند با قدری خاك از گور کهنه درهم کند ودر خانه و منزل هر کسی که خواهد بپاشد مصرف برد مجرب است

اواره کنند دشمن را

س ط ط س ط ح ط ج د
ل X ل ش ط ط X ح ط ج د ل ش ش ط ط س
س ج د ل ش ط ط X ط ج ط ج د ل ش ط ط
س خ ط ج د ل

فائده ایضاً بنویسد در خانه دشمن دفن کند ه ه ه ه وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وسوره تبت معکوس هم بنویسد یا اینصورت در ساعت قمر در عقرب باشد که بسیار مجرب است

دفع دشمن

انه لکم عدو مبین دشتم ؟ اهدنا الصراط المستقیم

٥٢ ٤٦	٤ ط	٤٤ ٤
	٥٦ ٥	٣ ٣ ١٠
٩ ٧ ٥ ٤	٤٤ ٤	٣ ٤ ٧

ه ه ه ه

فائده عدد ۱۳۷۱ با صافی است از جهت تفرقه — جهت تفرقه

۴۵۴	۴۶۱	۴۵۶
۴۵۹	۴۵۷	۴۵۵
۴۵۸	۴۵۳	۴۶۰

از جهت تفرقه به قلم آهنی سوره
اذا زلزلت را بخشت خام بنویس
آنچه خاک او جمع شده در کاغذ
کند و بر مدعی چنان تفرقه حاصل شود که حد نباشد
و اگر بخواهد که دشمن را هلاک کند آن خشت را
در آب اندازد هلاک گردد

نوع دیگر ایضاً از جهت رنجور ساختن دشمن — جهت رنجور ساختن دشمن
و ما رمیت اذ رمیت ولکن الله رمی می گیرد در مثلث
مائونی ثبت کند در قبر کهنه دفن کند که بر طرف می شود
یا اینکه در قبر کشته دفن کند عدد ما را ثبت
۲۳۱ ؛ ۴ ۱۴۶ ثبت از خانه هفت پر کند

۴	۳	۸
۹	۵	
۲	۷	۶

زد سردی — نوع دیگر جهت دل سردی عدد سوره والعصر با اسم مطلوب بگیرد در مثلث یا بسط کنند ۲۷۰۰ در کوزه نو بگذارد وکه آب از کوزه بخورد دلش سرد شود

تفرقه — نوع دیگر جهت تفرقه بنویسد این چهار اسم را در سر چهار راه دفن کند چنان تفرقه شود که نتوانند یکدیگر بیند بسم الله الرحمن الرحیم وطیثا طهووث طهوخ یاذوالفضل الحمید یاذ العرش المجید فعال لما یرید

نوع دیگر اگر خواهی کسی را در مکان خود اداره نیائی عدد الم تر و عدد اسم آنکس که خواهی در مثلث ثبت کن و در ره گذر یا در جائی که می نشیند دفن کن که مراد حاصل است و هرگاه خواهی که کسی را از مرتبه بیندازی عدد دمار بیست را و عدد اوشخص را در مثلث ثبت کنی و بعد از آن شخص بخواند و بگورستان دفن کند که از مرتبه بیفتد

نوع دیگر ایضاً در روز دوشنبه بوقت فرو

بجهت تفرقه

فرو رفتن آفتاب در آستانه خانه انکس دفن کند
اَللّهمّ اَفرِق وَالقِنا بَینَهُم العَدَاوَة وَالبَغضَا الی یَومَ القِیمة
کُلَّمَا اَوقَدُوا نَارًا لِلحَربِ اَطفَاهَا اللّهُ وَیَسعَونَ فی
الاَرضِ فَسَادًا تمام بنویسه اَللّهمّ اَفرِق بَینَ ۲ بن
۲ کَمَا فَرَقتَ بَینَ آدَم وَحَوّا وَکَمَا فَرَقتَ بَینَ السَّمَاء
وَالاَرض وَبِحَق هَذِه الاَسمَاء و

ایضًا دیکر بجهت تفریق بنویسید قَاتِلُوهُم یُعَذِّبهُمُ
اللّهُ بِاَیدِیکُم وَیُخزِهِم وَیَنصُرکُم عَلَیهِم یعنی کاروزار
کنید تان خدای بدستها تان او رسوا کند تان ویاری
دهند تان برایشان عددش کلًا ۲۷۹۱ درتسلیط
رند وامراض عین راعادی درحسب سرّ المصون
کوید اگر کسی صورتی بسازد ازموم سفید وبرسینه
وی لوح معززات را بتمام وکمال بنویسید وداخل
وخارج دراچه کتابت کردنی است وانچه خواندنی
است ازآیات عداوت وعزیمه بعدد معلوم بروی
خوانده ودبرظهر آن صورت اسم ملکین علوی وسفلی

ان روز را بحروف و اشکال ان روز کتابت کند اگر معمول
له مرد است که صورت مرد درست کند و اگر زن است
بصورت زن بسازد و بعد از خواندن آیات عزیمه و
عداوت و آیه وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَىٰ أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا
الصِّرَاطَ فَأَنَّىٰ يُبْصِرُونَ ۲۰۵ بار بخواند و بران صورت
دمد پس در هر دو چشم وی را هفت خار و سیخ فرو
برد و اگر خار و سیخ نباشد هر خار سفیدی که باشد
خوب است در وقت خار فرو بردن بچشم وی را هر بار
بخواند فَطَمَسْنَا أَعْيُنَهُمْ كَذَالِكَ طَمَسْتَ عين ۲۲۲
هم چنین هفت بار بگوید برای هر چشمی پس ان صورت
را در کوزه سفال آب نرسیده مطبوط کند و در
مکانی دفن کند که معموله بر انجا گذر میکند را ان
معموله را بنهایت مضبوط کرد این که ضایع شود
هرگاه خواهد خلاصش کند خارها را در چشش
بکشد صورت را باطل کند که خلاص شود و معموله
را مطبوط کند که هم ان باشد که نابینا شود

برای تنگ گرفتن بر دشمن

تنگ گرفتن بر دشمن

ایضاً هرگاه اراده کنی که تنگ بگیرد دنیا بر کی وحیران
بگردانی و او را و سرگردان کنی او را دیگری او را چون
حرکتهای او ببینی التماس کن براو که نکن و برهنه کن
از حدا و تلاش مکن مگر انکه او ترا اذیت برساند
و در قصد کشتن تو باشد انوقت این عمل بکن وقاعده
این است که میگری لوحی از سرب و نقش میکنی در
او مثلث را همچنین و تمثیل میاورم از برای تو دورج
میکنی اسم او را در عین صاد اسم خدا که قابض است
و می نویسی اسم ان را در بطن صاد حروف مقطعه
و هر وقت که نقش میکنی خانه از خانهای مثلث
گذاشته شود درخانهای مثلث و سراو از این است
که ذکر کنی اسم قابض و اسم شخص را و نام بری
او را با اسم خودش و بجوز اعمل کنی که قطع شود هرگاه
فارغ شدی بر از نقش او پس گرم کنی میخ آهن را
و بکوب در حرف صاد تا برون برز آهن و جای تاریکی

باشد و بخوان تو برا او اسم یا قابض نود و سه مرتبه که خواهی
فایده عظیم دارد زنهار که نا اهلا پنهان دارد والسلام

فائده دیگر از برای جمیع اعمال نقش صورت
ادمی را در کاغذ یا شمع عزا یا عروسی یا در گچ یا غیراه
دو نامی نویسی حروف افتاب را در سر تصویر و حروف
افتاب این است ح ا ا ع ی وبی نویسی حروف
عطارد در پشت او ب ص ث ذ واین حروف قمر را
در پای او ج ل س ف واین حروف مشتری دو
پهلوی جنب او ص ف ک ظ و حروف زحل را
در طرف راست او ن د خ غ واین حروف مریخ
در سینه او/ا ت م ه د واین حروف زهره در
فرج او در پشت او ش و ط ز واین حروف
فرس در گردن او می نویسی به هر چه تکلا و زر
بطن او اسم پدر و مادر او می نویسی ایه از
کلام الله فجعلنا عالیها سافلها الی بیعید دهر

را

ازبرای عداوت

۲۷۱

و هر آیه که مناسب باشد مطلق و تیر و کمانی از چوب گز

بسازی و دعای اللهم شتت شملهم ۷۱ امر هزار دفعه

بخوانی و هر عضوی که بخواهی مجروح کنی ان تیر را بران

فرو بر که ناقص گردد اگر ازجهت محبت است دعای محبت

خوانده و بخورات محبت اتش کند وانصورت را در

پهلوی اتش گذارد که بیم هلاک باشد

ایضاً ازجهت عداوت وتفریق عملی ازاین بهتر نیست

خیلی مجرب است زینهار بجاآل نکنند عدد او

قال موسی الی بارئکم درسوره اعراف درصفحه

اهن نقش کند واسم انکس و مادرش براطراف

مثلث نوشته ودراتش اندازد وباوز بلند بگوید بنام

بطد زهج واح

۴	۹	۲
۳	۵	۷
۸	۱	۶

بگوید بنام ۲ ۲ ۲ ۲ انکس در

رنج افتد عددایر ۷۷۱۱

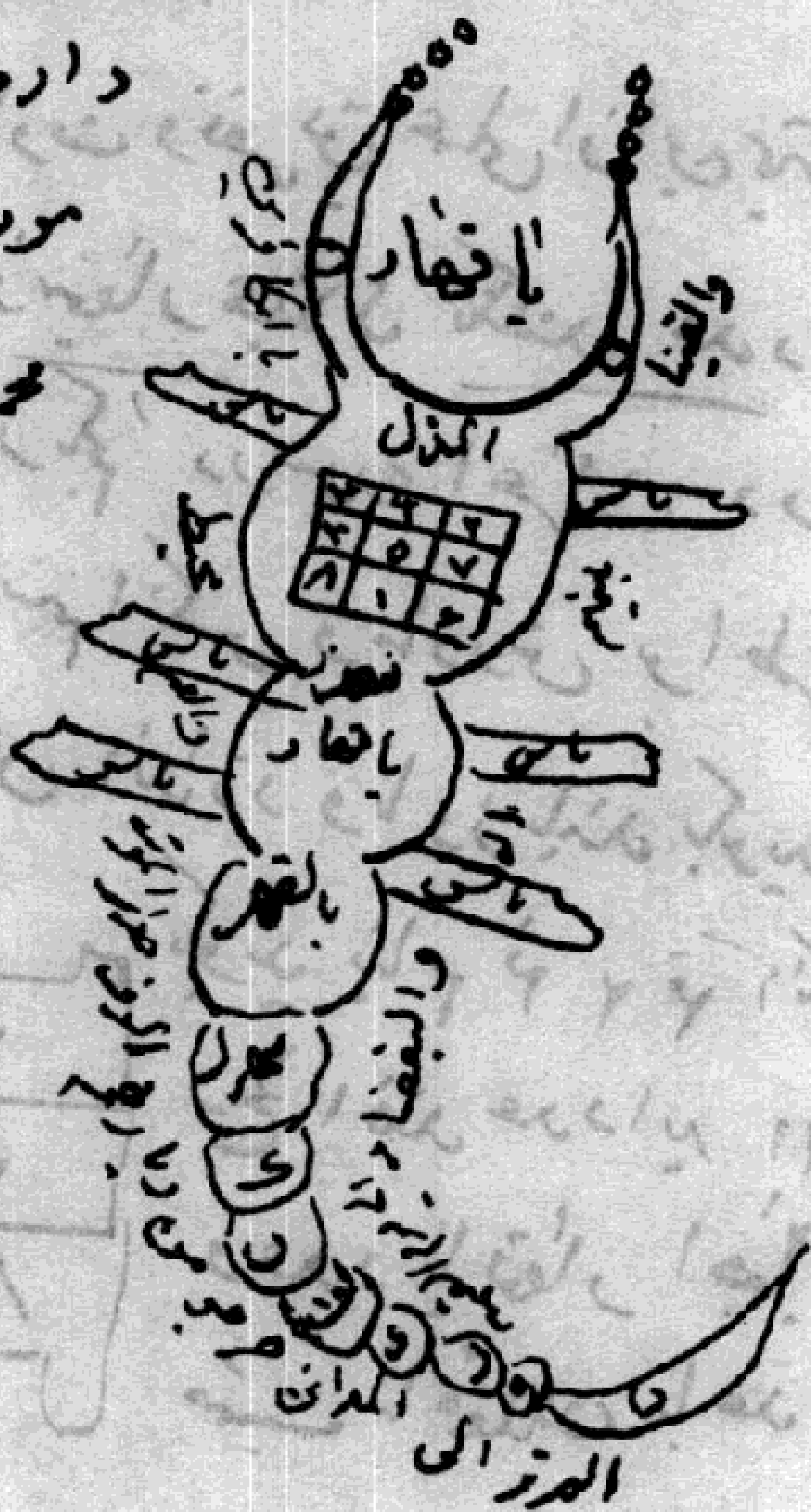
وعدد یا نهار اجا و یا

حمیت یا مهلک باعدد

از برای تفرقه دشمن

رجال یا شهید یا علیل یا ذلیل جمله را بجناب کنند
در مثلث با رق نتهی در قبر کشنه دفن کند

فائده از برای تفرقه روز شنبه بنویسد و در خانه آنکس دفن کند در حال جدا شوند وظن انه الفراق والتفت الساق بالساق الی ربک یومئذ المساق فلا صدق ولا صلی فرقت بین السماء والارض و فرقت بین مجلس و دارم و فرقت بین بین موسی و فرعون و فرقت محمد و ابوجهل و فرقت ۲ ۲ ۲ ۲ طلسم عدو آدم و شیطان و سخط و با شطط جهت تفرقه گرفته شده و مثلث کرده منزل دشمن دفن کرده که تفرقه دم



که تفرقه حاصل شود

۴۶۴	۴۷۲	۴۶۶
۴۷۱	۴۶۷	۴۶۵
۴۶۸	۴۶۳	۴۷۱

ایضاً از جهت دزد دیده قدحی پر از آب کرده وانگشتری در میان قدح آب اندازد و این دعا را بخوان باسم یکی از اهل تهمت که گمان داری چون باسم دزد برسد انگشتری درگردش آید

اَللّهمّ ربَّ السّموات والارض وربّ الماء وربّ القدح یا مالِکَ المُلک تؤتی المُلکَ مَن تشاء وتنزع المُلکَ ممّن تشاء وتعزّ من تشاء وتذلّ بیدک الخیر انّک علی کلّ شیءٍ قدیر ان کان فلان بن فلان صاحب السّرق فلیدلّک فی دلت هذا الخاتم

در دفع ورفع شر ودفع بلا یا دفع هر شری وبلیلی بنویسد وباخود دارد بسم الله الرّحمن الرّحیم اللّهم انی اسئلک ان تحفظنی من الجنّ والانس واعوذ بوجه الله الکریم وبکلمات الله التّامّات الّتی لا

تجاوزهنّ برٌّ ولا فاجرٌ من شرّ ما ينزل من السّمآء
وما يعرج فيها ومن شرّ ما ينزل الى الارض ومن شرّ ما
يخرج منها ومن شرّ اللّيل والنّهار الّا طارقاً يطرق
بخير منك يا رحمن يا رحيم بفضلك وجودك وكرمك
يا ارحم الرّاحمين باسم فلان بحقّ هذه الاسماء
مح ع ۸ ۱۱ هلوه ۱۱۱ مم ه ۱۱ لهٖ ک السّاعة العجل الوحا

ايضاً بنويسد و با خود دارد بسم الله الرّحمن الرّحيم
يا هو يا من هو يا من ليس هو الّا هو صلّ على
محمّد وآل محمّد واجعل لحامل كتابي هذا من كلّ همّ
وغمّ والمٍ وخوفٍ فرجاً ومخرجاً برحمتك يا ارحم
الرّاحمين محمّد علي فاطمة الحسن الحسين علي محمّد
جعفر موسى علي محمّد علي الحسن محمّد صلوات
الله عليهم اجمعين

فائده مداومت اين دعا جهت توسعه و هم
آمدن اسباب مجرّب است بسم الله الرّحمن الرّحيم
اللّهمّ يا سبب من لا سبب له يا كلّ ذي سبب يا

یَا مُسَبِّبَ الْأَسْبَابِ مِنْ غَيْرِ سَبَبٍ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْنِنِي بِحَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ وَبِفَضْلِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ

فائده نصیحة

ده چیز لازم است تا خوب خوب باشد

هر چیز را از آن بطلب در چهار چیز

خورد و کلان و کرد و بلند و دراز

باریک و تنگ و سرخ و سفید و سیاه و سبز

خورد بینی دندان دست پا

کلان کفل روی ساق ساعد

کهد سر سرین روی زنخ

بلند پشت چشم طاق ابرو قد کردن

دراز دست انگشتان گیسو ابرو

باریک فرق ابروان لب میان

تنگی چشم دهان میکا حلقه ناف فرج

سرخ رخساره درون فرج لب زبان

سفید جبهه اندام سفیدی چشم دندان

سیاه موی موی ابرو مژه سیاهی چشم

فائدة نصیحة

شش چیز فراموشی آورد نیم خورده موش خوردن وشپش زنده انداختن ودرآب استاده بول کردن ونا حون بدندان کندن وسفرخا بیدن وسیب ترش خوردن وبعضی گویند خواندن الواح قبور واز میان دو زن گذشتن ونظر کردن بشخصی که از حلق کشیده باشند وخوردن شنیز تازه دهان کرم نیز فراموشی آورد

فائدة

به تجربه محققین رسیده که هرگاه اب برگ چغندر را بر بالای خمر بریزند بعد از دو ساعت سرکه میشود وهرگاه بر بالای سرکه بریزند بعد از چهار ساعت خمر میشود

فائدة

فائده لطیفه

اگر زنی بار حمل نگیرد و بعد از حیض سه روز مغز
بنبه دانه و تخم مرغ یکجا بسایند و شیاف ساخته بر خود
بر گیرد و مرد یک شوهر رود زود حمل بردارد

طریق دیگر اگر زن بعد از حیض آب بسیار نخورد
وانمار دیگر تشنه باشد و نخزد شوهر رود حمل گیرد

فائده زهره ماکیان سیاه بر قضیب مالد زن را
وطی کند از جماع و لذت ان بی قرار شود

فائده اگر خواهی که زن در محبت بی اختیار شود
موی سر او را در وقت شانه کردن بستانی و خاکستر
او را با شهد بر قضیب مالد مانده نشود و مطیع گردد

فائده مردار سنگ را با مغز ماکیان بر سر ذکر مالد
و برن دخول کند آن زن بی قرار شود

فائده استخوان فیل را بگردن گوسفند به بندد گرگ
بگله گوسفند ضرر نتواند رساند

فائده اگر کسی تخم نرگس بکوبد و در طعام مالی بستکی را سود دارد

فائده اگر زن فتیله سازد و بآب نرگس تر کند و در فرج نهد و با مرد مقاربت کند در ساعت حامله شود

فائده رفع زنگ از کارد و بخوان سفیدهٔ تخم مرغ را با روغن بجوشانند و کارد را بآن بمالاشد زنگ همه را ببرد و مجموع آنچه در این باب مذکور شد از محمد بن اسحق کندی منقولست که در رساله قلع آثار آورده

فائده رفع هر سیاهی بتریشهٔ برنج زایل شود و اگر سیاهی آن کهنه بوده باشد پس گرگرم کرده باید شست و اگر سرگین کبوتر نیز داخل آن کنند بهتر است

فائده رفع خون از جامه بنمک آب باید شست و اگر خون کهنه بوده باشد سرگین کبوتر گرم کرده بشویند

فائده از هرمس منقولست که اگر خاکستر چوب بلوط را در سوراخ موش افکنند بعضی بعضی را بخورند

فائده ارضه شیرهٔ زیره سبز را بر موضع ارضه بمالند دیگر ارضه بر نیاید و اگر صبر را بر تیشه با ارهٔ بمالند و درخت را با آن ببرند از تن درودگری که تر باشد دیگر آن چوب را ارضه نخورد ع

فائده خواص اجزاء حیوانات

مغز سر خرگوش برای تقویت چشم

مغز سر روباه برای تقویت قلب

مغز سر استر برای از بین بردن قوه باه

مغز سر کلاغ ابلق برای قولنج

مغز نهنگ برای از بین بردن دردی چشم

فائده این نقش را در سفر داشته باشید

م ح م ك ت ر ى ف
ن - ۶ - ۷ - ۱۲ - ۱۳ - ۱۵

باز آمدن غایب مقداری زغال تهیه کرده و روی آن نعل بگذارید و چند دانه سیاه دانه روی آتش زغال بیندازد و نام غایب را هفده مرتبه بر نعل بدمد و نام غایب را با صدای آرام بدمید غایب حاضر می شود ع

فائده عمل خوب بستان زاج سفید و نشادر و سم
سفید و زبد البحر مقابل هم همه را نرم کرده و در تابه
این کرده و سی سرکه کهنه او باقی کرده قدری مثلاً
ده مثقال روح را براده کرده و در میان ان اجزا در
کوزه ریخته با عکس این اورا صلابه کند و نرم و نرم اتش
زیر ان کند از صبح تا شام بجوشد و صلابه کند چون عصر
شود ان روح را از ان اجزاء مذکور باب شود بعد خشک
کرده عیار کند دو روح با یک جبوه دو درهم صلابه کرده و
گلوله کند و عیار کند مقابل یکی ازین روح و زیبق و ده
مثقال از جمله را اجزاء مذکوره گرفته دیگ عدد تا خشک شود
یک روز بعد از ان را در لته کرباسی خوب دو از کرباسی و پنج
ان را بسته و قدری زبل عوامل اتش کرده چون تمام
زبل اتش شد تا دوران وقت ان را پس کرده و ای لته
بسته را در زیر اتش گذارده و شب تا صبح بگذارد چون صبح
شود انشاء الله تمام پنج روح مثلا هفت و نیم جبوه درهم
ملغمه کند پنج مثقال روح و چهل مثقال اجزاء و چهار اجزاء

اول

در بیان نسخه دفینه

فرش اول و نصف جیم دوم باشد
اول کاخ باشد نصف

فائده دفینه
رقم
از نسخه سالار اعظم از توابع شهر یار طریق قزوین
بمدار جنوب تپه است که قبلاً اوغلان قلعه
معروف است ویرانه و مبدل به تپه شده از ابتدا
ان صد و بیست ی ان دوازده گز بردارند سنگ آسیابی
زنجیر از روی ان بکنار زنند مدخل سرداب ظاهر
شود برج ۲۰ بلد وارد شده سرداب بزرگ
است خطر جانوران حیه است با احتیاط با چند کس
وارد شوند یک کتاب مفتاح الکنوز و چهارده
خمره سکه زر سرخ پول زیاد در آن امانت است
کس را جسارت عمل در ان نباشد غیب
رقم
دفینه دیگر

مشرج ۲ ج ط ک ل

ل ط م
در همان فریاد بلاغ جمیل
نشان برهای تمشک قبور کبریان
نشان اظهر من الشمس حمل خ س
دفینه دیگر

فائده در کتاب کافی بسند حسن از معاویة بن عمار روایت نموده که حضرت صادق علیه السلام فرمود که ای معاویه آیا ندانسته که مردی بخدمت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام آمد عرض کرد که کدام است آن دعائیکه شخص بخواند و دعا پس مستجاب شود و اجابت فرمود که کجائی تو از دعای سریع الاجابه یعنی چرا نمیخوانی دعای سریع الاجابه را که تا زود باجابة مقرون شود آن مرد عرض کرد که آن کدام است دعا آن حضرت فرمود دعا این است بسم الله الرحمن الرحیم اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ الْعَظیمِ الْاَعْظَمِ الْاَجَلِّ الْاَکْرَمِ الْمَخْزُونِ الْمَکْنُونِ النُّورِ الْحَقِّ الْبُرْهانِ الْمُبینِ الَّذی هُوَ نُورٌ مَعَ نُورٍ وَنُورٌ مِنْ نُورٍ وَنُورٌ فی نُورٍ وَنُورٌ عَلی نُورٍ وَنُورٌ فَوْقَ کُلِّ نُورٍ وَنُورٌ یُضیءُ بِهِ کُلُّ ظُلْمَةٍ وَیُکْسَرُ بِهِ کُلُّ شِدَّةٍ وَکُلُّ شَیْطانٍ مَریدٍ وَکُلُّ جَبّارٍ عَنیدٍ وَلا تَقِرُّ بِهِ اَرْضٌ وَلا تَقُومُ بِهِ سَماءٌ وَیا مَنْ بِهِ کُلُّ خائِفٍ وَیَبْطُلُ بِهِ سِحْرُ کُلِّ ساحِرٍ وَبَغْیُ کُلِّ باغٍ وَحَسَدُ کُلِّ حاسِدٍ وَیَتَصَدَّعُ لِعَظَمَتِهِ الْبَرُّ وَالْبَحْرُ

و

وَیَستَقِلُّ بِهِ الفُلکُ حِینَ یَتَکَلَّمُ بِهِ المَلَکُ فَلا یَکُونُ
لِلمَوجِ عَلَیهِ سَبِیلٌ وَهُوَ اسمُکَ الاَعظَمُ الاَعظَمُ الاَجَلُّ
النُّورُ الاَکبَرُ الَّذِی سَمَّیتَ بِهِ نَفسَکَ وَاستَوَیتَ
عَلَی عَرشِکَ وَاَتَوَجَّهُ اِلَیکَ بِمُحَمَّدٍ وَاَهلِ بَیتِهِ اَسئَلُکَ
بِکَ وَبِهِم اَن تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ مؤلف میگوید
بعد از ان بگو وَاَن تُفَرِّجَ هَمِّی وَتَکشِفَ کَربِی وَتَقضِیَ
دَینِی وَتَغفِرَ ذَنبِی وَتُصلِحَ جَمِیعَ اُمُورِ دِینِی وَدُنیایَ وَ
تَدفَعَ اَعدائِی وَتَرزُقَنِی حَجَّ بَیتِکَ وَزِیارَةَ نَبِیِّکَ وَ
الاَئِمَّةِ مِن اَوصِیائِهِ وَتُحیِیَنِی عُمرِی بِمَشهَدِ واحِدٍ مِنهُم
وَتَحشُرَنِی وَوالِدَیَّ وَاَولادِی فِی زُمرَتِهِم وَتَجعَلَ فَرَجَهُم
وَتُخَلِّیَنا فِی دَولَتِهِم وَتُرِیَنا رُؤیَتَهُم وَخِزیَ اَعادِیهِم وَ
تَلعَنَ عَلَی مَن ظَلَمَهُم وَعاداهُم مِنَ الجِنِّ وَالاِنسِ
مِنَ الاَوَّلِینَ وَالآخِرِینَ اِلَی یَومِ الدِّینِ آمِینَ آمِینَ
یا قاضِیَ حَوائِجِ السّائِلِینَ وَصَلَّی عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرِینَ
وَلا حَولَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ العَلِیِّ العَظِیمِ

ایضاً از حضرت رسول صلعم منقولست که هر کس خواهد
روزی بروی فراخ گردد و باسانی بدو رسد باید که

هر بامداد و شبانگاه این دعا را سه مرتبه بخواند و گریند آن مقدار نتیجه دهد که فرزندان خوانده این دعا هفت بطن محتاج خلق نگردد بعون الله تعالی

یا اَللهُ یا اَللهُ یا اَللهُ یا رَبُّ یا رَبُّ یا رَبُّ یا حَیُّ یا قَیّوم یا ذاالجلالِ وَالاِکرام اَسئَلُکَ بِاسْمِکَ العَظیمِ الاَعظم ان تَرزُقَنی رِزقاً واسِعاً حلالاً طیباً برحمتک یا اَرحم الراحمین

فائده از جمله ختوم معتبره مجربه ختم آیة الکرسی است تا وهو العلیّ العظیم بعدد لفظ کرسی که دویست و نود است و بزرگان را کابر گفته‌اند که اگر کسی بعدد نام خود بخواند ابواب فتوحات بر روی او گشاده میشود و سعادت باو رو میاورد و فقر و فاقه از وی دور میگردد و از برای تحبیب شرعی اگر بعدد اسم طالب و مطلوب خوانده شود اثر عجیب دارد و کتب علماء اثنا عشریه و در بعضی از تفاسیر تشیع وارد شده است که در آیة الکرسی ده وقف است هرکه در وقت خواندن

اگر

وقف را بعمل آورد بعد از ان دعا کند انشاءالله
تعالی دعای او مستجابست و هر مطلبی که از خدا
وند قادر مختار بخواهد بسبب حرمت و برکت این ایه
شریف میسر و محصل گردد و قاعدهٔ وقف این است
که ابتدا از انکشت کوچك دست راست کند که اورا
خنصر گویند دبیر و تفی انکشتی عقد کند و ختم بانکشت
ابهام دست چپ کند و در میان دو عین یشفع عنده
هرچه بخواهد از عمل خیر طلب کند و در میان دو میم
یعلم ما بین ایدیهم ابدا نچه دفع شر باشد طلب
نماید و چون ده عقد تمام شود سه بار سوره الم نشرح
و سه بار قل هو الله احد را و سه بار صلوات بفرستد
و بعد ده مرتبه سورهٔ حمد را بخواند و بعد از تمام سورهٔ
حمد یك انکشتی از انکشتان معقوده را واکند و در باز
نمودن انکشتان ابتدا کند از انکشت ابهام دست چپ
تا انکشت خنصر دست راست که از او عقد کرده بود
و بعد از فتح همه انکشتان نظر بسوی اسمان کند و بدعا
و حاجت خود را بخواهد و در بعضی از نسخ چنین وارد

شده است که بعد از اتمام عقدها سورهٔ الم نشرح و قل هو الله و سه بار صلوات بخواند و نظر بسوی آسمان کند و بدمد و حاجت بخواهد و بعد از آن ابتدای فتح از ابهام دست چپ نماید و دراین متعرض نشده که وقت گشادن انگشتان فاتحه بخواند و اگر عمل بمجرد طریق نماید بهتر خواهد بود و در بعضی از کتابها طریقهٔ اول را تا چهل روز ذکر کرده اند و گفته اند که مداومت باین طریق تا چهل روز از جهت قضاء حوائج تخلف ندارد و وقت باید طریقست اول اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ دوم اَلْحَیُّ الْقَیُّوْمُ سیم لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ چهارم لَهُ مَا فِی السَّمٰوٰاتِ وَمَا فِی الْاَرْضِ پنجم مَنْ ذَا الَّذِیْ یَشْفَعُ عِنْدَهُ اِلَّا بِاِذْنِهِ ششم یَعْلَمُ مَا بَیْنَ اَیْدِیْهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ هفتم وَلَا یُحِیْطُوْنَ بِشَیْءٍ مِنْ عِلْمِهِ اِلَّا بِمَا شَاءَ هشتم وَسِعَ کُرْسِیُّهُ السَّمٰوٰاتِ وَالْاَرْضَ نهم وَلَا یَؤُدُهُ حِفْظُهُمَا دهم وَهُوَ الْعَلِیُّ الْعَظِیْمُ ایضاً خواندن آیة الکرسی را باین طریق

کم

که مذکور میشود

فائده بجهة رفع اعداء هر روز صبح بخواند و از جملهٔ ادعیهٔ شیخ بهاء الدین است بمیرتونی تعلیم نموده و از جمله مجربات است وطریق خواندن آن اینست

بجهة رفع اعداء

اَعُوذُ بِاللّٰهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارُ الْمَاجِدِ مِنْ كُلِّ عَدُوٍّ وَ حَاسِدٍ بسم الله الرحمن الرحيم اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ بعد سوره قُلْ هُوَ اللّٰهُ بخواند لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ اِلَّا بِاِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ اَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ بعد قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ بخواند اِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ بعد قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ بخواند وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ بعد سوره قُلْ يَا اَيُّهَا الْكَافِرُونَ بخواند لَا اِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللّٰهِ بعد سوره اِنَّا اَعْطَيْنَاكَ بخواند فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ

الوُثقی لَا انفِصَامَ لَهَا وَاللهُ سَمِیعٌ عَلِیمٌ بعد
سوره اذا جاء نصر الله بخواند اللهُ وَلِیُّ الَّذِینَ
آمنوا یُخرِجُهُم مِنَ الظُلمَاتِ اِلَی النُّورِ بعد سوره
حمد را بخواند وَالَّذِینَ کَفَرُوا اَولِیاءُ هُمُ الطَّاغُوتُ
یُخرِجُونَهُم مِنَ النُّورِ اِلَی الظُّلُمَاتِ اُولئِکَ اَصحَابُ
النَّارِ هُم فِیهَا خَالِدُونَ تمت

فائده در جنة الواقیة الباقیه وارد است که هر
کس تا سه روز جمعه هفتاد مرتبه این دعا را بخواند
نمیکذرد بر او سه جمعه مکر انکه خدا او را غنی میکرداند
از هر احدی بفضل خود و دعا اینست
بسم الله الرحمن الرحیم یا مُفِیدُ یا غَفُورُ یا وَدُودُ
اَغنِنی بِحَلالِکَ عَن حَرَامِکَ وَبِطَاعَتِکَ عَن مع
مَعصِیَتِکَ وَبِفَضلِکَ عَمَّن سِوَاکَ بِرَحمَتِکَ
یا اَرحَمَ الرَّاحِمِینَ

فائده هر که این مهر اجمعین است بنویسد و با خود
دارد در نزد اکابر و اشراف و امراء و بزرگان

عزت

عزیز و محترم باشد و هرکه او را بیند بمراتب حرمت دارد و دوست وی شود مجرب است و این مهر اجمعین

۱۱ ۸۰ ع ع ۱۱ ع ۹ ۹ ۱۱ ع ۱۱ ۱۹۰

۳ ۲ ۱۱ ۱۳ ۱۱ ۱۳ ۹ ۱ ۹ ح ح ۱۱ ۹ ال

ع ع ۱۱ ۱۱ ۱۳ ۱۴ ع ۱۴ ل لا

۱۱ ۱

ادعیه قدسیه

فائده در ادعیه قدسیه وارد است که یا محمد هرکه ترسد از انچه در زمین است خواه شیطان و خواه جن اید فارا در وقتیکه ترس در دل او بهم رسد بخواند که از شیطان و جن باو هیچ ضرری نمیرسد و دعا اینست

بسم الله الرحمن الرحیم یا الله الا له الاکبر القاهر بقدرته جمیع عباده والمطاع لعظمته عند کل خلیقته والممضی مشیته لسابق

قدرته انت تکلاء ما خلقت باللیل والنهار ولا
یمنع من اردت به سوءٍ بشیء دونک من ذلک
السوء ولا یحول احدٌ دونک بین احدٍ وما ترید
به من الخیر کل ما یری وما لا یری فی قبضتک
وجعلت قبائل الجن والشیاطین یرونا ولا نریهم
وانا لکیدهم خائف فآمنی من شرهم وباسمهم بحق
سلطانک العزیز یا عزیز عـ

فائدة نقل است از فاضل العالم والعادل شیخ
بهاء الدین که هر گاه اراده کنی تو در گشادن زنجیر و یا
قفل و یا گشادن کل بستگی ها هفت روز روزه بگیرد
و قرائت کن در هر روز از این هفت روز این آیه را هزار
مرتبه انا فتحنا لک فتحا مبینا از وقت طلوع شمس و قرائت
مکن در شبها این ۱۴۱ ۰۹۲ عزیمت که مسمی هست باسم
مادر موسی علی نبینا علیه الصلوات والسلام یکهزار مرتبه
بعد از تکبیر هفت مرتبه صلوات فرستاده باشی پس بنویس
این آیه انا فتحنا لک فتحا مبینا در مربع و وضعها علی

شرح

ضلع منه بگذار در فوق سرت عزیمه مذکور این است

٨٠٤	٨٠٩	٨٠٦	٧٩٩
٧٩٨	٨٠٧	٨١٣	٨٠١
٨١١	٨٠٢	٧٩٧	٨٠٨
٨٠٥	٨٠٠	٨٠٣	٨١٠

عزمت علیکم واقسمت علیکم ایها الارواح الروحانیة المتصرفة اسرار اسماء الالهیة

سخر لی بلا مفتاح قلوب جمیع العالمین لی بحق
ام موسی هلبارب یوحا حلیمة عالیة سلامة
ام یوحا هلسومة حلیمة یوحا کافلة کافیة
حافظة عجیبة یوخای بن لاوی ابن یعقوب ع
یا فتاح بلا مفتاح افتح لی بحرمة ام موسی یا
مکبال المجری الفلک فی البر والبحر بامره واحلل
لی کل عقد وادفع کل قضاء وبلاء انک رؤوف
رحیم حمید مجید قوی متین

فائده ه از برای پیدا شدن غایب سوره
یوسف را ۹ نه بار بخوانید و در رکعت نماز خوانده
در مسجد نام غایب را بزبان بیاورید یا بکهفنه

برای رفتن پیش محبوب ۲۰۹۲

حاضر می شود تجربه کرده ام

فائده برای رفتن به پیش محبوب سوره هود آیۀ ۳۸ را در نصف شب ۱۴ ماه خوانده و در زمین هموار این نقش ها را بکشند تا سه روزه پیش محبوب بیاورد ان شاء الله

ه	ااا	۲۲م	محج	ا

فائده هرکس این نقش را در زیر زبان خود داشته باشد مردم از او می ترسند

باالله	ع	حح	۲	ن	٤	۱

فائده هرکس چشم گربه سیاه را در شب زیر بالین خود بگذارد در خواب به او یکی از اسرار را می گوید

فائده از برای هلاک عدو و اهل ستم وقت طلوع آفتاب روز چهارشنبه چهل و یک مرتبه نادعلیا را بخواند بنحو مرقوم و باد بطرف خانه او بدمد

در بیان ادعیهٔ متفرقه

البته ذلیل و خوار گردد چنانچه مکرر تجربه شده و تخلف روی نداده بسم الله الرحمن الرحیم بفضل بسم الله الرحمن الرحیم ببرکة بسم الله الرحمن الرحیم یا ابا الغیث اغثنی نادِ علیاً مظهر العجائب تجده عوناً لک فی النوائب کل هم و غم سینجلی بولایتک یا علی یا علی یا علی

فائده فتح الرجال این دعا را با مشک و زعفران بنویسید و باب بشوید مرد بسته آن را بنوشد گشاده گردد بحکم الهی بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله المبارک العظیم یا طمعها یا کلیا عها ططعشا رحیلا یا بخشا لمحیطنا یا هبیطا یا شیشا یا برهیشا یا شمحیشا یا بحشا طا عهطیشا یا الغالبیشا و صلی الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین

فتح الرجال

فائده

نوع دیگر این سوره با مشک و زعفران بنویسد و بشوید هر روز یکی بخورد گشاده گردد اول آیة الکرسی دویم سوره اذا زلزلة سیم قل اعوذ برب الفلق

فتح الرجال

چهارم سوره قل اعوذ برب الناس

فائده استخراج اسماء الحسنی مطابق حروف مقطعه بیست هشتگانه تهجی هذه صورتها

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی
الله	رحمن	رحیم	ملک	قدوس	سلام	مؤمن	مهیمن	عزیز	جبار
۶۶	۲۹۸	۲۵۸	۹۰	۱۷۰	۱۳۱	۱۳۷	۱۴۵	۹۴	۲۰۶

ک	ل	م	ن	س	ع	ف	ص
متکبر	خالق	باری	مصور	غفار	قهار	وهاب	رزاق
۶۶۲	۷۳۱	۲۱۴	۳۳۶	۱۳۸۱	۳۰۶	۱۴	۳۰۸

ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض
فتاح	علیم	قابض	باسط	حافظ	رافع	معز	مذل
۴۸۹	۱۵۰	۱۰۰۳	۷۲	۹۸۹	۳۰۱	۱۱۷	۷۰۷

ظ	غ
علی	بصیر
۱۱۰	۳۰۲

بدانکه از استنباط بعضی از اهل ذکر و صلاح چنین مستخرج و مستنبط گردید که اگر دانی تا از ان منفعت دنیوی و اخروی خود قلب شخصی را از مرد و زن مسخر خود گردانی تا از ان منفعت دنیوی و اخروی بدون خلاف شرع بتو عاید گردد و مطیع و منقاد تو شود پس اول اسم ان شخص را ملاحظه میکنی که چند حرف میشود بعد از ان ملاحظه صورت مکتوبه اسماء الحسنی را میکنی که حروف اسمش با کدام یک از اسماء

الحسنی

الحسنی ثبت شده پس ان اسماء را با عدد مجموع آن
اسم ورد میکنی مثلا اسم ان شخص که اراده تسخیر قلبش
داری محمد است پس حروف این اسم م ح م د است و در
صورت اسماء الحسنی یا اسم باری و مصور و مالک مسطور
شده پس یا بارئ یا مصور یا ملک را مطابق مجموع عدد
محمد که نود و دو است در هر روز در وقت معینی بدون
تکلم بکلام غیر نود و دو مرتبه ورد میکنی در مدت دوازده
روز پس اگر این عمل را بجا اوردی مطلوب حاصل نگردید ان
وقت مجموع اعداد اسماء الحسنی که باری و مصور و مالک
باشند ششصد و چهل است جملتان هر دو هفصد و سی
و دو میشود پس بلا فاصله در مدت دوازده روز این سه
اسم را در هر روز در یک مجلس بدون تکلم هفصد و سی
و دو مرتبه ذکر میکنی مطلوب حاصل میشود و اگر خدا نکرده
مطلب تو در این مرتبه نیز حاصل نگردید پس در مرتبه
سیمی مکررات حروف اسم شخص را با مکررات حروف
اسم شخص را با مکررات حروف اسماء الحسنی در یکجا جمع
نموده بعد جملتان انها در مدت دوازده روز دفعه

در بیان فوائد اسماء حسنی

سمی وردکن که بشأن انشاء الله بمطلب خواهی رسید
اما مثال مکررات اسم شخص و مکررات اسماء الحسنی مثلا
محمّد در صورت دو حرف میم و یک حرف حا و یک دال است
وحال انکه میم مشدّد در وسط محمّد دو میم است که به یکدیگر
ادغام شده پس سه میم حساب میکنی پس عدد حروف محمّد
در این صورت میشود یکصد و سی و دو اما حروف مکرره
این سه اسم در اسم مصوّر واو مشدد را وحساب میکنی که
دوازده میشود و این عدد شش که از تکریر حرف واو حاصل
میشود اضافه میکنی به مجموع عددها خواهد اصل پس جملتان
این میشود ششصد و چهل و شش و مجموع عدد حروف محمّد با
میم میشود یکصد سی دو جملتان اینها میشود هفصد و
هفتاد و هشت پس در مرتبه سمی در مدت دوازده روز
در هر روز هفصد هفتاد و هشت مرتبه او سه اسم راکه
یا باری و یا مصور و یا ملک است ورد میکنی انشاء الله
مطلوب تو حاصل خواهد شد و با قانون مذکور اسم هر شخص
مطلوب را با سماء الحسنی که در زیر حروف اسم ان شخص
مقصود نوشته شده حساب نموده و جمع کرده باقی را اول و دوم

فال صحیح است

بسم الله الرحمن الرحیم فصل فی الفال والزجر اعلم الفال
ایدك الله ان علم الفال صحیح مجرب تستعمله الانبیاء والعلماء
والصالحون لما فی ذلك من التاثیر والاشارة بالوحی
الالهام وكان النبی ص یحب الفال ویكره الطیرة واحسن
ما یستجلبه الفال افعال نفس الانسان الذی اودع
الله تعالی فیه جمیع العلوم الجلیة والخفیة وهو موضع للعلم
والمعرفة والحكمة واستنباط جمیع العلوم واستخراجها به و
منه كما قدمنا والاصل فی ذلك ان یوجد الفال من حركاته
وافعاله وقوله فی جمیع احواله لانها كلها تصدر عن ارادة
الله تعالی عز وجل والهاما منه للعبد بما هو كائن وان اراد
الانسان امرا ما او حاجة او تحیر فیه احد الامرین ایهما
یفعل فاول ما یقصده ما روی عن النبی ص انه كان یعلم
اصحابه الاستخارة كما یعلمهم السورة من القران فیه بعد
ان تصلی ركعتین یقرء فی كل ركعة منهما الفاتحة وایة الكرسی
مرة وقل هو الله احد ثلاث مرات والمعوذتین مرة فاذا
سلم قال بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین

۲۹۸ در بیان طریق استخاره

اللهم صل على محمد النبي الامي وعلى آله كما صليت
على ابراهيم وعلى آله وبارك على محمد وعلى آله كما باركت
على ابراهيم وعلى آل ابراهيم في العالمين انك حميد
مجيد اللهم اني استخيرك بعلمك واستقدرك بقدرتك
واسئلك من فضلك العظيم فانك تقدر ولا اقدر وتعلم
ولا اعلم وانت علام الغيوب اللهم ان كان هذا الامر
وتسمي حاجته خيرا لي في ديني ودنياي وعاقبة امري و
عاجله وآجله فيسره لي وان كنت تعلم ان هذا الامر شر لي
في ديني ودنياي وآخرتي وعاقبة امري وعاجله وآجله فاصرفه
عني واصرفني عنه واقدر لي الخير حيث كان ثم رضني به
يا ارحم الراحمين ثم يقول اللهم خر لي واختر لي سبع مرات
ثم ينظر الى قلبه فاي الامرين سبق اليه العزم عزم اليه
وان سبق اليه الترك تركه وان كانا الامرين وسبق الى
قلبه ايهما عزم عليه ايضا ففيه الصواب وان استخار
نفسه فبذلك استشار رجل عاقل يثق بنصيحته وعقله
ومحبته وخيرته فما اشار به عليه فهو الهالك ايضا

۷ هزا

وهذا اكد من الاول لان المشورة فائدتها للعاقل ان
النفس ربما احبت امرا والخيرة في غيره وقد امر الله تعالى
بالمشورة من هوارح الناس عقد فقال في محكم كتابه لنبيه
محمد ص وشاورهم في الامر فان اقتصر على هذا كفاه وان
اراد تمحيصه بالزيادة فليقارع رجلا اخرا بضمر في قلبه
ان خرج بينهما فرد عزم واذا خرج زوج ترك او بالعكس
فما خرجت به القرعة بينهما فهو وحي الهامي بقلبين قد
اجتمعا على ذلك وهما اكد من قلب واحد وكان النبي ص
يستعمل القرعة ويحكم بها فان وافقت الاول فدليلان
اقوى من دليل واحد وان خالفت رجح ذلك بالنظر
الى الانسان فلياخذ النفسانية والجسمانية الجارية
بالارادة الربانية فهو وحي الهامي كما قدمنا وذلك
بالنظر الى الكواكب السبعة السيارة والراس والذنب
القاضية بما اودع الله تعالى فيهما من السعادة وا
الشقاوة والنفع والضر والخير والشر فهي مسخرة
تجري بارادة الله تعالى ومشيئة وقوته جميع امورها

التی فصناها وقدرها وقد ذکرنا ان الادمی فیه نسبة کل
شیء من العوالم العلویات والسفلیات وکل عالم علوی
مدبر لما یناسبه من السفلیات بحکمة رب المثنیات فملک
السماء السابعة زحل وهو نحس وله من الانسان الاذن
الیسری وله من الفلک برجان الدلو والجدی فنسبة الجدی
من جسد الانسان الطحال ونسبة الجدی الرجلان و
کوکب السماء السادسة المشتری وهو سعد وله من الانسان
العین الیمنی وله من الفلک برجان القوس والحوت فنسبة
القوس الکبد ونسبة الحوت الکلا وکوکب السماء الخامسة
المریخ وله من الانسان اذن الیمنی وله من الفلک برجان
الحمل والعقرب فنسبة الحمل المعدة ونسبة العقرب الشبلین
الاسفلین وکوکب السماء الرابعة الشمس وهو سعد وهو
سلطان وبها صلاح العالم العلوی والسفلی ولها من
الانسان وبنخر الانف الیمنی ولها من الفلک برج
واحد وهو الاسد ونسبته من الانسان راس القلب
الذی هو سلطان البدن وبه صلاحه وفساده و
کوکب السماء الثالثة الزهرة وهی سعد ولها من

الرا

الانسان العين اليسرى ولهما من الفلك برجان الميزان
والثور فنسبة الميزان الثديان ونسبة الثور الانثيان
وكوكب السماء الثانية عطارد وهو متزج وله من الانسان
الفم وله من الفلك برجان الجوزاء والسنبلة فنسبة الجوزا من
الانسان اليدان ونسبة السنبلة الظهر وكوكب سماء الدنيا
القمر وهو سعد وله من الانسان نخر الانف اليسرى وله من
الفلك برج واحد وهو سرطان ونسبة من الانسان الرأس
فانه سعد وله من الانسان الرأس واما الذنب فانه نحس
وانه من الانسان العجز فاذا اردت العمل بالنظر الى ذلك
فاعلم ان عطارد ينبوع الحكمة ومعدن دقائق العلوم المهمة
وسريع الحركات الى كل رتبة وهو كاتب الشمس التى
هى ملك الفلك وسلطان الوجود وبها صلاح العالمين
فهى موضع الاسرار ونسبتها القلب الذى هو موضع الارادة
والاضمار فاذا اردت كشف ما ذكرناه اولا ليقوى الدليلين
الاولين او احدهما ليكون ثلثة ادلة اقوى من دليلين اذ
دليلين اقوى من دليل واحد فانظر الى يدى الانسان
اللتين تتحركان بما فى ضمير قلبه فان الانسان لا يخلو من

حرکات یدیه اما الی نفسه واما الی شیء اخر فان وضع
یدیه او احدیهما الی عضو من اعضاء نفسه او علی
عضو انسان اخر فانظر ذلک العضو ان کان لکوکب
سعد فان الحاجة مقضیة والعزم علیهما صالح وان کان
نحسا فبهما العکس وکذلک ما اضمرت علیه فی احد الامرین
المتکلمین فان اتفقت الثلاثة الاولة کان اظهر برهانا
واعظم تبیانا وانجح لقضاء الحاجة بالعزم او الترک وان کان
اثنان کان اغلب من الواحد فاحکم بهما فیما ترجح عندک فخبه
سر بدیع ومعین رفیع معمول به مجرب صحیح واما النظر الی
سائر الاعمال والافعال فانظر الی ذلک الفعل فان کان خیرا
او طاعة فانه سعد محمود وان کان شرا او معصیة فهو مذموم
واما الاقوال فسماع داع یا سعد او یا مسعود او یا صالح او
یا عبد الله او یا محمد او نحو ذلک او تکلم بکلام حسن مما لا
یکره لفظه فرد محمود خصوصا ان وافق المعنی المراد وان کان
بالعکس فهو زاجر مذموم واما الاحوال فحالة الفرحان
والسرور ونحو ذلک محمودة وحالة الغضبان والحزن و
المکروب وحالة الانفعال ونحو ذلک مکروهة وکل من

فمن

قبل الیک نظرت فی اقبالہ فانکان بخیر فہو محمود وانکان
بالعکس فہو مذموم واما المدبر عنك فانہ مذموم اللّٰہم
الا ان یکون الناظر محزونا او مہموما فان ذلك دلیل
علی تفریج الہم وما لعکس فی افعالہ واقوالہ وجمیع احوالہ
مما ادرکہ السمع والبصر ونطق بہ الفال وادرکہ العقل
فاحکم بما اودع اللّٰہ سبحانہ وتعالی فیہ من داع الی
ما فی الضمیر او زاجر عنہ فہو علم غامض وروح المعانی
فاعمل بہ فہو صحیح مجرب انتہی ہذا الجدول المبارك
وما بعدہ بحمد اللّٰہ فلیعلم کل مطلع علی ذلك الجدول
عند اجراء العمل بما فیہ انہ اذا وجد حرفا ناقصا من
ای صحیفة کانت بالجدول بالنسبة الی الآیة المکتوبة
علی الہامش عند اخذ الفال وجمع الحروف بان
یکون فی اول آیة ولم یکن مندرجا بالجدول سواء
کان فی اولہا او فی اخرہا او یکون فی الآیة کلمة زائدة
عن الحروف الموسومة فی الصحیفة لاجل الاستکمال الآیة
الشریفة ولم یکن تحریفا ولا اخلال فی رسم الحروف

وهي كما رسمها المؤلف رضي الله عنه والرضاه وجعل الجنة
مثواه ونفعنا به والمسلمين والحمد لله على التمام وصلى على محمد وآله

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على
اشرف المرسلين سيدنا محمد وعلى آله وصحبه اجمعين
اما بعد فهذا جدول عظيم نفعه جليل جسيم يشمل
على قرعة لطيفة محتوية على آيات شريفة لاستخراج الفال
والضمير للشيخ الاكبر والاستاد الافخم سيدى محى الدين
ابن العربي قدس الله سره وافاض علينا بره وكيفية استخراج
الفال منه ان تذكر في ضميرك الشيء التي انت قاصدها
وتقرء سورة الاخلاص ثلثا وفاتحة الكتاب مرة وتهدى
ثوابها لحضرة النبي صلعم وتقرء الفاتحة ايضا وتهدى
ثوابها الى روح المؤلف ثم تغمض عينك وتضع اصبعك
السبابة في الصحيفة التي تريد اخذ الفال منها ثم تعلم
على الحروف الذى وضعت عليه اصبعك ثم تقدم

الحروف

الحرف الذى بينه اربعة وتاخذ الحرف الخامس ثم تعد
بعده اربعة ايضاً وتاخذ الخامس وهكذا الى الاخر
ثم تاخذ بهذه الكيفية من اول الصحيفة الى ان تصل
الى الحرف الذى وضعت عليه اصبعك وتجعل ما اخذته
من اخر الصحيفة اخرا وما اخذته من اول الصحيفة اولا
تنظم آية كريمة مطابقة لمرادك وتستدل منها على
المقصود ان كان خيرا وغيره او ان كان يحصل او بعكسه
كما هو واضح فى بيانه وهذا امر عجيب وسر عظيم غريب
من الكرامات الدالة على كمال الشيخ رضى ونفعنا به
وبعلومه امين وهذه القرعة ثلاثة وعشرون صحيفة
كل صحيفة منها بغرض مخصوص وتشمل على خمس
ايات وكل اية منها اثنان وثلثون حرفا فيكون جملة
حروفها مائة وستين حرفا وعلى ذلك يكون بمقدار
الايات التى فى الصحفات مائة وخمسة عشر اية بثلاثة
الاف وستمائة وثمانين حرفا وها هى كما ترى والا
حاديث الوارده فى القرعة واسنعما لها اكثر من ان تحص
ونسئل الله التوفيق والهداية لاقوم طريق وقوع الامال ثم

هذا الفعل طيب امر ردي

ى	د	و	د	ه	ب	ا	ا	ا	م
ش	ن	ن	ص	د	ر	ت	ت	ب	ر
ه	ص	د	ر	ج	م	ب	ع	ع	ا
ر	ر	ه	ل	ت	ب	و	م	ى	ع
ه	ا	ا	م	ن	م	و	ل	ا	د
ب	ث	ى	ى	ا	ر	ت	ا	ق	ل
ح	ق	ل	د	ل	م	و	ه	ل	ه
ث	ا	د	د	ك	م	ف	ى	ن	ا
ن	ا	ف	و	ك	ه	ن	ل	ا	ل
و	ذ	ن	ه	ه	ر	ل	ى	ح	ب
ض	ك	ه	ر	ص	و	م	ت	ه	ى
ا	ن	د	م	ر	ن	ع	و	ه	ب
و	ن	ا	ح	م	ح	م	ا	د	ا
ق	ا	د	ا	ى	ا	ل	ا	ح	ع
ت	ا	ا	م	م	ل	م	ي	ى	ل
ه	و	د	ل	و	م	ر	ا	ا	ن

حرف اول
يبشرهم ربهم برحمة منه ورضوان
وجنات لهم [illegible] طيب

حرف ثاني
وان تصبروا وتتقوا فان ذلك من عزم
الامور طيب

حرف ثالث
وان تدعهم الى الهدى فلن يهتدوا
اذا ابدا ردي

حرف رابع
وجعلنا على ما تبين لكم [illegible]
ردي

حرف خامس
هم درجات عند الله
والله بصير بما يعملون

هذا الخبر صحيح ام كذب .

ا	ا	ن	ب	ق	ن	ن	ل	ل	ا
ه	ا	ك	ك	ل	ن	ل	ا	ذ	و
ا	ن	ل	ب	ا	ل	ى	ى	و	ك
ه	ن	و	ا	ن	و	ك	م	ب	ل
ا	ن	ا	ا	ك	ل	ب	ل	ل	ق
ق	و	ح	ح	ا	ص	ا	ق	ق	ل
ص	ب	ف	ل	ر	ا	ا	م	م	ب
ل	ى	ن	ا	ك	ح	ا	ش	ج	ا
ق	ت	ا	ا	ن	و	ن	ء	ء	ه
م	ا	ا	ه	ه	ا	و	ت	م	و
م	ا	غ	ف	ا	ن	س	ن	ه	ل
ا	ت	ا	م	ح	ل	ك	ل	ف	ك
ه	ب	ى	ى	ى	ا	ر	ر	ا	م
ل	و	ب	م	ا	ا	ا	ه	ر	ل
١٠	ع	م	م	ع	ل	ن	أ	ر	ل
ل	ه	ب	ى	ى	ه	ا	ا	ج	م

حرف اول الحق
ان هذا لهو القصص
وما من اله الا الله
صحيح

حرف ثاني
ان الذين كذبوا بآياتنا
واستكبروا عنها
كذب

حرف ثالث
ذلك اليوم الحق فمن
شاء اتخذ الى ربه مآبا
صحيح

حرف رابع
بل كذبوا بالحق لما جاءهم
فهم في امر مريج
كذب

حرف خامس
قالوا كذلك قال ربك
انه هو الحكيم العليم .

قرعة — ابن عربي

الزرع نافع ام لا

ك	ف	ل	ك	و	م	ا	ا	ل	ا
ت	خ	ت	و	ر	ر	ر	ق	ا	ر
ك	ج	ر	م	ق	و	ن	ب	ن	ا
ا	ا	ا	ث	ه	م	ب	ه	م	ل
ن	ه	ن	ر	ه	ج	ن	ه	ه	م
ن	ب	ا	ا	ن	ا	ا	ل	ن	ا
ت	ت	ش	ا	ل	و	ك	ج	ا	ث
ع	ل	ر	ث	م	ى	ش	ت	م	ر
و	ى	ف	ر	ا	ن	ء	ت	و	ت
و	ف	ك	ا	م	ز	أ	و	ت	ن
ر	خ	ن	و	أ	و	ر	ا	ا	م
ع	ج	م	ح	ن	و	ن	ن	ق	م
م	ا	آ	ه	ن	ق	م	ل	ى	ه
ا	ن	ظ	و	م	م	ه	ا	م	ب
ك	غ	ل	ح	ا	ر	ض	م	ص	ل
ى	ر	ى	ا	ل	م	ا	ن	د	ه

حرف اول
[illegible]
غير نافع

حرف ثاني
فاخرجنا به نبات كل شيء فاخرجنا منه خضرا
نافع

حرف ثالث
لا تقربا هذه الشجرة فتكونا من الظالمين
غير نافع

حرف رابع
كلوا من ثمره اذا اثمر وآتوا حقه يوم [illegible]
نافع

حرف خامس
وارزق اهله من الثمرات من آمن منهم بالله
نافع

حرف اول
وإذا غشيهم موج كالظلل
دعوا الله مخلصين
عجب نافع

حرف ثاني
ظهر الفساد في البر
والبحر بما كسبت أيدي الناس
غير نافع

حرف ثالث
فإذا ركبوا في الفلك دعوا
الله مخلصين له
نافع

حرف رابع
وإن نشأ نغرقهم فلا
صريخ لهم ولا هم ينقذون
نجم نافع

حرف خامس
ألم تر أن الفلك تجري
في البحر بنعمة الله
نافع

٥

بسفر البحر خير أم لا

و	ظ	ف	ا	ا	ا	ه	ا	ن	ل
ذ	ر	ن	ن	م	ا	ا	ا	ش	ت
غ	ل	ر	أ	ر	س	ف	ك	ن	أ
ى	س	ب	غ	ن	ه	ا	و	ر	ا
م	د	ا	ق	ل	م	ف	ف	ه	ف
و	ى	ى	م	ل	ج	ا	ا	ف	ك
ك	ل	ل	ل	ت	ا	ب	ف	ا	ج
ل	ر	ل	ص	ر	ط	و	ك	ر	ى
ل	ا	د	ى	ف	ل	ل	ع	خ	ى
د	ب	و	ل	ا	ع	ح	ا	ه	ل
و	ر	ا	م	ب	ا	ب	ل	و	ح
ا	م	ل	ل	ر	ل	أ	ه	ا	ب
ل	ك	م	ه	ن	ه	س	خ	م	ع
م	ب	ل	ى	م	غ	ت	ص	ن	ت
ل	ا	ى	ق	ا	ص	ى	ن	ذ	ل
ى	د	ى	و	ل	ن	ى	ه	ن	ه

قرعه ٦ ابن عربى

سفر البر نافع املا

و	ر	ر	و	ق	ت	ف	ل	ه	ل
ح	ض	ا	د	س	م	ل	ت	و	ى
ل	ا	ص	ا	ر	أ	ل	ع	ا	و
ث	ل	ر	ل	ا	ق	ه	خ	ى	ق
ا	ا	د	ا	ى	ل	ل	ك	ل	ا
ك	م	ل	ط	ل	م	ج	ل	ى	أ
ا	ا	ن	ب	ر	ل	ه	ا	م	ض
ى	د	س	ن	ف	ب	ى	و	ا	ا
ل	ن	ل	ل	ن	د	ع	ا	ق	ظ
ل	ل	ت	و	ر	م	ى	م	ل	و
ت	ا	ش	و	ا	ك	ل	ف	ه	ك
و	ق	ى	د	ى	ن	ا	ا	ر	ف
و	ع	ل	ا	ب	ا	د	ا	ا	د
ب	ى	ر	ل	ا	ا	ن	ض	ى	ا
ل	ا	م	ص	ل	غ	ج	ر	ر	خ
ى	د	ح	ا	ل	ه	ا	ا	ط	ح

حرف اول
وتحمل اثقالكم الى بلد لم تكونوا بالغيه نفع

حرف ثانى
وفضل الله المجاهدين على القاعدين اجرا عظيما نافع

حرف ثالث
ولا تصعر خدك للناس ولا تمش فى الارض مرحا غير نافع

حرف رابع
وهدوا الى الطيب من القول وهدوا الى صراط نافع

حرف خامس
قل سيروا فى الارض فانظروا كيف بدء الخلق نافع

٧

سفر الحج مناسب امرلا

و	و	و	و	ی	م	ل	ا	ل	د
ن	ا	ن	ی	ع	ح	ت	ا	ن	و
ی	ل	ن	ص	ا	ث	ق	م	ر	ل
ع	و	ن	ن	م	ر	ا	ا	ا	ن
ج	ب	ل	ل	ض	ث	أ	ل	ل	ر
ن	ی	ه	ه	ه	و	د	و	م	أ
ل	ی	ر	ن	ف	و	ك	س	ی	ر
ج	م	و	ن	ب	ه	ا	ل	ص	م
ك	ل	ه	ر	ن	ش	ی	ا	ه	ن
ط	ا	ل	ا	ف	ر	ل	ی	ن	ع
ا	ت	ا	ا	ه	ل	ه	ل	ل	ل
م	ل	ن	ل	ب	س	ك	ا	ه	ی
ج	ت	س	ل	ء	د	و	ی	ق	س
ا	أ	و	و	ا	ل	ح	م	ی	ل
ح	س	ا	ع	م	ر	ن	ل	ن	و
ا	و	ح	ی	ل	م	ا	ج	ز	ی

حرف اول
ومن حيث خرجت فول وجهك شطر المسجد الحرام
تب

حرف ثانی
ولا تلقوا بايديكم الى التهلكة واحسنوا

حرف ثالث
واذان من الله ورسوله الى الناس يوم الحج
تب

حرف رابع
ولينصرن الله من ينصره ان الله لقوی عزيز
تب

حرف خامس
يدعوا لمن ضره اقرب من نفعه لبئس المولى

قرعة ٨ ابن عربي

هل يصير حرب او صلح

و	و	ى	ق	ا	ا	أ	ا	ل	ن
ن	ص	أ	ا	ف	ى	ل	ى	ص	ر
ك	ح	ه	ل	و	ن	و	ا	ا	ا
م	ا	ا	ح	خ	ن	ن	ل	ل	ف
ك	ا	ن	ه	ا	م	ت	ب	م	ف
ا	ب	ى	خ	ا	ل	ى	ح	ى	و
ف	ن	ر	ر	ت	ى	ك	ض	و	ق
غ	م	ا	ا	ا	ل	و	ل	ن	ل
ب	أ	م	ت	ا	و	ط	و	خ	و
ا	ى	ء	ا	ج	أ	ع	م	ل	ا
ل	و	ن	ط	ه	ف	ا	ى	و	د
ى	ا	ن	ه	و	ن	ل	ع	م	ا
ب	ل	ل	ف	ب	ا	ه	ى	ا	أ
ن	و	ا	خ	م	ن	ر	ل	و	و
ا	س	ف	ا	ا	ل	و	ت	ن	ل
ل	ل	ا	ك	ك	ه	ه	ل	م	م

وز اول
وان يكن منكم الف يغلبوا الفين باذن الله
وب

وز ثاني
واصلحوا ذات بينكم واطيعوا الله ورسوله
صدق

وز ثالث
يا ايها النبي حرض المؤمنين على القتال
وب

وز رابع
قل اصلاح لهم خير وان تخالطوهم فاخوانكم
صدق

وز خامس
انفروا خفافا وثقالا وجاهدوا باموالكم في سبيل الله
وب

النهاية

حرف اول
ولا تكتموا الشهادة ومن
يكتمها فانه آثم قلبه

حرف ثاني
لكن الله يشهد بما انزل
اليك انزله بعلمه

حرف ثالث
وكفى بالله شهيدا محمد
رسول الله والذين

حرف رابع
وارسلناك للناس رسولا
وكفى بالله شهيدا

حرف خامس
عالم الغيب والشهادة
هو الحكيم الخبير

٩

الشهادة فيهذا الامرخيرامرلا

و	ل	و	و	ع	ل	ك	ك	ا	ا
ا	ن	ف	ر	ل	ت	ا	ى	س	م
ك	ل	ب	ل	ا	ث	ل	ا	ن	ل
م	ه	ل	ا	غ	و	ى	ل	ك	ى
ا	س	ه	ل	ب	ا	ه	ش	ل	و
ل	د	ه	ن	ا	ش	ب	ى	ا	ل
ه	م	د	س	ش	ا	ا	ا	ر	ه
د	أ	م	س	ا	ث	ن	ح	و	د
و	ن	م	ل	ث	م	ل	د	ا	و
ن	ا	ر	و	ه	ى	ل	س	ك	و
ك	ى	و	ف	ا	ت	ك	ل	ى	ل
م	ا	ا	ب	ح	ه	ن	ل	ا	ك
ا	ن	ل	ل	ى	ف	ل	ه	ل	م
ا	ه	و	ه	ا	ن	ب	ا	ش	ل
ه	ع	ل	ه	خ	أ	ل	ذ	ى	ب
ث	م	ى	د	ى	م	ه	ن	ا	ر

قوله ١٠ ابن عربي

عقد النكاح خير امرلا

ف	ى	ن	و	و	ا	س	ى	ل	ل
ع	ت	ن	ا	ا	ت	ف	ل	ج	ت
ن	ت	ل	ن	ع	ل	و	ف	ا	ك
و	ن	ا	ح	م	ا	ك	س	ع	و
ا	ف	ح	ل	ا	ل	ى	ب	ى	ع
ن	ا	ا	ك	ق	س	ل	ل	م	د
ا	ن	ش	أ	ت	ء	س	ه	ن	ا
ن	ا	و	ت	ل	ى	ء	ا	ن	ن
ا	ن	ت	ك	ك	ل	ل	م	ح	ا
م	ا	ن	و	ح	ح	ل	ا	ه	ح
ى	ل	ل	ن	ت	ض	ه	ن	ا	ى
و	ى	س	ن	ى	ل	ف	ا	ا	ب
ا	ت	ء	أ	ل	ت	ى	و	ت	غ
ق	ك	ا	ى	ا	ر	م	ل	ت	ل
ب	ن	ن	م	ك	و	ى	ن	و	ت
ه	ه	ى	ه	ا	ن	ن	ن	ن	ب

وفق اول
فاعتزلوا النساء في المحيض ولا تقربوهن غير نافع

وفق ثاني
ويستفتونك في النساء قل الله يفتيكم فيهن نافع

وفق ثالث
زين للناس حب الشهوات من النساء والبنين نافع

وفق رابع
ولا جناح عليكم ان تنكحوهن اذا اتيتموهن نافع

وفق خامس
ولا تعزموا عقدة النكاح حتى يبلغ الكتاب اجله غير نافع

الحفظ

١١

هل تحفظ الامانة ام لا

ن	و	ف	و	ا	م	أ	ل	م	ن
ى	خ	م	ن	ت	ر	ا	ا	أ	ا
أ	ف	ك	ه	ء	ه	أ	ل	ل	م
ل	ن	م	ا	ن	ن	ى	ه	ل	ه
ا	أ	ق	ك	ب	و	ك	ا	ت	د
ن	ل	ل	ا	ى	ح	ه	ا	ب	ن
ق	ا	ن	م	ا	ظ	ل	ك	ن	ر
أ	ذ	ا	ا	ل	خ	ى	ل	ن	ا
ا	ء	ى	ت	ى	ن	ب	و	أ	ؤ
ا	و	م	م	د	و	أ	ل	ن	ه
ن	ن	د	ه	ا	ز	ت	ى	ب	ل
د	م	ن	ق	ى	ا	ع	ا	ن	ك
د	ن	م	ط	ا	ك	ه	ك	ا	ل
ى	ع	ى	ر	ا	ل	ا	ن	ى	م
ب	ف	أ	و	ا	ح	ل	م	ء	د
ى	و	ى	د	م	ر	ن	ن	ه	ت

حرف اول
ونمير اهلنا ونحفظ اخانا
ونزداد كيل بعير
تحفظ

حرف ثاني
واخطالان يا كلمة التي تبع و
انتم عنها غافلون
لا تحفظ

حرف ثالث
فلما كلمه قال انك اليوم
لدينا مكين امين
تحفظ

حرف رابع
ومن اهل الكتاب من ان
تامنه بقنطار يؤده
تحفظ

حرف خامس
ان تامنه بدينار لا يؤده
اليك الا ما دمت
لا تحفظ

١٦ ىا دا و دان اج

٣٨٦

حرف أول
له الملك والذين تدعون
من دونه ما يملكون
لتحصيل المراد

قرعه — ١٢ — ابن عربي

لطلب المناصب العالية وسائر المرادات

ل	ف	و	ى	ى	ه	ل	ى	ا	أ
ا	ا	س	ف	م	ك	ل	ت	ا	ر
م	ل	غ	و	ب	ل	ه	ل	د	ا
ك	م	ف	ا	ل	و	م	ن	ن	ع
ا	ا	ب	ا	د	ل	ل	ى	ج	ل
د	ك	ق	ع	و	ى	ا	و	ل	ا
م	ل	م	ق	ل	ت	م	ا	ا	ا
د	ل	غ	ك	ح	ع	ك	ى	خ	س
و	ت	ر	ل	ا	ن	و	ك	ى	ن
م	ء	م	ف	و	ن	ت	و	ت	ا
د	ى	ل	ف	ى	و	ا	ا	ى	ت
ن	ل	ت	ا	ا	ه	م	ض	ل	ء
م	ل	ر	أ	د	ا	ك	و	ر	ى
ى	م	ن	ض	ا	م	ن	ه	ت	ل
ل	ت	ش	ا	ق	ك	ش	ى	ح	ر
و	ا	ا	ك	ب	ن	ء	ء	م	ى

حرف ثاني
قل اللهم مالك الملك
تؤتي الملك من تشاء
تحصيل المراد

حرف ثالث
[illegible]
للبصر

حرف رابع
يا داود إنا جعلناك
خليفة في الأرض فاحكم
يحصل المراد

حرف خامس
يأمر بالعدل والإحسان
وإيتاء ذي القربى
يحصل المراد

اربع

هل يبيع ويشتري ام لا

ق	ف	ا	ا	ف	د	ك	ل	ن	ن
خ	ل	ل	م	ا	س	و	ه	ا	ق
ر	ا	ى	ع	ت	ر	م	ب	ط	و
ا	م	س	ع	ب	ا	ا	ط	م	ا
ن	غ	ا	ك	ل	ف	ن	ل	م	أ
س	م	ر	ل	بم	ه	ت	ز	و	ر
م	م	ق	ج	ه	و	ح	ل	ه	ا
ض	ل	م	ا	و	ل	ا	ن	ل	ك
ع	ل	ى	ل	ا	ن	ا	ش	ه	ن
ه	ط	ا	ل	ع	م	ى	ء	ا	ا
م	ب	م	ن	ق	ا	ا	ن	ر	ب
ك	و	ع	ى	ت	ا	ا	ب	د	أ
ن	ت	ا	م	م	و	ق	د	ن	ر
ا	و	ه	ك	ح	ى	ا	و	م	ا
ق	ا	ى	ج	خ	ت	ل	ق	ز	س
ر	ل	د	ا	د	و	ه	ر	ء	ا

حرف اول وضل عنهم
قد خسروا انفسهم و
ما كانوا يفترون
نحس نافع

حرف ثاني
فكلوا مما غنمتم حلالا
طيبا واتقوا الله
نافع

حرف ثالث
الله يبسط الرزق لمن
يشاء من عباده ويقدر
نافع

حرف رابع
انما نطعمكم لوجه الله
لا نريد منكم جزاء
نافع

حرف خامس
فذاقت وبال امرها وكان
عاقبة امرها خسرا
نحس نافع

قرعه ١٤ ابن عربي

المحبوس يتخلص ام لا

ا	ف	ل	ف	و	ن	ا	ى	ل	ل
ا	س	ء	م	ق	ل	ت	ن	ا	د
أ	ج	أ	ج	ن	غ	ب	ن	ا	ج
ل	ن	ج	ء	ى	ا	ا	ى	أ	ن
ل	ل	ث	م	ا	ف	ه	ن	ر	ب
ى	و	ا	ن	ن	ا	ن	م	ا	ى
ع	ج	ن	ن	ا	ن	ى	ه	ج	س
ا	ن	ن	ى	ر	ف	ا	ه	ن	ا
ه	ه	ل	ا	ئ	م	م	ن	ص	ل
و	ن	ن	ا	م	ا	ا	و	ل	ن
ل	ل	ن	ح	ا	س	غ	ن	ا	ل
ل	م	م	و	ع	ا	و	ن	ا	ن
س	ك	ا	ل	ا	ل	ن	ل	ن	ب
ى	ل	ش	ى	ا	س	ك	ا	ن	ل
ح	ن	ك	أ	م	ب	ن	ر	م	ه
د	ج	ى	ن	ى	ن	ى	ن	و	ن

ورد اول
اذ الاغلال في اعناقهم والسلاسل يسحبون
لا يخلص

حرف ثاني
فاستجبنا له ونجيناه من الغم وكذلك ننجي المؤمنين
يخلص

حرف ثالث
لئن انجيتنا من هذه لنكونن من الشاكرين
يخلص

حرف رابع
فلما جاء امرنا نجينا صالحا والذين آمنوا معه
يخلص

حرف خامس
ولقد نجينا بني اسرائيل من العذاب المهين
يخلص

www.telasm.com

حرف اول ان كان
واتقين اثنان اثنان
على كل شيء شهيدا
تتزوج

حرف ثانى
وازواج مطهرة ورضوان
من الله والله بصير
تتزوج

حرف ثالث
وللنساء نصيب مما
اكتسبن وسئلوا الله
تتزوج

حرف رابع
وقرن في بيوتكن ولا
تبرجن تبرج الجاهلية
لا تتزوج

حرف خامس
لهم فيها ازواج مطهرة
وندخلهم ظلا ظليلا
تتزوج

١٥

هذه المرئة تتزوج ام لا

و	و	و	و	ل	ل	ا	ل	ق	ه
ت	ن	ن	ر	م	ق	و	ن	ن	ف
ى	ا	س	ف	ى	ن	ج	ا	ى	ح
ا	م	ء	ب	ا	ل	ط	ن	ى	ا
ل	ه	ص	و	ن	ه	ر	ى	ت	و
ا	ت	ب	ك	ا	ن	و	م	ن	ج
ا	ن	م	و	م	ل	ض	ا	ل	ط
ل	و	ا	ا	ه	ه	ا	ك	ت	ر
ك	ن	ت	ب	ت	ا	م	س	ر	و
ن	ن	ب	ج	ن	ع	ا	ن	ن	د
ل	ل	و	ت	غ	ى	ل	ا	ب	ل
ك	ه	س	ر	ه	ل	و	ى	ج	م
ش	ا	ء	ا	ظ	ى	ل	ل	ل	ل
ء	ل	و	ج	ا	ش	ه	ا	ا	ظ
ه	ب	ا	ه	ل	ى	ص	ل	ل	ى
د	ى	ل	ى	ل	ا	ر	ه	ت	ا

قرعه　　ءا　　ابن عربي

المسافر يجئ ام يبطئ

و	ا	و	و	د	و	و	ج	ل	ن
خ	ع	ا	ا	ا	ل	ل	ء	ت	د
ا	ى	م	ى	ى	ل	س	ن	أ	ن
م	ف	أ	س	ا	د	ر	ف	و	ه
ى	ف	ص	ا	م	ن	ع	ى	م	ن
ت	د	ا	ن	ج	ع	ن	ل	ز	ا
ل	م	م	و	ن	ى	ن	د	ح	ب
ح	أ	ى	ا	ا	ى	ى	ن	ل	ل
ن	ا	ت	ل	ط	غ	م	ر	ه	و
ف	ا	ج	ا	ر	ل	غ	ل	ن	ا
ث	ر	ى	ى	ل	م	ى	س	ل	أ
ن	ر	ع	ا	ى	أ	ى	ى	ى	م
ه	د	ق	ى	ن	ل	ا	ا	ئ	و
ه	ل	ل	س	ق	ا	ل	ى	م	ر
ف	ه	ا	ن	ب	و	ب	ف	ر	ن
ج	ك	ر	و	ا	د	م	مه	ح	ه

ع ١
ودخل المدينة على حين غفلة
من اهلها فوجد
بجى زبو

حرف ثانى
او على سفر فعدة
من ايام اخر يريد الله بكم
يبطئ

م ٣
وجاء من اقصى المدينة
رجل يسعى قال يا قوم
يجى سريعا

ح ٤
ولا تيأسوا من روح الله
انه لا ييأس من روح الله
يبطئ

ع ٥
وناديناه من جانب الطور
الايمن وقربناه
يجى سريعا

[illegible]

عاقبة هذا الامر خير ام لا

ا	ر	ه	ه	ل	ف	و	و	ل	ك
و	ق	و	ا	ا	ل	ر	د	م	م
ب	ا	ا	ب	ر	ا	ن	ا	ل	ا
ر	م	ى	ر	د	ش	ه	ل	ش	ا
ا	ن	ل	ف	ا	ن	م	ا	ى	و
ب	ل	ى	ا	ن	ك	ا	ط	ى	أ
ل	ى	م	ح	خ	ا	ط	ب	ل	ى
ق	ا	ا	ا	ج	ح	ب	ت	ى	ر
ل	و	ق	٣	ا	ف	ت	ل	ث	و
ت	ض	ل	د	ن	ا	ف	و	ل	م
ن	ن	ه	ى	ا	ك	ل	و	ن	ه
ن	ه	ل	ب	ن	م	ا	د	ا	م
ل	ع	ا	ى	م	ا	م	ا	ف	غ
ا	ى	ى	ل	ع	ت	ل	ل	ا	أ
ط	ث	ر	خ	د	ن	ك	ص	أ	ى
ن	ر	ط	ت	ا	ى	ى	ا	ر	و

كلما ارادوا ان يخرجوا منها من غم اعيدوا
لا خير فيه

لهم الخزي في الدنيا وفي الاخرة
فيه خير

وهدوا الى الطيب من القول وهدوا الى صراط
فيه خير

وفضلناهم على كثير
فيه خير

قالوا بشرناك بالحق فلا تكن من القانطين
فيه خير

في معرفة الغالب والمغلوب

ى	م	م	م	ق	ه	ن	و	ك	ل
د	ا	ا	ن	ن	ن	ا	ا	م	د
م	ت	ن	ئ	ر	لا	س	ل	ف	ص
و	ا	ر	ق	م	ق	ط	ص	ت	ك
ا	و	ل	ى	ل	ت	ع	ا	ل	ا
ى	م	م	ت	ه	ل	ا	ا	ل	ل
و	ق	ع	ل	ى	ن	ن	ن	غ	ف
ك	ا	د	ت	و	ت	ى	ن	ب	م
و	و	ل	ئ	ط	م	م	ا	ن	ا
ا	ا	ه	ك	ك	ل	م	ل	ت	ن
ت	ا	ل	ى	ى	ت	ك	ا	ث	ت
ل	و	ن	ت	ت	و	ن	ع	ر	ر
ا	م	ن	ا	ى	و	ا	ى	ب	و
د	ت	ل	ن	م	م	ن	ا	ن	و
ر	ر	ك	ل	ن	ب	ص	ح	ا	ح
ن	ن	م	م	ه	ن	ى	ى	ل	ى

١٢ لقد نصركم الله في مواطن كثيرة ويوم حنين
غالب

٢٤ كم من فئة قليلة غلبت فئة كثيرة بإذن الله
غالب

٢٠ وما النصر إلا من عند الله العزيز الحكيم
غالب

٢٠ فما استطاعوا من قيام وما كانوا منتصرين
مغلوب

٥٥ ويزدكم قوة إلى قوتكم ولا تتولوا مجرمين
غالب

عدة لفنى

م١ ولا يجدون لهم من دون الله وليا ولا نصيرا

م٢ قالوا بشرناك بالحق فلا تكن من القانطين

م٣ الذي يبدأ الخلق ثم يعيده وهو اهون عليه

م٤ فكسونا العظام لحما ثم انشأناه خلقا آخر

م٥ فاصبر ان وعد الله حق واستغفر لذنبك وسبح

١٩

هذه النفس حاملة ام لا

و	لق	ا	ن	ف	لم	ا	ل	ك	ا
ا	ل	ن	س	ص	ى	و	ى	و	ب
ج	ا	ى	ن	ر	د	ب	ب	ا	ا
و	ش	د	ا	ن	ن	ر	و	ل	و
ل	ن	ء	غ	ع	ه	ا	ا	ط	د
م	ك	ل	ا	ا	م	ب	خ	م	ل
ن	ا	ل	ل	ل	د	ل	ق	ح	ه
و	ح	ث	م	ج	ن	ق	م	ا	ق
ا	ن	ى	ث	و	ل	ل	ع	م	ا
ل	ا	ى	ا	س	ه	ت	د	ن	ت
و	له	ه	ش	غ	ل	ن	و	ء	ق
ى	م	ه	ن	ر	ا	ن	و	ا	ل
و	ا	أ	ه	ن	ل	ل	ه	غ	ن
ا	ف	و	ل	ب	ن	ا	ن	ق	ك
ص	ن	ع	ا	و	ى	ط	ل	أ	س
ر	ى	ى	خ	ب	ا	ن	ه	ر	ح

فرعه ٢ ابن عربی

الجنین ذکر ام انثی

ا	ا	ر	و	ب	ن	ت	ب	ا	ش
ا	ى	ه	ل	ر	ل	س	ب	ل	ن
ل	م	ل	ه	ا	ه	ى	ى	أ	ه
ى	ت	م	ع	ب	ب	ه	ن	ل	ا
ش ا	ا	ا	م	س	ر	م	ل	ب	ح
ك	ر	ص	م	ا	ب	ى	ا	ا	ق
ى	م	ل	و	ن	ح	و	ح	ض	ب
ى	ا	ى	ع	ى	ى	ن	ن	ت	ا
م	ى	ف	و	م	ص	أ	ب	ل	ن
د	ع	ش	ى	ا	ق	ى	ر	س	ل
ا	ذ	ن	ا	ص	ب	ه	ا	ل	ا
ك	ا	ه	ذ	ل	ل	ب	ب	ك	ع
م	ك	غ	ر	ى	ت	و	ل	ك	ن
م	ذ	ل	ا	و	ن	ر	م	ل	ب
ا	ى	ح	أ	ا	ل	ت	ل	ن	ر
ل	ه	ى	ث	ك	ه	ا	م	ى	ن

نعیم

حرف اول
ان الله یبشرك بیحیی مصدقا بکلمة من الله
ذکر

حرف ثانی
وانی سمیتها مریم وانی اعیذها بك وذریتها
انثی

حرف ثالث
رب هب لی من الصالحین فبشرناه بغلام حلیم
ذکر

حرف رابع
ولیس
وانسا علمنا باضعف [illegible]
الذکر کالانثی
انثی

حرف خامس
وبشرناه باسحق نبیا من
الصالحین وبارکنا
ذکر

٢١

تعبير المنام خير ام لا

ى	و	و	ه	ر	ا	م	ى	د	ب
ب	ا	ت	ا	ق	ن	ج	م	ت	د
ى	ع	ن	أ	أ	ل	ل	ع	و	ت
ا	ن	م	ى	ى	ت	ا	ت	ل	ت
ق	ا	ه	ر	ن	ص	ل	ع	و	ى
ص	ر	ل	ء	م	ر	و	ى	ى	ن
و	ء	ك	ا	ا	ء	ى	و	ى	ل
ى	ا	ع	م	م	ا	ا	ل	ن	ل
ك	ل	ى	ق	ك	ع	ت	أ	ب	و
ل	ى	ل	ل	ع	ى	ا	ى	ق	ل
ا	و	ع	د	م	خ	ى	ق	ج	ت
و	ن	و	ع	ن	ت	ا	ب	ل	ى
ك	ك	ك	ه	م	ف	ا	م	ا	ن
ى	ل	ا	ر	ت	ك	ا	أ	ب	ا
ى	ف	ت	ى	ء	د	ت	م	ح	و
و	ن	ه	ف	ى	ا	ت	ا	ا	ل

حرف اول
يا بني لا تقصص رؤياك على اخوتك فيكيدوا لك كيدا
لا خير فيه

حرف ثاني
وما جعلنا الرؤيا التي اريناك الا فتنة
لا خير فيه

حرف ثالث
ويتم نعمته عليك وعلى آل يعقوب كما اتمها
فيه خير

حرف رابع
هذا تاويل رؤياي من قبل قد جعلها ربي حقا
فيه خير

حرف خامس
رب قد آتيتني من الملك وعلمتني من تاويل الاحاديث
فيه خير

٣٢٦

مستوى الحيوانات نافع كامرا

ا	ا	ا	و	س	ل	ل	ن	ش	ب
خ	أ	ش	ر	ح	ى	ن	ر	و	ا
ل	ع	ا	ه	ن	و	ا	ل	ب	ا
ا	م	د	ث	ل	ل	و	و	م	د
ب	ا	ا	ن	ى	غ	ل	ب	ب	س
ا	م	ع	غ	خ	ل	ر	ن	س	ر
و	ث	د	د	ل	ا	ذ	ا	ر	ن
ل	ل	ل	ا	ا	ح	ك	ل	ه	ه
م	م	ه	م	ذ	ى	ت	ا	م	ا
ر	ا	ل	ع	و	ل	ع	ص	د	م
ت	ا	م	و	ا	ر	ل	ا	د	ك
ك	ح	ل	ت	ن	ب	ى	ب	و	ا
و	ا	ك	ك	ل	ه	ت	م	ا	ه
ا	ا	ا	ن	٥م	و	ل	ل	و	ف
ن	ر	ن	ا	ر	ى	ن	ى	ف	ن
ن	ى	ن	ى	ى	ت	ا	ل	ه	ن

حرف اول
والخيل والبغال والحمير لتركبوها
نافع

حرف ثاني
الحيوة الدنيا
نافع

حرف ثالث
ان شر الدواب عند الله الصم البكم الذين
غير نافع

حرف رابع
معدودة
غير نافع

حرف خامس
سبحان الذي سخر لنا هذا وما كنا له مقرنين
نافع

٤٢٦

[illegible]

ا	ا	ا	ع	ل	ل	ن	ن	م	ا
ع	ث	ا	ن	ث	ج	أ	ل	أ	ا
ج	م	ل	ه	ه	ق	ن	ه	ل	لا
ى	ه	ه	ا	ل	خ	ب	و	ل	ع
ا	ى	ا	لا	ا	ل	ج	ل	ث	ا
ل	ن	ث	ا	ل	ه	ا	ج	ب	ى
ق	ى	ف	م	ب	ب	ل	ا	ن	ا
خ	ا	ق	ا	ا	ا	ج	ث	ن	خ
و	ى	ى	ث	و	س	د	ا	ا	ا
ش	ى	ى	م	ث	ا	ه	ا	ن	ا
ش	ا	ل	ه	م	ج	ل	ى	ب	خ
س	ج	ج	س	ا	ا	لا	ن	ن	ق
ق	ا	ه	ط	ش	ش	ل	م	ا	ش
ه	ا	ه	ى	ى	ل	ر	و	ج	ا
ه	ا	س	ع	ث	ع	ى	ن	ه	ث
ل	ى	ع	ى	ع	ه	ث	ن	ه	ا

[illegible]

الغرض والذي يتحصل أمراً

ا	ا	ا	و	ل	ل	ن	ن	م	ا
ن	ت	ا	ن	ت	ى	أ	ل	أ	ا
ى	م	ل	ه	ء	ق	ن	ه	ل	ك
ر	ه	ه	ا	ل	ض	ب	ع	ل	و
ا	د	أ	ك	ا	ل	ى	ل	ت	ا
ل	ن	ن	ا	ل	ه	ا	ى	ب	ر
ق	ر	ن	م	ب	ي	ل	ا	ن	ا
ض	ا	ت	ا	ا	ا	ى	ت	ن	ض
ح	و	و	ت	ع	س	ء	ا	ا	ا
ن	د	و	م	ف	ا	ه	ا	ن	ا
ف	ا	ل	ه	م	ى	ل	ذ	ب	ض
ض	ى	ى	ت	ا	ا	ك	ن	ن	ع
ع	ا	ه	ط	ف	ف	ل	م	ا	ت
ه	ا	ه	ر	و	ل	م	ح	ى	ا
ه	ا	س	و	ت	و	د	ن	ء	ق
ل	م	و	د	و	ه	ت	ن	ه	ا

حرف ثاني
ان تأمنه بدينار لا يؤده اليك الا ما دمت ... بجعفر

حرف ثالث
ان الله مع الذين اتقوا والذين هم محسنون بجعفر

حرف رابع
ومن اهل الكتاب من ان تأمنه بقنطار يؤده ... بجعفر

حرف خامس
لا تأكلوا الربوا اضعافا مضاعفة ... اتقوا ... بجعفر

نصرني

فصل از جمله ختمهای مجرب معتبر که انشاء الله تخلف ندارد ختم سوره مبارکهٔ الحمد است و آن چند طریقه است و طریقهٔ اولی اشهر است و طریقه اش اینست که از روز جمعه افتتاح و ابتدا کنند و ابتدا کنند و چهل یکروز هر روز چهل یکمرتبه بلا فاصله بخوانند و اگر یکروز فوت شود از سر گیرد و ابعد از اتمام و عدد هر روز اسین عدد را سیزده بار بخوانند یا مفتح فتح یا مفرج فرج یا مسبب سبب یا میسر یسر یا مسهل سهل یا متمم تمم و حسبنا الله و نعم الوکیل و منقولست که هر که این ختم را با ترتیل و شرایط قرائت بخواند و یکروز در این مدت مزبوره فوت نکند و در اثناء قرائت این مزبوره حرف نزند و مراعات حضور قلب و تقوی را بکنند و در این چهل یکروز پیرامون مناهی و معاصی نگردد اسباب دنیوی و فتح مهمات او بر تمیز میرسد که از ضبط کردن او در زحمت باشد بمرتبتی که مجرب است و در بعضی

از نسخ بجای سیزده مرتبه دعا یکمرتبه هم وارد شده و در نسخه نزهة القلوب این ختم را بهمین نحو نوشته بود که ولکن در آن نسخه نوشته بود که این ختم مبارک را از برای حاجت از حوائج دینویه که رضای جناب اقدس الهی در آن باشد و نامشروع نباشد از مجربات است و تخلف ندارد و در نسخه دیگر چنین بنظر رسید؛ که ختم سوره فاتحة الکتاب باین طریق بجهة حصول مطالب مجربست و طریقش باین نوعست که هر روز چهل یکمرتبه تا چهل یکبار بخواند و بعد از چهل یکنوبت بیست دیگبار بخواند یا مُفتح فتح یا مفرّج فرج یا مُسبب سبب یا مسهل سهّل یا متمّم تمّم و در نسخه معتبره دیدیم که نوشته بودند که هر روز بعد از اتمام قرائت چهل و یکنوبت بخواند یا مفرّج فرّج یا مفتح فتّح یا مسبب سبّب یا مسهل سهّل یا متمم تمّم را صحیح نسخه اولست

تم بعون الملک الوهاب فی اول رجب المرجّب فی سنة ۱۴۱۲ ه بید الحقیر شیخ حبیب بن شیخ موسی بن شیخ نظر علی افشاری ارومیه ای

صفحه		فهرست مطالب کتاب
۲		مقدمه ۳۱۱
۳		مقدمه در فضیلت علم
=		فضیلت علم
٤		ختم آیه شریفه ومن یتق الله یجعل
=		=
٥		ذکر بیان دعای ثبات
۷		خواص فاتحة الکتاب
=		=
۸		اگر دختری بخت بسته باشد
۹		فائدة در جلب مرادات
۱۰		مثال اعداد
=		مثال در سفر
=		باب اگر کسی را مال وجاه وحرمت
۱۱		مثال در اسم حسن
=		باب در خواص جمعیت والفت
=		مثال عدد هر دو اسم
۱۲		مثال اعداد در خواص قسمت این عمل
=		مثال در تسخیر خواتین
=		فصل اگر کسی خواهد که در تطر سلاطین عزیز

۳۴۱

قد تم الکتاب بعون الملک الوهاب

فی یوم ٣ رجب المرجب فی سنه ١٤١٢

بید خادم الشریعة الشیخ حبیب بن شیخ موسی ال...